

مجموعه کتب (۱۳۳۱) بحرم الحلیج (۱۳۳۱) بیستمین سال دوازه (۱۳۳۱) تاریخ (۱۳۳۱) صفحه ۱۰۰

موجود دائمی يك باطری صحرائی يكصد و پنجاه و چهار تویی و يكصد و دوازده اسب است
در سفر يك باطری عبارت است از شش قطعه توب و شش جرخ ارابه قورخانه و هر کدام با شش
اسب سگتیده میشود

و در هنگام سفر مجدداً برخی اجزاء فاضل هم مزید میشود
که هر آلاهی عبارتست از يك باطری (ابو - ذخیره) و يك باطری احتیاط و چهار باطری ردیف
بخاطر این من حیث المجموع

حاکم دائمی تویی عبارت از ۱۹ آلاهی میباشد که هر آلاهی دارای شش باطری توب است که
عبارت از ۱۴ باطری بوده باشد از آنها هفتاد و پنج باطری توب صحرائی و ۳۹ باطری توب کوهی است
که توب صحرائی چهار صد و پنجاه و توب کوهی هویست سی و چهار ارابه است (باقی دارد)

توسعه تجارت خود در ایران سالی زیاده از يك ملیون
حسابه قند را متحمل میشود و از خزینه میدهد -
ولی اعضای بانک بانک باین نزدیکی دولت را اعتنا
نموده برای ده شاهی تنزیل چنان بد رفتاری نمی نمایند
که دیگر رغبت برای سکنه نمی ماند و بخیرال خودشان
مداخل بانک را زیاد حکرده اند و این خود
عین خسارت دولت است و اگر در از دید مداخل
بانک جد موفور دارند فقط برای ترفیع و ترقی مراتب
شخصی است نه مداخل دولت و حال آنکه دولت
روس در تعرفه كرك جدید چه قدر زحمت کشیده و
بجه اندازه مساعدت تجارت خود را بهر وسیله که بود از
دوات ایران حاصل نمود همین قدر بس است که سایر
دول غبطه خوروند و حسد بردند با وجود این تجارت
روس در دست مردمان کم خیرت بی وقوف اسیر و
گرفتار و اهدا پیش رفت نه نموده و بواسطه عدم
اعتنای مستخدمین بانک تمام تجار ایران ترك تجارت
گفتند و از میان رفتند - چنانکه مالیک مشقوی بیانک
سفرش نمود از عدم اطلاع اجزاء نتوانستند مدت
رسیدن آن را برای مشقوی بگویند بدان سبب یگانه
و عده دادند و شاه رسید و هر چه بپایه مشقوی
فریاد کرد و به رئیس و مرؤس عرض حال نمود کسی
اعتنا نکرد سهل است تفریر نموده بدهم گفتند بیماه
را هم پس ندادند تا آنکه پس از هفت ماه مال رسید
آنهم ناقص و صنایع مشقوی هرچه داد زده اقلاکسر
مال را از قیمت موضوع کنند بخرج نفرت گفتند باید
تمام پول وصول شود و حقوق مشقوی بعد از دو سال از
اداره چه وصول گردد با وجود اینها تجارت روس

مکتوب از بادکوبه

(ترجمه از روزنامه کاسی منطبعة بادکوبه)

جریده کاسی عدم پیشرفت امور تجارت روس را
در ایران که ناشی از بی وقوفی و نخوت ناپسندگان روس
است چنین مینگارد -

از انزلی تا طهران سیصد ورست پیش پست (۴۵ فرسخ)
و از بادکوبه تا انزلی پست هفت ساعت کشتی میرود
در انزلی تجارت روس را مانعی که موجب تنزل باشد به
نظر نمی رسد ولی از انزلی تا رشت و از آنجا تا طهران قلم
از مخرج موانع تجارتی شرم دارد و حمل و نقل مال التجاره
روس را بدرجه مشکلات می رسد که نتوان نوشت محض
اطلاع کار آگاهان مختصراً بیان کردیم

مامان شعبه بانک استراضی در رشت کتر از امور
تجارت اطلاع دارند هر چند مدیر آن طاهر و کارخان
و نکته فهم است ولی اجزاء لیاقت این خدمت را ندارند
و هر قدر رئیس بانک تغییر و تبدیل شده چون اجزا
همانند نتیجه که منظور دولت است حاصل نمیشود و
رئیس بانک هم بیشتر خود را صرف امور بانکی
می نماید

مال التجاره که مشرکین بانک بواسطه بانک
تحصیل می نمایند اجزای از عدم خبرت آنقدر مخارج
چیزی و بی فایده مال التجاره حمل میکنند که خرج بیش
از خرید امانه میشود در این صورت قیمت مال دو
مقابل و مشقوی نمیتواند تفع ببرد و درخواست
مال التجاره رغبت نماید چه مسلاً اقدام هر فعل برای
منقص است لابد اگر امریکه تفع نرساند ترکش
اولی است باین جهت مشرک بکندف به بانک طرف
عده دیگر نمی آید و حال آنکه دولت روس برای

نمی‌شوند مگر با مخالفت و مصاحبت و رأفت و مودت و عنو و اغراض که تماماً اسباب پیشرفت امور جمهوری است و آنکهی امروز آن روز نیست که دولت روس بدولت ایران خدمه کند و کینه ورزد چه حریف جنوبی با نهایت مهربانی و رأفت مشغول تهیه اسباب پیشرفت پلتیک خود است اگر رجال دولت هموماً و صدراعظم حلیه که يك دنیا پلتیک است خصوصاً بی مطالب بود با کدام وسیله عنو خواهیم خواست؟ و بکدام جبهه ما باید راضی شویم يك مسافر از رشت تا طهران هفتاد تومان کرایه دور شکه بدهد و در هر مهانخانه بچاره مسافر را جیب‌نمایند. شهادت همه آنها را فلان اوف محض انکال به روس می‌کند ولی از آنطرف چون اهالی جاهل اند یقین دارند که این اجحافات از جانب نمایندگان دولت روس است چه فلان اوف تمام ایرانیها چنان نموده که مرا دولت روس مرجع این کار نموده است نه دولت ایران در کدام سمت دنیا دیده و شنیده شده است که از مسافرین چلار که برای عوض کردن اسب داخل مهانخانه دولت ایران میشوند باسم روس ساعتی دوازده قران کرایه بگیرند کجا دیده شده است که جوجه یکی بختقران بطری هرق بختقران تخم مرغ دانه ده شاهی شمع دانه دو قران استکان چای یکقران اگر چه مارا بخالت و دخالت در منافع دیگران نیست ولی مطالب این است که همه آنها را از طرف دولت روس میدانند و حال آنکه همه اسباب ضرر مردم است از ملت روسیه مگر قوانین چلار روس بر نمایندگان روس معلوم و معهود نمی‌باشد جای تعجب است که تمام رجال دولت ایران از این خط عبورشان افتاده و همه آنها را برای لعین دیده و تاکنون در این باب اقدامی نکرده اند و رفع این علت نموده اند و تدبیری که در بین راه به چارواداران می‌شود و شتر و قاطرشان را با بار پرت می‌کنند باز هم خود ماری می‌نمایند و چون آنها ملتفت این نکات نیستند مسلماً برای ملت و دولت روس رفع اینگونه اعمال قبیحه و اعمال شنیعه و نهمت بین از روسیان از منقرضات است و باید طوری با تمام طبقات اجمالی رفتار شود و حسن خلق بخرج داده شود که جهت روسها در دل آنها جلی

چگونه میتواند پیشرفت نماید ما چگونه معاملات شعبه بانک استقراضی ایران را در گیلان مفصلاً خواهیم نگاشت از نمره دیگر اخبار مذکور سهو و خطای نمایندگان دولت روس را در ایران خصوصاً در ماده راه شوسه از رشت الی طهران حمل و نقل پست دولت علیه شرح می‌نویسد اجاره دار با اینکه از جانب دولت ایران است نه از طرف دولت روس سالی پست و بجهتزار منات مجازاً از دولت روسیه هم میگیرد سبب این مساعدت و همراهی در حق او نزد اولی القبل و نکته سنجان دولت مجهول است و هر چه تفحص کرد و تعمق نماید سبب آن را پیدا نخواهند کرد الا آنکه بگویند اجاره دار لقبی برای خود تراشیده فلان اوف شده است - چه کفیه اجراء طوائف روسیه غالباً به اوف منتهی میشود و این لفظ اوف نمایندگان دولت روس را در ایران به شبه انداخته و گمان می‌کنند که فلان اف دارای قامیل و خانواده است این بود که تصدیق کردند فلان اف خیر خواه دولت روس است و میتوانند بواسطه هم مشریان خود خدمتی شایان بدولت روس نماید بدان لحاظ همراهی او را باعث پیشرفت مقاصد خود دانست و تبصیر او را باور کردند و حال آنکه خدمات فلان اف راجع بدولت ایران است نه بدولت روس چه اگر پست قطع کند باید باوست و اگر حمل و نقل پست ترقی و سرعت نماید باز بحال دولت روس مفید نیست زیرا که دولت روس بتوسط پست مالالتجاره حمل و نقل نمی‌نماید و اگر فلان اف نمایندگان روس را از افکار و اعمال ایرانیان مخبر و مطلع میسازد همه اخبار او برای صرفه و ملاحظه حال خود است که برای ملاقات روسیان لابد باید چند سخن از اقواء شنید و چند دیگر بی مأخذ از خود ساخت تا اینکه دست آویز و وسیله حاصل آید سلماً اخبار و اطلاع او از روی صحت و بصیرت باشد مع هذا بودن واسطه فیابین این دو دولت ذوالاقتدار و محبت این دو ملت همجوار و متحد لازم نمی‌باشد بلکه باید از تمام کم و کمکیف منات ایران طبعاً برخوردار شد و به وسیله اطلاع حاصل کرد و این قره صورت

هرستان با سکنش مؤلف بود ملحق بجان این مردم
رسید و اسباب آسوده‌گی و دعا گوی خلق گردید
چون از دیرگامی منتظر و مترقب این نعمت بودند
عوض اینکه دود کشتی بخسار مزبور را به مسافتی از
دور دیدند گویا بقال های مرده و دلپای افسرده
جان آمد و بی اختیار بنای شادمانی و تیر اندازی
و شلیک گذاشته بکندل و بکعبه دست بدعا
بر داشتند و میشود عرض کرد مادام که ایشان اینجا
تعارف دارند اهالی به جان و ناموس خود تأمین دارند
و همین ایام معدود را باید از صر خود محسوب
نمایند

خلاصه وضع و عادت حکومت اینجا آن است که
مختصراً در فوق تشریح شد غیر این ماهوری هم
از کمرک است و کمرک اینجا مخصوص با این حال بی
ناظمی حکومت و سرحد دولت و برا گندگی و برینای
رعیت باید درستی ندارد. و تا این قدر هم که اهمیت
داده اند اکثر باید پول نقد از خارج برای اداره و
مخارج آن بفرستند در این صورت نمیتوان اداره کمرک
ایضا را بیش از این اهمیت داد و فی الواقع خود آنها
محتاج به عمارت بوده و هستند اهانتی که اینجا میرزا
غلام حسین کمرکی شد هر کس از این جاها خبری
دارد چگونگی آن را میداند و عرض کلی از ترتیب
این است که حکومت کرمان ازین جا خیلی دور است
و رعابای بیچاره این حدود را نیز هیچ قسم بدار الحلافه
دست رس نیست اوضاع حکومت و کمرک اینجا هم این
است پس بهتر این خواهد بود چنانچه در مکران انگلیس
و غالب سرحدات ناظمی دارد اینجا نیز دولت علیه
ایران به آن اسم يك مأمور باشرف و شانی با کار
گذاری داشته باشد که رفع بی نظمی و باره غارت
گریها و امانت آن از این حدود بشود که هم رعابای
داخله آسوده و هم این بندگان بتوانیم به تجارت
وسعت بدهیم ثروت و آبادی هر ملک منوط به زراعت
و تجارت است و آن نیز موقوف به نظام خاصه
قطر سرحدی که بیشتر منظور نظر هر دولت
است

(صلاح مملکت خویش خسروان دانند)

از طرف عموم اتباع انگلیز. قیم چاه چهار

گزنند و از بعضی خطای ایرانیان که ناشی از عدم علم
و خبرت است باید دانست و فهمیده عفو و اغماض نمایند
نه آقدر فلان اوف را همراهی سکود که برای
حصول مقاصد خود ملت و دولت روس را بی رحم
و ظالم با اهالی نماید و در دایه بگوید دخلی بمن ندارد
عمل دولت روس و حکم اوست و حال آنکه شاید
منته ابد دولت روس راجع نباشد و ما انشاء الله تمام
اصال و خیالات او را با فواید و مضاریم که از
او ملحوظ میشود منفلاً پس از تحصیل آگاهی برای
اطلاع امنای دولت خواهیم نگاشت

مکتوب از چاهار

(به اداره نامه مقدس مروض میداریم)

این بندگان اگرچه از مذاهب مختلفه و بیشتر تبعه
دولت فخریه انگلیز و بمرحمت دولت علیه ایران
عجالة این جا (چاه چار) بندر بلوچستان ایران آسوده
هستیم ولی بعضی اینکه برخی از ما مسلمان و دولت
علیه ایران یکی از درل معظمه اسلامی است و بعضی
نیوزقاری و ایران وطن نیاکان ماست و برخی هم هندو
و از این دو خصوصیت خارج ولی باز برای انسان
دوستی اذیت نوع انسان را نمیبخواهیم و دیدن
آن را نمیتوانیم لهذا بر خود واجب میدانیم که
جریده مقدسه را از حقایق اینجا مستحضر داریم شاید
خیر خرامی نسبت بدولت ابد مدت و خدمتی بعال
انسانیت کرده باشیم

در داخله و خارجه رسم است که هر چند گاهی
حکومت بعضی تفقد و سرکشی در حوزه خود سفر
می کند. افسوس بلوچستان ایران غالباً در آشوب و
رعابای بیچاره آن مظهر تاخت و تاراج اند حکومت
و گاشنگان مخصوصه حکومت نیز که بهر جا قدم بگذارند
هوس رسیدگی و رفع نمندی بقیا السیف را هم خود
شان یشا مینمایند. معلوم است اولیای دولت علیه را هر
گر از این حرکات خبر نه و این رعابای در مانده نیز
بیجانی دسترس ندارند. من جهه امسال هم یکی از نزدیکان
حکومت برای اجرای همین مقصود به این نواحی آمد
و اطراف را عرضه غارت داشت فقط بواسطه غیبی
چاه چهار و حوالی همان شدند یعنی آن نیز بملاحظه
و مانی که آن ورود جناب اعلا مال دوله کار گذار

شوشتر

فرج از شمت

از زلفی سکه پل شوشتر مشهور به پل شاپور ذوی الاکتاف (که بیست سال است از طغیان آب بحراب شده) بشکست متدرجا شهر رو بخرابی نهاد - علاوه سالی بجاه تقر از نفوس محرم اسلامیان و چند هزار تومان مال التجاره در وقت عبور با کلك از آب غرق می شد

آبادی شوشتر منحصر بمیاناب شوشتر که طولانش فرسخ و عرض سه فرسخ باریاب است بود - چه محصول صیفی و شتوی زیاد عمل می آمد - گذشته از اینکه تمام هرستان را قوت سالیانه بود سالی دوکروار تومان پنبه و کنجد او بخارج قتل میشد و همین باعث تحول رعیت بودی - در زمان سلطنت شاهنشاه شهید نورا که مضجعه چند مرتبه مشغول تعمیر و مرمت آن شدند یک نوبت زمان حکومت شاهزاده احتشام السلطنه ابراهیم میرزای مرحوم و یک مرتبه در ایام حکمرانی جناب نظام السلطنه هر دو نوبت مأمور و مباشر این عسکار مرحوم میرزا بزرگ خان مستوفی هرستان بود که از رجال کاردان با تجربه ایران محسوب میشد و چون مهار از طهران مأمور می شد و چندان بصیرتی بآب بندی نداشت هر چه مرحوم مستوفی دستور العمل میداد برعکس رفتار می نمود لهذا مبالغی گزاف مال دولت را بمصرف بخرج رسانده و بجهت اینکه بستن مستول نشود دولت را از صرافت انداخت سکه این سد از محاللات است در واقع مهار حیانت بزرگی به دولت و ملت نمود که این عرض را نمود در سالهای قدیم هم این پل خراب شده و باندک مخارجی بسته اند منجمه بکمرته بسی و اهتمام مرحوم حجة الاسلام حاجی شیخ جعفر شوشتری علیه الرحمه تعمیر شد و چشمهای شیخی معروفه امساله در اول سال باران بسیار زیاد آمد پس از فراغت از کشت و زراعت تا یکماه باران نیامد و امسالی تا ما متوحش و هراسان شدیم و سرمای زیاد خارق العاده شد که تمام علف هارا خشک و نابود نموده و صدمه بزراعت رسانید گاه که همیشه در شوشتر خررواری دوقرانه بود به شش تومان

رسید ثابت دو شب و یکروز باران آمد و زوایات رو بسختی آورد اگر دو سه باران دیگر بارد زراعت بخوبی عمل بیاید چنانچه از جانب اولیای دولت قاهره جاره بجهت بستن پل نمود تا ده سال دیگر بکثرت در شوشتر باقی نخواهد ماند

(وزیر)

مرآت زشت و زیبا

بقلم یکی از علماء طهران

(از شماره ۲۳)

نیم از حیانت این طایفه اینکه هر یک از ایشان با وزیر طالبه و اجزای حکومت مملکتی که استیفای آن با آنان بوده همدست شده حقوق کثیری از ینوایان را تنصیف یا تثلیث نموده نصف یا ثلث را برادروار قسمت می کردند بدین معنی که آنچه قبوض از مستوفی به بلاد فرستاده میشد بموجب مواضع فوراً پرداخته میشد و گرنه قبض در محل باقی بود تا پس از عزل حاکم پنجم یا ستم قبول کرده با حاکم نومی کنار می آمد مردم بیچاره هم چون این معنی را مسم داشتند اول سال قبوض خود را بنصف یا ثلث می فروختند هر جا فروخته میشد بالاخره خدمت جناب مستوفی و سر رشت دار تسلیم میشد (فاعتبروا یا اولی الابصار) هر چه میخواهم باب دهم را که باب الابواب و سر آمد حیثیاست بنویسم نصب مانع می آید اکنون همین قدر اکتفا کنیم و باب دهم را برای موقی دیگر گذاریم - پس ای برادران و هم کیشان - ای ایرانیان و هموطنان - ای معتدین بحديث شریف حب الوطن من الایمان - ای یادگاران حکیمان و پشدادیان - ای اخطاف ساسانیان و نوشیروان - ای مدعیان قدسی و ایمان - برای خدا بر اخطاف خود ترحم کنید - از خواب جهل و غفلت بیدار شوید - دیده عبرت باز کنید - بشکرانه نعمت الهی پردازید - تا کی اعتراف را بر انصاف مقدم دارید - تا کی ناحق را بر حق فضیلت دهید - تا کی دوست را دشمن و دشمن را دوست شمارید - واقعه امروز سکه زمام امور ملک و کشور در ظل عنایت شهریاری رعیت پرور و کف شکفایت وزیر خیر خواه و داد گستر است -

جای آن است که هر يك با هزار زبان شکرانه سوهبت
 الهی گفته حق نعمت فرو مکنارید زینت افروزی
 این پادشاه جببشاه را به تخت سلطنت و جلوس این
 وزیر خیرخواه را بسند صدارت تاریخ حیات و تمدن
 ایران داید - هر ساله از جان و دل به لوازم جشن
 ظهور هر يك ازین دو نعمت بزرگ پردازید - نه آنکه
 کفران نعمت کنید (الیاذناله) و گوش به سخنان مصلحت
 آموخته شایان دهید - و طرفدار ظلم و حیانت آنان
 گردید مصداق خدمت بدولت و ملت ازین بزرگتر و
 نیکوتر که هست این حربه داران بیرحم از دامن ملک
 و رعیت کوتاه گردد ؟ کدام اصلاح ازین مهمتر که
 روی این خائنان بیروت در انظار دولت و ملت سیاه
 گردد ؟ بموجب کدام آیه و خبر باید از دزدی اهالی
 گرگان و آشتیان بصری نظر کرد ؟ بحکم کدام قانون
 باید آنها را خارج از تکالیف نوع بشر دانست ؟ تصور
 مفرطیند که بتاول این دزدان خانگی کفر از غارت و
 جیاول بیگانه با ضرر رسانیده یا این حربه کوچک که
 حایه اختطار و شوکت برای هر ملک و ملت است ما را
 کمتر از قوت و قدرت همسایگان مایه اختارت و زیان
 گردیده حاشا و کلا زبرا که در یکی طمع آنها کراتی
 بود لما زیان این بیروتانی را باین نبود آنان هیچگاه
 حاضر از پیشرفت مقاصد داخل مانیوه اما اینان برای
 پیشرفت کار مانیوه سعی محکم برای منع اجرای مقاصد
 وطن خواهان بران نموده حکایتی از یکی از اینان دارم
 که برای اثبات مدعا برمانی میباشد خوبست بنقل آن
 پردازم روزی چند پیش ازین بمنزل یکی از اینان که
 بامش سابقه الفت و رابطه مودتی بود ولود گشته
 میزبانان دیدم سر بحیب فرو برده چندان ملول و
 افسرده که گوی رخت ازین عالم بدر برده درین آمد
 سکه هیچگاه رفیق شفیقم را بدین پایه ملول ندیده
 اسکنون شاید مصیبت ناگوار بدو رسیده و مرا خبر
 نبوده که باوی هر يك غم و سهم الم حکردم شرط
 مودت و رفاقت بجا آرم لوازم انسانیت و ادب فرو
 نگذازم پس متعجبان پیش خودم متأسفانه سبب برسیدم
 رفیق آبی از من دزدمند کعبه تکلی بدین
 بنده منمنند فرموده با یک ظلم سوز و دگرگن سخن
 گفتن آنگاه بجزو نمکش بوسید که بکنز شاه و بیجا

بودید و بکدام يك از عمالک بیده باز سفر بکردید که
 از واردات این ملک چنین جاهل و از حوادث ناگوار
 این کشور بیکاره غافلید

گفتم همانا پس از مراجعت از سفر عتبات عرض
 درجات و ... دیگر بار سفری نیست هماره در بروی
 غیر بست و در بیت الاحزان خوش نشستام از این
 جواب حال رفیق دیگرگون و تسجیش بی افزون
 گشته

گفت این نجساعت را چه سبب و این تصافت
 برای چه مطلب است همانا خود از دیوانگان و مجانی
 یا مرا در این حال دیوانه می بینی که طریق تدلیس بونی
 و سخن چون کودکان گوئی

گفتم ای دوست محترم و ای شخص معظم بحقیقت
 راستی و درستی سوگند و بحق صحبت و دوستی قسم
 که مرا با شخص ارجنفت تدلیس نیست و در آستان
 بقدرت تدلیس نه پیش ازین شرمسارم مگذار و ازین
 پیش اتعالم روا مدار اگر خدای نکرده کسی از
 نزدیکان مرده یا الیاذناله یکی از دردانه های صدف
 امانت رخت بر سر ای آخرت برده مرا نیز آگاهی بخش
 تا بر خود لباس هنرا بوشم و شربت سوگواری نوشم
 این همه عجز و زاریم اثر بخشیده و مرا بی خبر نمیدید
 گفتم ای گاش یکی از عزیزان مرده و مرا نیز
 با خود برده بود تا بچنین ایامی نمی رسیدم و چنین
 حوادث و خیمه بچشم نمیدیدم در انواء است سکه
 بزرگان را اندیشه اصلاح امور ملک و ملت در سر
 و نخستین مرحله اصلاحات اصلاح مایه و دفتر است
 پس عنقریب حال دفتریان تباه و روز روشن مستوفیان
 و لشکر نویسان سیاه گردد پس از این سخنان رفیقم
 که آتش در کانونم افروخته و سرابای وجودم بیکاره
 سوخته (باقی دارد)

حقیقه واقعه عجیب

§ روزنامه (برنر تفلات) واقعه عجیبی را متذکر
 است که توجه اش خالی از مناسبت نیست

روز نامه مذکور می نویسد اعلیحضرت امپراطور
 کل مالک دوس پهلوی دروازه ایوان (سارکوسیلو)
 میگشند که نگاه लगाते بنام ایشان بر زمین افتاده -
 اعلیحضرت برداشته در زبان قراله بود و مضمون

مبنی بر این معنی بود که دوازده نفر از رجال جراد سنگین
دل برای کشتن اعلیحضرت بانقام خونهایکه بتاریخ پست
و دوم جنوری ریخته شده آماده و مستعد گشته هم قسم
شده اند - روزنامه مذکور مینویسد که خط مزبور
در دربار شاهی شورش خرابی انداخته - و آری از
نگارنده خط تا کنون ظاهر نشده است - بر عدد
قزاقان محافظ همارت امپراطوری افزوده شده و هاره
اعلیحضرت در تملیه می مانند و احدی مأذون نیست
که خدمت ایشان برسد

شکایت همسر محترم

وکیل امرتسر

درستخانه نصیرآباد سیستان

(وکیل امرتسر) بهترین روزنامهجات اسلامی
هندوستان است که هفته - به نوبت با کمال وقار و عزت
در زبان اردو اشاعت می شود - معتقدین اخبار مذکور
شکایت نمودند که درستخانه نصیرآباد هراسبار بر آنمای
که تقریباً یکمبای باشد کسر نمی گویند اگرچه این امر را
همسر موصوف ما تشریح نه نموده سکه تهر پست
داخله هند را باخبار میزند یا پست خارجه را
درگاه پست داخله هند سکه به پای است زده چون
نصیرآباد سیستان از ممالک خارجه و در خریطه ایران
است سکر نمی داشته درین صورت بموجب معاهده
پستی جمیع دول سکر نمی بگیرند و هرگاه در
وزن دو انس که یا زده منقال یا کمتر شش پای تهر
زده و درین صورت باز سکر نمی گرفته شده
اجحاف شده است - ولی چون ما خود نیکو از نظم
و دوست کاری اعضای پست خانجات ایران مطلعیم
گمان نداریم چنین اجحاف بین شده باشد مع ذلک
رئیس پستخانه نصیرآباد سیستان را متوجه می سازیم
که تحقیق نموده هرگاه اجحاف شده رفع نماید و کسیکه
این اجحاف را نموده سزا بخشد تا این شکایت به
بالا تر سرایت نماند

اطلاع

اعلانی از طرف وزیر پست - خانه چلت حسب الاشارة
اداره خارجه هند شایع گردیده که از طرف دولت واپون
اطلاع به سایر دول نظام داده که تجار خود را از آن

مطلع نمایند (تباکو - سگار - سیکرت - تنون - آقیه
و اشیاء دیگر که از تباکو ساخته و ترکیب داده
می شود و تا کنون ورود شانرا در خاک واپون حکم
امتناعی صادر نشده بود حال از طرف اعلیحضرت
میگادو امتناع از دخول اشیاء مذبوره شده امر نافذ
گردیده که از این و بعد هیچیک از دول عظام و
تجار خارجه اراده آوردن و یا فرستادن اشیاء ممنوعه
مذکوره را نمایند تا زمانی که دولت مشارالها را خود
ضرورت نشود و حکم در آوردن اشیاء مذکوره
صادر فرماید - لهذا بموجب اعلان مذکور مستخدمین
و تجار خارجه در تجارت اشیاء مذکوره ممنوعند و این
حکم ۲۸ جنوری طبع و شایع گردید

للمرقوم ۱۰ فروری سنه ۱۹۰۵

مجموعه روس

وقایع تگر (استیسن) مینویسد - قطار راه
آمن (سایبریا) این قندو از مجموعین و بیاران ملو
است سکه فراغت حمل سیورسات و قشون باردوی
(مکن) ندارد - قطار راه آمن منظره هولناکی
دارد - روزی هزار و دویست نفر مجموعین (مکن)
بسمت غرب فرستاده می شود و مجموعین را در
کالسکها روی هم می ریزند نه دوا دارند نکیکه تطبیع
آمان کند و پرستاری شان نماید همه را مثل دواب در یکجا
جمع میکنند و هر روز صدعا از آمان تلف می شود
در يك قطار راه آمن که ملو از مجموعین بود
و بطرف دریا چه بیکال فرستاده بودند چون بمرکز
رسید احدی از آنان زنده نبود از همان راه راه آخرت
گرفتند و بزحمت جان دادند

روز دیگر واقعه عجیبی روی داد نهد مجموعین
را از (مکن) در قطار راه آمن حمل نمودند در
نجه راه (بیکال) کالسکها را وا داشته تا کالسک دیگر
که قشون کک (مکن) می برد عبور نماید از قضا طشین
آن شکست و ماشینیکه کالسکهای مجموعین را می برد
بر آن قطار متصل کرده روانه کردند - و مجموعین را
همین حال ناسیزده روز گناروند پس از آن انجمه
هفت فرزند مانده بود عده متولین و مجموعین
باندازه ایست که گدیشان سرخ صلیبک برای کفن و دفن
متولین و پرستاری مجموعین در جنگها حاضر می شوند

فرستاده. ما مقامات مستحکمه ژاپونیا را گرفته بودیم ولی به سبب نرسیدن قشون کک بر جمت مجبور گفتم و در حین معاودت ده هزار قشون ما تلف شد.

در خطوطیکه جنرال مزبور به آشنایان و دوستان خود نوشته اظهار میدارد که جنرال (کرویاتکن) به عوارض دماغی مبتلاست و این امر خروج از امکان نیست دلیل بین آنکه تلگرافات (سائیریا) مسلم است که در اختیار روس بود مع ذلک درین هفته تلگرافی از طریق (مکن) و (ولادبوستک) و دیگر قسبات منچوریا بدین مضمون واپس کرده شد (تلگراف زیر انتظام دولت روس است) این حکایت عجیب است که از آغاز جنگ الی الان در پرده استتار مانده است

حبل المتین

معلوم نیست که مقوله اخبارات تا کجا مقرون بصواب است ولی نقشه که برای حمله وسط آسیا از جنرال کرویاتکن افشا شد تا اندازه این سخنان را تصدیق میباید بقیه بعضی برای رفع الزام از دولت اداره جنگی چنان صلاح دیده که تصور را بر جنرال موصوف بدین اسم بگذارد ولی

(چه برگشت زنجیرها بگسلد)

دلای لامه

بموجب خبریکه اشاعت یافته (دلای لامه) فرمانفرما و رئیس روحانی تبتیان وقتی که قشون انگلیسی در خاک او رسید راه فرار گرفت - افواهاست مخالفه درباره وی اشاعت دادند - ولی خبری موثق از او نه بود که کجا است و قصدش چیست - اینک معلوم می شود که مشارالیه با چند هزار پیاده و دستگاه بسیار و دو صد سوار در (آرگا) پایتخت (منگولیا) وارد شده - از مدت مدید عالی منتظر قدم وی بودند - با سورت سرما سردار چین و (منگولیا و خواستان) در معیت او قشون زیاد روانه کرده تا حال همراه اوست - سیصد هزار نفر زیارت وی در شهر آمده - وقتی که (دلای لامه) داخل شهر گشت شاید تهنیت شد - و در پونی که برای او تعمیر کرده بودند منزل نمود - همه روزه مردمان بسیار با اعتقاد تمام خدمت او رسیده جوق جوق اهل مشرق (سائیریا) به اجازت

از عهده بر نیامده ترك این خدمت را گفته اند طامه خیرین از کثرت بی انتظامی و هجوم مقتولین و مجروحین لشکر روس از همراهی دست کشیده همدردی خود را بی ثمر می دانند - هر وجهیکه خیرین برای این گونه مصارف اطاعت کرده همان حین ابلاغ با قبل از آن دست حیانت در او دراز شده از میان رفته است

از واقعات عجیبه یکی آنستکه هر یک سرکردگان از میدان مراجعت نموده دست خالی نبوده یعنی تا اندازه از لشکریان خود غنیمی در دست داشته اند - یکی از اجله سرداران که روسیه باز گشت کرده دو هزار صندوق شراب همراه داشت این امر خیلی مایه هیجان طامه و قله هر مجلس شده ظاهر است که با این وضع ناگوار و کثرت حیانت پیشگان همراه دولت روس جنگ را خاتمه نه نماید با تشنه خود و بیشه حویث را کنده است

جنرال کرویاتکن و خیالات ارباب حل

(و عقد روس درباره او)

وقایع نگار (اسپنمن) از لندن می نویسد یک هفته است اهالی (پترسبرگ) درباره استیضای جنرال (کرویاتکن) بحث دارند و از عنوان بیانات شان مژغ می نمود که لابد به مقام و عهده جنرال مزبور جنرال (سختاروف) یا جنرال (ان و جی) مقرر خواهند شد - اگر چه اسامی چند نفر سرداران دیگر نیز ذکر میشود - برخی از وقایع نگاران اخبارات (پاریس) با کمال و توق از (پترسبرگ) می نگارند که جنرال (کرویاتکن) از عهده خود مستعفی شده - روز نامه (فیکارو) تردید این فتولات را میکند - اخبار (بت جنرال) می نویسد که جنرال مزبور را خلیل دماغی طاری شده و این راز سر بسته تا اندازه از اشراج این ریورت آشکار میشود که جنرال (گرین برگ) حکم داده بود که کالسکه مخصوص برای حرکت وی به (پترسبرگ) مجبلاً آماده شود چه او را حالات معلوم شده که میخواهد فوراً به سمع همایون اعلیحضرت امپراطوری برساند - مجدداً خبری در (پترسبرگ) اشاعت یافته که جنرال (سکرین برگ) تلگرافی با اداره جنگی به این مضمون

و (سواستا پول) در حلقه دیده می شوند که مرتش دشوار معلوم میشود. - جمله این جہازات را سرکردگان بحری روس خراب کرده خرق نمودند و در آنها قشون و عملجات و سیورسات و قورخانه آتزر بود که اگر سرکردگان می خواستند با همان استمداد اشیاء خود را به روس می رسانیدند

بایندگان خارجه که سالات بندر آرتر و آبادی آنها و جمعیت اهالی را ملاحظه کرده متفق الکلمه می گویند که ایدا قابل ترحم نه بودند. - اعضای ملکی بندر آرتر را قسان قلیل رسیده بود. - در شهر ریاض زن موجود و نیز بچاه زن فاحشه در عین محاصره بمحسورین تأید رسید. - سیورسات هم با آنها فرستاده شد بعضی از ایام بچاه کاسکه محلو از سیورسات می یافتند. - بسیاری از چینی ها که در شهر بودند اقرار باین معنی دارند که آنان را هیچ اذیت و تکلیفی نبود ماکول و مشروب به افراط میرا بود. - دوشهر چند نفر از (سکها) بودند و جمله حکایت از ناقابلی سرکردگان روسی دارند ازین بیانات معلوم میشود که جنرال (استاسل) بشخصه سبب این گونه خرابی شد و نزد اولوالایصار قابل همه گونه ملامت و سرزنش و نکوهش است. - و اگر مزاج استوار و همت باند جنرال (کندر اشکو) بر جنرال موصوف اثر نمی افکند قلعه (آرتر) مدتی بعد تسلیم شده بود. - ملک نیت سرداران روس که گمان و خوف این معنی را داشتند که قورخانه اگر ختم شود به هیچ وسیله مددی بر آنان نه خواهد رسید. - لائق ترین هستند. - البته قشون نظامی روس هم در بعضی مقاطع حرکاتی کردند که سرداران آنان بناچار در بعضی مواقع ثابت نامردی آنها را اظهار داشتند. - تمامی مشاهدات شهادت میدهد که جنرال (استاسل) اگر میخواست میتواند بندر (آرتر) و عزت خود و قشون دولت خویش را تا مدتی دراز نگاهداری کند

پس ازین بیانات میتوان گفت مثل جنرال (استاسل) شخصی ایدا لائق تمجید و توصیف نیست. - کسانی که حالات قلعه آرتر را خود مشاهده کرده و با بیانات بر سر وی جنرال موصوف متقابل میکنند. - هم در ایشان مبدل به ریشخند و تمسخر میشود و یقین دارند که این گونه اطاعت دلیل بر غیرت آنها در صفحات تاریخ تا

اطاق های نفیسه سرمازان خرابی وارد نیامده بود و اینان فقط به سواحل و کارخانه بات و جہازات شلیک میکردند و مکانات را زیاده تر بحال خود می گذاشتند البته در شهر کهنه در وسط شرقی راه آهن مکانات و همارات پایه اش از شدت شلیک خراب شده بود با آن حال نیز ادارات (مکدرکسن) و همارات محفوظ بسیار داشت. - صرف دو گلوله بر همارت دولتی رسیده آن قدر ضرر نیافته بود و یک گلوله قریب کلبسا افتاده و باره شد بود. - مکانات جنرال (سرنوف) و جنرال (استاسل) و سرکردگان دیگر که در آن حوالی بود هم محفوظ بودند بر شارع تام سمت میدان اسب دوانی خرابیهای زیاد رسیده بود خاصه آنها که راه ختم و به طرف ساحل میروند و ادارات که در (نوی کرا) واقع اند. - بحال خود بودند بهر حال مکانات منهدمه آنقدر کم است که با آن شدت شلیک و این سبب تسامح نشود قرارداد بسیاری از مکانات علامت علم چلیپای سرخ داشت فقط از آنها یکی خراب بود. - و شفاخانه که در مقام غیر محفوظ بود در بالای راه آهن و طرف ساحل از یک گلوله صدمه خورده بود. - حکایتها اینک نسبت به انهدام امکان چلیپای سرخ اشاعت یافته بود. - مردمان معتبر آنها شکوفه نازه خیال میکنند و میگویند که این همه برای حصول همدردی طامه بوده است

در - و ساحل بندر آرتر سه جہاز شفاخانه دیده شد (انگرا) - (کیان) - (منگولیا) - جہازات اول وقتیکه در جہازات جنگی و این محصور آمد گلوله خورد ولی در خطر خرق نبود. - جہازات دیگر درست بودند بسیاری از جہازات قنار و موشک شکن و موشک از کمی آب بگل نشسته و ممکن است همه آنها را بیرون آورده بکار آرند سواحل قدیم به آسانی تمام تعمیر و ترمیم می شد و مقامات تازه که زیر تعمیر بود محفوظ بود براسکه و عملجات آن خیلی شلیک شده بود مع ذلک سامانهای تازه هم موجود بود در اطراف خانه های زیاد خراب شده است جہاز (بیان) طرف شرقی بندر افتاده و ممکن است که مرمت شود و جہاز (پالتاوا) و (پرسویت) و (رودون) هم در همان حال است جہازات (پویده)

شماره (۲۴) ۶ عرم الحرام (۱۳۳۳) - سال دوازدهم - ۱۳ مارچ (۱۹۰۵) صفحه (۲۱)

یکی از وقایع نگاران روتر (کرنل ریس) روسی را ملاقات نموده مشارالیه بیان کرد که اگر ما باز مدافعه می‌کردیم همه کشته می‌شدیم - و نتیجه مدافعه از آن و بعد قتل همه ما بود - درباره قشون قلعه (آرتس) کرنل مذکور گفت که قشون ما ابداناب مدافعه نداشت - و نیز در خزانه جنگ از سکه جات و (روبل) بیش از قیمت سی (شلتنگ) داشتیم - بدو در صندوق خزانه بندر آرتس (۱۵۰۰۰۰۰) لیرا بود - علاوه بر این وودان چهار صد نفر مجروحین ما از مرش شنگ نفس و عیبه می‌مردند

تلاکرافات

(۲۶ ذی حجه - ۳ مارچ)

بموجب تلگرافیکه از (پتسبرگ) رسیده لشکریان ژاپون با کمال جوش و خروش مجدداً بر قاب اردوی روس حمله رسمی نموده که کوه (سیلوف) را متصرف شوند ولی با نقصانی زیاد عقب نشستند

جنرال (کر، باتکن) اطلاع میدهد که لشکریان ژاپون را عقب نشاندن مجدداً مذاکراتی را که آنان متصرف شده بودند قبضه نمودیم و مدعی است که لشکریان روس ژاپونیان را در نقاط چند قصبات بسیار رسانیده‌اند

اعلیحضرت امپراطور روس از هیئت وزراء که در تشکیل مجلس شوری منتخب بودند اظهار عدم رضایت درموده - چنانچه امپراطور را خیالات متغاب و رسا اقتدارات شخصی سلطنت را اعلان و از عموم ملت خواهش نموده‌اند که برای استیصال دشمنان داخلی و خصم شدخوی خارجی متحد شده تدبیر و فکر کنند

اغتشاشات موجوده تجارت (ورسا) را سد نموده - حرکات بلوایشان اندیشه ناک معلوم می‌شود کار بجای کشیده که از تفنگ و نارنجک کاره بگیرند - اگر حکومت - عمده جاب کارخانه زکاز را بکار راضی نکند - تا روز یکشنبه همه شهر تیره و تاری خواهد ماند

از اعلان رسمی اعلیحضرت امپراطوری آری بر قلوب اهالی روس پیدا شده - و اداره جنگی قشون زیاد سرعت در (ورسا) و (لاز) جمع مینماید

(۲۷ ذی حجه - ۴ مارچ)

نخبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که سنگرهای روس اینقدر مستحکم است که ژاپونیان را لازم شده برای پیشرفت مقاصد خود ذرائع و تدابیر بسیار در محاصره قشون روس نمایند

لشکریان روس در میمنه (منه) بر خصم حمله برده ماقبت عقب نشستند

کنون ملاحظه نکرده‌اند اگر امپراطور (آلمان) برای اطلاعات صحیحه از نمایندگان جنگی خود و دیگر نمایندگان استفسار می‌نمرد یقین است که با نشان (وردن) جنرال موصوف را مفتخر نمی‌نمود

آخرین اعلان جنرال (استاسل) - مسافری تاریخ بیست و سیوم جنوری وارد (جینو) شد نقل آخرین اعلان جنرال (استاسل) را همراه داشت اعلان مذکور ازین قرار است

ظاهر است که لازمه مدافعه است که محصورین روز سه بپزند - حالا فریضه هر سردار این است که قشون خود را از تلفات بجا حفظ نماید - جان دادن برای ملک و مات و دولت مشکل نیست ولی با همت و غیرت و عقل و دلتش تا به بی‌غیبتی و رهنمی در نزد خودی و بیگانه نام بردار نشود

در یکی از اعلانات خود جنرال (استاسل) بیان میکند که در دریای (آرتس) هیچ جهاز باقی نمانده که حفاظت بندر را بتواند نمود - اردوی زرگی از ژاپون درین راه پامان شده و آنان بواسط محاصره این بندر از افزودن قشون که بر جنرال (کروپاتکن) حمله نمایند متعذر شده - جنرال (استاسل) همه سرداران و سرمازان خود را در اطاعت مجید کرده و بان کلمات محصورین را اطمینان میداد که ما این فریضه واجبه را در کمال استقلال ادا کردیم - حتی وقتیکه جنرال موصوف میخواست از قلعه خارج شود - در سجود رفته دعا خوانده آن خاک را برسیده که مدتها در آن استقامت نموده بود

جواب جنرال استاسل

(بوقایع نگار طمس داکتر ماریسن)

وقتیکه جنرال (استاسل) با یک صد و پنچ سرکرده و صد می و شش سرباز وارد (کولبار) و مصمم بود که سوار جهاز جنگی روس شود اخبار طمس را که در آن نگارشات (داکتر ماریسن) بود ملاحظه نمود - خیلی اظهار خشم و غضب کرده سپس بیان کرد - سخنان (داکتر ماریسن) همه افسانه میباشد که روزنامه طمس اشاعت میدهد و محض غلط است - سیوساتیکه برای ما باقی مانده بود ادا قابل صرف و استعمال نبود - وقتیکه من به تسلیم خود رفشون راضی شدم لشکریان ما را هیچ قابلیت جنگ و مدافعه نبود - با این همه اگر مرا کمک میرسید مدافعه میکردم - کار ما بجای کشیده که توقع کمک از پوراخانه‌ها داشتیم - و در آنجا هم هیچ کس قابل جنگ نبود - در این صورت مدافعه و استقامت ما مجنونانه تصور می‌شد

خود را آتش میزند

§ امروز مخبر (روتز) از (کورکی) خبر میدهد که (مارشل اوپاما) سپهسالار ژاپون با کمال قوت بجانب میمنه و میسرۀ اردوی روس حمله آورده. اردوی ژاپون مثل قوس بزرگی میباشد که اساقش در (شاهو) است میمنه اش تا مشرق (فوشن) و میسره اش به غرب (مکدن) متصل است. جنرال (کروپاتکن) با نهایت شجاعت در دفع خصم مشغول است. و با قوت قلب لشکریان روس را مقابله با خصم می‌شود

§ مخبر (روتز) بتاريخ چهارم خبر میدهد که در (کورکی) ژاپونیان با توپهای قلعه کوب برسنگرهای روس بجانب میسرۀ شلیک میکنند. دشوار معلوم میشود که روسیان تحمل و استقامت اینگونه حملات ژاپونرا نیابند (۲۹ ذی حجه - ۶ مارچ)

§ بموجب اخباریکه از مخبران (روتز) رسیده میسرۀ اردوی ژاپون با وجود مشکلات بسیار و شدت برف حملات دلیرانه بر خصم کرده. درین حملات مکرر محتاج با فروختن مشعلهای جنگی شده عاقبت حذقیانی که محصور و محو از سیم‌های معدنی و سرنگ بود بزور توپ و شمشیر گرفتند. روسیان با فایت جوش و خروش مدافعه کرده ولی ناچار با حال پریشان عقب عقب میروند و اسلحه و پوشاک خود را برای سبک باری می‌پزند

§ بسیاری از توپهای شش (انچ) و ماشین دار روس غنیمت ژاپونیان شد. در حین حملات ژاپونیان شلیک هواناکی کرده با توپهاییکه از قلعه (آرتنر) آورده بودند برش برده قریه‌ها و مقامات مستحکمه خصم را منهدم و نیز لشکریان روس را منتشر و غنیمت‌الحواس ساختند. درین میدان حفظ قلب اردوی روس بشلیک توپخانه است فعلاً میسرۀ اردوی ژاپون متصل و به شمال و شرق (مکدن) رسیده و راه فرار بر مقدمه الحیش روس بسته. مشکل است بتوانند روسیان ازین میدان فرار نمایند

(سلخ ذی حجه - ۷ مارچ)

§ اعلیحضرت امپراطور روس از شش ماه قبل تا کنون صد و شصت شاگردان مدارس حریه را عهده (لفتی) داده و این امر برای ضرورت سر کرده در میدان جنگ است

§ جنرال (کروپاتکن) بتاريخ ششم تلگرافاً خبر میدهد که قشون ما در کار دفاع نیکو مشغول اند. دیروز در مرتبه حملات خصم را رد کرده و نیز حملات قلب و میسرۀ قشون را رد نمودیم

§ در (کاژولنگ) عده مقتولین ژاپون دو هزار بود و ژاپونیان بجانب جنوب عقب نشستند

§ بموجب مراسلاتیکه در (ولادیوستک) رسیده دو هزار ژاپونیان بجانب شمال (کوریا) در (شنگشن) وارد شده‌اند

§ جنرال (کروپاتکن) خبر میدهد که دوم شهر جاری حصه از سنگرهای (گوتلنگ) خراب و برباد شد. تا دیروز حمله خصم همان قسم بر میسرۀ اردو سخت و شدید بود. تمام حملات ژاپونیان رد شد و در چند مقام از کشتگان پشته‌ها ساخته شد. دیروز بالغ بر پنجاه هزار قشون ژاپونیان در (فندلسان) با نقصان زیاد عقب نشاندند

§ مخبر (روتز) از (توکيو) خبر میدهد که تنور جنگ با نهایت گرمی امروز شعله وراست. و ژاپونیان با قوت تمام پیش قدمی میکنند

§ جنرال (اوکو) به جانب میمنه اردوی روس در (میلی مکدن) برش آورده است

§ جنرال (اوکو) در (شنگن) مقام منیمی را منصرف شد

§ مخبر (روتز) از اردوی جنرال (اوکو) خبر میدهد که امروز از لشکریان ژاپون دو هزار نفر مقتول شدند و عده تلفات روس خیلی زیاده بر این است. با اینکه شدت برف میبارد ژاپونیان بشلیک راه آهن مشغولند

§ اعلیحضرت امپراطور روس اعلان داده که میخواهند از رجال با سیاست و عقلای ملت مجلس شورای ترتیب دهند تا آنان برای نگاهداری و نظم قوانین اقدام نمایند و نیز خواهش نموده اند اعضای مجلس مذکور اصول قواعد سلطنت را هم ملاحظه کنند

§ اهالی روسیه دیروز از نشر اعلان رسمی اعلیحضرت امپراطور در شرکت اهالی در ترتیب قانون منجیب شده هموم اخبارات اظهار رضامندی و خوشنودی میکنند با این همه اهالی را از صدق این اعلان اطمینان نیست. در نواح (بادکوبه) اغتشاشات رنگ دیگر گرفته است

§ عده بلوایان (پتربرگ) زیاد شده و به پنجاه و یک هزار نفر رسیده است. دیروز شهر آرام بود (۲۸ ذی حجه - ۵ مارچ)

§ مخبر (روتز) که در اردوی جنرال (کروپاتکن) است بتاريخ چهارم از (کورکی) مینویسد که ژاپونیان در مقابل (هنهو) فتحیاب شده و دو دویژن را حکه عبارت از پنجاه هزار قشون باشد و تازه از روسیه رسیده بودند شکست داده و قتل عام جاری است. درین میدان قورخانه و روسیان نیز غنیمت ژاپونیان شد

§ مخبر (روتز) از (نوشانگ) خبر میدهد که روسیان قبل ازین که از (مکدن) فرار نمایند شهر و سپورسات

از زارین در دهات و قری با اسلحه جنگ گردش و حال و اسباب دیگران را تاراج میکنند -

§ در پترسبرگ عملیات کارخانه بحری (بالتیک) به بهانه اینکه سرگردان آنان را گرفتار کرده باقی شده اند
§ وقایع نگار اخبار (طمس) می نویسد که صرافان فرانسه دولت روس را اطلاع داده که بجای سی و دو میلیون قرض پست میلیون داده می شود و این آخرین قرضه است که دربار روس داده خواهد شد زیرا که تا چند سال دیگر صرافان (پاریس) برای انتظام وصول مطالبات سابقه خود مذکور آمد (یکی از اخبارات انگلیسی تحت این عنوان مینویسد این تلگراف منافی است با تلگرافیکه وزیر مالیه روس برای آگاهی ایرانیان بی وقوف در چند ماه قبل به رئیس بنک استراضی طهران در ماده فروش قرضه ایران داده و مخصوصاً بفارسی طبع و انتشار یافت و ارباب غیور با اطلاع جراید فارسی نیز با منتهای آب و تاب در ستونهای قیمتی جراید خود درج نمودند لذا باید نظر بصحت آن تلگراف این تلگراف را تصدیق نه نموده قابل اعتماد نشمرد)

§ وقایع نگار (طمس) از پاریس مینویسد که جبهات جنگی روس تنها از (مدیکاسکر) بجانب جیوتل روانه شدند
§ مخبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که دو جهاز انگلیس (وینس) و (افرودت) برای (ولادپوستک) ذغال حمل داشته ژاپونیان گرفتار کردند

(۲ محرم الحرام - ۹ مارچ)

§ تلگرافیکه بتاريخ هشتم ساعت ده روز از (مکدن) رسیده ظاهر میدارد که شایک بسیار - سختی بجانب غرب و شمال جاری است که از صدمه آن خانه های (مکدن) منزلزل و در قرب مقابر شاهی میدان کار زار آراسته است

§ مخبر (روتز) خبر میدهد که علی الصباح در همه جبهات میدان جنگ بسیار سخت بود طاقت جنرال (کرویاتکن) با ظایت شرمندگی مغلوب شد

§ مخبر (روتز) از [توکیو] خبر میدهد که صبح هشتم تمام جبهات اردوی روس از جای کنده شده ژاپونیان با تمام قوت از هر جهت آنها را تعاقب مینمایند
§ وقایع نگار [طمس] از [پترسبرگ] مینویسد -

جنرال [کرویاتکن] با امپراطور روس بدین عنوان تلگراف عمده ژاپونیان بجانب غرب و شمال [مکدن] استمداد زیاد فراهم کرده اینک مفتضی آن است که ماه سرعت باد و برق مراجعت کنیم

§ عمده نقصانات روس که من جمله منهدم وسی سرکرده است سی و سه هزار تاکنون رسماً تصدیق شده

§ مخبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که جنرال (کرویاتکن) با تمام قوت خود به نگاهداری (فوشن) مشغول است و تاکنون معلوم نیست که از اینجا بکجارج خواهد نمود -
لردوی روس باید در (فوشن) مستقل ماند تا قهقرونی که و (شاهو) موجود است محفوظ مانده محصور نشود
§ (مارشل اوپاما) سپهسالار ژاپون اطلاع میدهد که در چهار میلی شال غرب (مکدن) جماعتی از لشکریان روس با هفت توپ بطرف (طی شیو) عقب نشستند - و باوجود قوت خصم جنگ در پانزده میلی جنوب و غرب با شدت تمام جاری است
§ مخبر (روتز) از (مکدن) خبر میدهد که شش روز کامل است جنگ در غرب مکدن با منتهای سختی جاری است ژاپونیان [شیبا] را اردوگاه مرکزی قرار داده واه قشون خود را بجانب شمال باز کرده اند - نقصان روس زیاده بر آنست که در جنگ [لیاویانک] بود و تلفات ژاپون هم بیشتر از آنها معلوم می شود

§ تلگرافیکه بتاريخ هفتم رسیده ظاهر می دارد که جناح اردوی ژاپون در حرکت و حمله از آنان به [تیلنگ] رسیده اینک بجانب شمال شاهراه [سن من تنگ] شلیک میکنند و از آنجا به روحین اردوی ژاپون را می آرند - در جانب شمال هم تنور جنگ مجدداً شعله ور گردیده - و حمله بر قلب لشکر کماکان قائم - ژاپونیان بجانب مشرق پیشقدمی میکنند روسها تاکنون مقامات مرکزی خود را متصرفند - ولی از طرف شمال و غرب بمقاطعات دوردست خود مراجعت میکنند (غرة محرم - ۵ مارچ)

§ جنگ تا کنون ختم نشده - و طرفین خسته شده اند - هنوز معلوم نیست نتیجه این جنگ چه ظاهر شود
§ مخبر (روتز) از اردوی جنرال (کروکی) خبر میدهد که لشکریان روس تاریکی شب را غنیمت شمرده در نواحی (شاهو) مقاطعات منیع و استحکامات رقیبه خود را خالی کردند و پس از سوزاندن اسباب خود عقب نشسته بسرعت باد و برق فرار و ژاپونیاها سخت آنها را تعاقب نموده عنقریب (مکدن) را فتح خواهند کرد

§ مخبر (روتز) از اردوی جنرال (اوکو) خبر میدهد که به سبب شدت برودت هوا اخبارات جنگی با تلگراف نمی شود بواسطه تلفون کار روانی مینمایند

§ لشکریان روس حمله های دایره ای ژاپونیان را تاب نیاورده چنان معلوم می شود که برنی از قشون نیز از اطاعت اوامر سرداران خود سرپیچی نموده اند - ژاپونیان بر پرود (من هو) بل بسته و گنشتند

§ در [پوتند] شعله بغاوت مجدداً زبانه کشیده جماعتی

§ (مارشل اویاما) اطلاع میدهد - تقعه را که برای میدان جنگ چندی است کشیده بودیم در همه نقاط متضی المرام گشته‌ایم و جنگ بسیار سخت در اطراف (مکدن) جاری است

(۴ محرم - ۱۱ مارچ)

وقایع نگار (طمس) از (بترسگ) خبر میدهد - تلگرافی از طرف جنرال (کروپاتکن) که گمان می‌رود صبح دیروز بتوسط جاپار مخصوص به (نیانگ) فرستاده و بلاواسطه در (سارسکوسیلو) که علیحضرت امپراطور روس فعلاً اقامت دارد باین عنوان رسیده (ما در محاصره هستیم)

§ رسماً نقصانات روسی تا روز پنجشنبه (۶۰۰۰۰) هزار تصدیق شده

§ اخبار (گرافیک) که چند نوبت از موثقین خبرهای بلژیکی را اشاعت داده خبر میدهد - دولت روس بدوات فرانس اظهار داشته که گفتگوی صلح را با شروط چند بزاپون پیش نباید مخابرات صلح با غورمیان فرانس و انگلیس جاری است - انگلیس با زاپون اگر آغاز محاربه نه نموده بزودی خواهد نمود - ظاهراً بسبب کسادی بازار پاریس و امتناع از دادن قرض - دولت روس مجبوراً صلح را بر جنگ ترجیح داد

§ خبریکه از جنرال (کروپاتکن) تاریخ نهم رسیده ظاهر میدارد - جنگ متناسبه در جنوب و مغرب امروز شده زاپون تمام قوت خود را بجانب شمال صرف کرده پیش می‌رود (فوشان) نیز بتصرف آنها آمد که ۲۰ (پرست) بالاتر از (مکدن) میباشد

§ خبریکه بتاریخ دهم رسیده بیان میکند - از چهار جانب قشون روس عقب نشستند و عملاً جنگی در پیش نیست ولی آواز تفنگ و توب تمام شب انگوش می‌رسید

اعلان از جانب جنرال قونسکری

دولت علیه ایران

برای اطلاع عموم اعلان می‌شود که دفترخانه قونسکری دولت علیه ایران در شبی از ۲۳ ذی الحجة الحرام (۱۳۲۲) به نمبر ۳ (جن کینس هوز) که در نزدیکی تاج هل هتل و در ایالت بندر واقع است نقل شده بغیر از روزهای جمعه و یکشنبه که تعطیل است روزهای دیگر هفته هر روز از ساعت ده انگریزی صبح تا ساعت پنج بعد از ظهر برای رسیدگی امور نیمة دولت علیه و دادن تذکره دفترخانه باز است هر کس مطالبی داشته باشد در ساعات مزبوره رجوع نماید - تخمیراً فی ذی الحجة الحرام سنة (۱۳۲۲)

مخبر [روتر] از [توکیو] خبر میدهد که لشکریان ژاپون بجانب شمال [مکدن] راه آهن را متصرف شدند

§ طامه سیاسیون بر مکاید و تدابیر جنگی ژاپونیان در جنگ [مکدن] متصرف شده میگویند که از خطای خود در جنگ [ایازانک] متنبه شده حالا فائده بر میدارند - چه در گریزگاه حاصم قشون بی اندازه نهاده و تاکنون خبری صحیح از شش روزمان که تحت امر جنرال [کمیمورا] هست نرسیده

§ بموجب اطلاعیکه از (مارشل اویاما) و جنرال (کروپاتکن) دو سپهسالار اعظم جنگ اقصای شرق رسیده در شمال و غرب [مکدن] جنگ بسخت ترین اسلوبی جاری است

§ مخبر [روتر] از [توکیو] خبر می‌دهد که ژاپونیان تمام حملات لشکریان روس را که بر [یوشی تن] و [لکنیو] بجانب غرب نموده رد کردند - و روسها خیلی مقتول و مجروح شده - ژاپونیان (سؤشی تن) را متصرف گردیده مقام مذکور پنج میل شمال و غرب (سن تو) و پنج میل در شمال (مکدن) واقع است

§ (کونت بن کندروف) سفیر دولت روس در لندن شصت و پنج هزار (ایرا) خساره که برای طامی گیران (هل) معین شده بود - پیش کرد -

§ مخبر (روتر) از (مکدن) خبر میدهد که بتاریخ هشتم ژاپونیان بجانب جنوب (من هو) پیش قدمی کردند چه روسها آنها را مرکز استقلال خود فرار داده ولی جنگ مبئی بر ممرکه است که در شمال (مکدن) متصل راه آهن در پیش است

(۳ محرم - ۱۰ مارچ)

§ امروز ساعت ده روز ژاپونیان بعد از تاراج (تی نا) که از مقامات بسیار مشهور است به جانب مسیر اردوی روس در مدرق (خوشان) رو آورده [مکدن] را متصرف شدند اینک باشجاعت تمام و جسارت مالا کلام و سخت جانی در تعاقب روسیان اشتغال دارند

§ انهای دوات روس برای دفع بغاوت زارعین در مضافات [اورل] و [شرفی گاف] لشکر زیاد فرستاده چند هزار نفر بلوایان مشغول غارت و تاراج و احتراق اموال مردمند

§ مخبر (روتر) خبر میدهد که (فوشان) را شب گذشته ژاپونیان متصرف شدند - جنگ در تپه‌های تواج شمالی (فوشان) جاری است تپه‌های بزرگ روس تماماً غنیمت ژاپونیان شد

جبل‌المتین کلمه

مدیرکل کالج استریت مغرب

کلیه امور اداره با

مدیرکل مزیدالاسلام است

منتظم اداره

آقا محمدجواد شیرازی است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

بتاریخ دوشنبه

(۲۰ محرم الحرام ۱۳۲۳)

مصادف با

۲۷ مارچ ۱۹۰۵ میلادی

لا مرکس و هر جا بلا استثناء ابواب اخبار

(مقدم گرت می شود)

روزنامه مقدس



جبل‌المتین

سنه ۱۳۱۱

قبل از دریافت نمودن قبض اداره

۲۷ مارچ ۱۹۰۵ میلادی (خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید) ۱۰ منات — ۶ منات

در این حربه از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود

مراسلات تام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست

فهرست مندرجات

- مکتوب از بحرین • جبل‌المتین • حادنه غیرمترقیه
- خراسان • مکتوب از بوشهر • جبل‌المتین • تاریخ
- حرب ژاپون • مکتوب • مکتوب خیر خواهانه •
- مکتوب • مکتوب یکی از اجله موقین • جغرافیای
- ایران • مکتوب یکی از فضلالی جبل • سفر هربرت
- سپهر • مکتوب از طهران • مکتوب از قفقاز •
- ترجمه از روزنامه قلیسکی لیسوق • ایضاً روزنامه
- مذکور مینویسند • مکتوب پیرضاه • مکتوب از
- اسلامبول • جبل‌المتین • مرآت زشت و زیبا •
- تلگرافات •

مکتوب از بحرین

(و ما اصابتکم من مصیبه فن انکم و یفلوا عن کثیر)
 مؤیدالاسلام - چندی قبل دو مریضه برای اطلاع رجال
 دولت از حال ملالت احتمال ما مشتی و طالبی ملک زده ایران
 در (بحرین) عرض نموده در شماره پانزدهم و هازدهم سنه
 جاریه درج فرمودید

بر واضح است - جوانی که از زندگان مشیرالدوله و برامور
 خانچه تلگرافاً رسید ما را تاچه اندازه مشغوف و مسرور و
 امیدوار ساخت - اگرچه تلگراف مذکور حاکی بود که
 دولت علیه الحقوق حاکمیت خود درین جزایر وسیع زرخیز
 و ملک موروثی چشم پوشیده و رقیب هوشیار مستعد که
 سلمای دراز درسد چنان فرسین بود اقتدار و اختیار تصرفات
 کیف مایهء بختی که دفع لطمات و تسلی از ما را پایا
 به نماید - ولی از جانب و خیریه این امر خوبیه جگر از چمد

غیرندان وطن ساری و جاری گردید - قط چون دفع زحمت
 و اذیت آبی را از ما بشاوت میداد تا انداوه خشنود بودیم -
 حق این است در حالیکه اشک حسرت مبرمجتیم خنده بامید
 داشت هم میکردیم - ولی از مدیر با سیاست نامه مقدس شایسته
 نبود چنین تلگرافها اشتهاد دهد - بنده نگارنده محض اشتراک
 جنابالی درین هم و الم و خوتلب و بختن در حسرت وطن
 آن صورت تلگراف را فرستادم - اگر میدانستم چشم پوشی
 از نکات خامنه آن نموده درج خواهید فرمود و ننگ تاریخی
 را ما خواهید گذارد هرگز عرض نیکردم

بلی - هرگاه ما از حقوق موروثه خویش واقف و از
 منافع سیاسی و فوائد تجاری جزایر اولی مطلع - و از مضار
 بلیک تصرفات اجانب در آن مملکت آگاه - و از خساراتیکه
 در تصرف بیگانگان بگمرک و نفوذ و اقتدار ما در خلیج
 فارس وارد می آورد متنبه بودیم - هرآینه بدین وضع غیر
 مرغوب و مسک غیر پسندیده با کمال سرعت و تمام عجلت بدون
 مشوره کامل و دقت تا این درجه رقیب را اختیار نمیدادیم -
 اینها ناشی از عدم اطلاع بوضع زمان و مقتضیات وقت
 است - مسلماً هرگاه رقیب هوشیار که ما را تا این پایه
 غافل بیند اینگونه در پیش رمت مقاصد خود حمت نگارند
 در شرح سیاست گناه عظیم نموده است -

(از هر کسی سلوک بنویسد محرم)

(از شیرجه خوش بود و از خزان دم)

ما راست که در کمال چابکی و هوشیاری کلاه خود را دو دست

گرفته نگذاریم زندان هوشیار رندانه برآید

(شرح این هجران و این خون جگر)

(این زمان بگذرد تا وقت دیگر)

خوب است فعلاً ازین ماجرا چشم پوشیده بر واقعه پس
 از آن واقع شده به پردازیم - در عرضة دوم عرض نمود که
 مأمور سیاسی انگلیس با جہاز جنگی وارد بحرین شد - در

ماده اجناسیکه بر ما و طایب ایران رسیده بود با شیخ همراه
 محبت کرد ولی محاورات چه بود معلوم نگردید. وجه شرایط
 با شیخ کرد ظاهر نشد. زمزمه چنان افتاد که برخی از
 شورشیان را حکم شده شیخ تنبیه نماید و امنیت را در
 ملک برقرار و رعایای خارجه را عموماً حفظ کند. شیخ چه
 اقدام کرد و چگونه عمل نمود بر ما پوشیده است. همین
 قدر میدانم اندک اندک آنها از آسیا افتاد و مردم تا درجه
 از آن خیالات بیرون رفتند. سکه ناکاه شهرت یافت
 مأمور سیاسی انگلیس با جهاز جنگی برای تصرف بحرین در
 رسیده. اهالی متوحش و پریشان شیخ حیران و سرگردان
 بنتاً جهاز جنگی انگلیس در جلو محاربت شیخ لنگر انداخت.
 معلوم است در آن وقت حالت اهالی بجه متوال است. هر
 کس که توانست اهم از رعایای خارجه و داخله - کاسب و
 تاجر فقیر و غنی اموال خویش را گذارده دست زن و بچه
 خود را گرفته فرار نمود فقط بعضی از سردمان بی دست
 و پا و مشق از زنان بیوایه ماندند. آنچه شهرت دارد مأمور
 سیاسی انگلیس اظهار داشته که شیخ بشرايط مهود ما عمل
 نه نموده. لذا ۲۳ فروری آخرین خطی به شیخ نوشته و
 شرایط بسیار پیش کرده. شرایط چه بود معلوم نیست. ولی
 آنچه بظهور پیوسته امر نموده که شیخ و برادر زاده خود
 و جمعی از مشایخ دیگر در عرصة بیست و چهار ساعت در
 جهاز جنگی نزد مأمور سیاسی انگلیس حاضر شوند. شیخ
 طی و سائر مشایخ و بزرگان که این خبر را شنیدند بلا
 درنگ و بدون تاخیر حاضر شدند.

چون وقت معین گشت بدوا تدارک دیده جهاز جنگی را با
 حاجتی بسیار در مقابل خانه شیخ مستعد شلیک گذارده. مأمور
 سیاسی بخاک آمده و پسر بزرگ شیخ را همراه گرفته در
 خانه نجسی و تدارکات لازمه را نموده. چون شیخ
 را نیافت باز بکشتی آمده جمعی از قشون بحری را پیاده
 کرده خانه شیخ را محاصره کردند. پسر بزرگ شیخ
 را در عوض شیخ بجهان برده از آن بعد در خانه شیخ
 ریخته پای بی ناموسی پیش و دست بی انصافی بنارت دراز
 محشری عظیم برپا شد.

مسلم است سر بر روی که حکم ظارت و غیره داشته و خوف
 جنگ مردم باز حواست او را نباشد. چه مسلک اختیار خواهد
 نمود. اموال مردم بی گناه نیز خیلی بنارت رفت. بی ناموسی
 هم زیاد شد. اشراط هم که در عقب بازار آشفته میکشند دست
 بی اعتدالی گشوده پای بی غیبی دراز کردند. ولی همه بلم
 سر از آن انگلیسی تمام شد اطاق واقعات خیلی وحشت انگیز پرور نمود
 خلاصه قراولی در خانه شیخ نهاده آنچه از مواشی و اسب
 و کشتی و اثاث البیت و غیره اسم شیخ بود بدون تحقیق ضبط
 شد. بدین اسم نیز مال مردم زیاد از میان رفت. چندین کشتی
 و بنگله را آتش زدند. هواداران شیخ دست از پا خطا نکردند و
 از خوف مأمور سیاسی انگلیس بدایه اشاره کرد. سماً
 و ظاهر گفتند. هنوز مردم وحشت دارند و با ما کن خود بلز
 نیامده و نتیجه و طاقت امر معلوم نیست بکجا منجر شود

حبل المتین

(خط - ای گرازی بگونه زندگش بر آب)
 (ای بسا دل که بخونابه دقتش باشد)
 بار ما گشته بار هم میگویم سکه امروز روزی صفتی هر

مملکت بساط شطرنجی است که همایگان "دو چپار جابیش"
 شاطر و از مشغول به بازی و حرکت با منتهای هوشیاری
 مراقب حرکات حریف خود و پیش انداختن اسب میداند.
 کلیه دین قرآن و خاصه ازین و بعد پیروفت مقاصد
 سیاسی و تجارتنی و ملک گیری در دست نمود و که به تدبیر
 و سیاست و غلبه شطرنجی با حریف و یک بقوت بازو
 بوده و خواهد بود. ظاهر تر ازین دلیلی برای ما نشاید که
 بعد از جنگ با روس دوسر گرستان و منازعه با انگلیس در
 ماده هرات - حرطان ما آنچه پیش آمده و بساط را بر ما تنگ
 کرده بقوت عقل و تدبیر بوده بدون آنکه تجویز صگری
 دهند و یا دهان توی گشایند

صفحات نامه مقدسه گواه صادق ماست که قبل از ورود
 (لارد کرزن) بهند همینکه فرمانفرمای ایشان سمت رسمیت
 یافت مقاله ها نوشته فریادها زدیم. بکنایه گفتیم با اشاره نوشتیم به
 نرمی و سختی بیان کردیم. که این سرد بزرگ که در بساط سیاست
 حریف ما شده اول شاطر انگلند و مقدم بر جمیع رجال با
 سیاست انگلستان است. و بواسطه سیاحت و سیاست و اطلاعاتیکه
 از وضع مملکت ما بلکه جمیع آسیا دارد خیلی باید هوشیار بود که
 یک مرتبه بازی را نه برد. و ما را مات نسازد. افسوس که
 سخنان ما و زحمات سائر وطن خواهان همه بهدر رفت

(هر که بیند بجهان ناله گرم گوید)
 (آهن سرد چه کوی دلت از فولاد است)

این بود که حریف نیکو دندان ما را شرد. ولی چون
 حریف دیگر سکه در بساط مملکت ما با وی هم بازی بود
 شاطر تر از آن معلوم می شد. در حرکات خویش ما را بازی
 داده بر ما و بر رفیق بی کم کرده و موردوار حرکت
 میکرد تا در مقصودش ظاهر نگردد. ولی مقدمات پیروفت
 مقصود را فراهم می آورد. اگر بدیده بصیرت نظر
 افکنیم از سادانات و واقعات و پیروفت مقاصد حریف ظاهر
 خواهد شد که درین چند ساله اخیره باندازه سی سال پیش
 آمده و پیروفت کرده. از زمانیکه بعضی ادارات دولتی ایران
 مسلک صحیح گرفته و آذربیداری در ملت پیدا شده یک مرتبه
 شدت حرکات حریف زیادت و قوت رفتارش بیشتر گردیده است

سیاحت (لارد کرزن) سال گذشته حالا چگونه میدهد.
 و فریادهای نامه مقدسه و پیشینگوئیهای وی اندک اندک اثر
 می بخشد. هرگز نمیتوان بر حریف ابراد گرفت. چه گفته اند
 (الملك عظیم) بواسطه ریاست و سلطنت و مملکت است که بدرجهم الی
 پسر می پوشد. و برادر برادر میکشد. در معاملات سیاسی که
 فرایه بدرود خرد نه آنچه و دوستی بکار آید. هنوز هر کس
 عهد باجبات اتحادیه دول خشک نشده که در بساط شطرنجی
 سیاست حریفی غلبه کرده آن دیگر را زبریای قیل می نماید.
 عجب عبرت گاهی است صفحات تاریخ که بدبختانه ما ایرانیان را
 باندازه قصه حسین کرد و رموز جزه عرب فاشه نمی بخشد.
 مقصود این است که ابراد بر حریف و پیچیدن در الفاظ کاغذ
 کپه های ماهدات جز عجز خود و تشجیع رفیق سوهی
 نه بخشد. شرح سیاست را حقی ثالث نیست یا باید در حرکت
 شکوایان در آمد و بالا بحاله فشار شد

اینکه که شاطر در طرح بازی سیاست حریف را مشغول نمود
 و ملاقاتی از تحریرش دیده سخن القذور اگر مقاصد خویش را از
 پیش نبرد در طرح سیاست گناه گار است. پس ما داشته به چنان

اعتراض دیگران خود آردی کرده حلقه حقوق خویش تمام - قانون بین الدوله لفاظی چنداست که مغربیان برای غریب پس در خواب غفلت انداختن مغربیان و اطمینانیکه مانع از هرگونه خود آردی باشد بهم یافته اند - اگر قانون بین الدوله حاکم مطلق در سلاطین بودی این جنگها و خون ریزیها در این عهد تمدن بوقوع نمی رسد - و با اینکه آن یان آفتاب علم بالا میگیرد - و معاهدات اتحادیه دول پیش میگردد میدانهای خون آشام در میانه دول دست پیدا نمی کرد - حرف حسابی دوکله است - یا شکاری شو - یا مصمم شکار شدن باش

نکته که بشکل در غز ما فرو میرود این است - که چنان تصور میکنیم که اگر فلان سفیر فلان خواهش را از ما کرد و ما بجای نیاریم رنجیده می شود و بمجرد رنجیدگی او نوبها بجانب ما گشاد خواهد داد - و حال آنکه این خطای محض است و غلط بین - جنگ امر کوچک نیست - تا این فوّه و هیبه از ما دور نشود و این رعب از قلوب ما زائل نگردد بر هیچ چیز خود مالک نخواهیم بود - بر فرض تسلیم که اگر ما خواهش من غیر حق فلان سفیر را قبول نه نمائیم به میدان جنگ خواهد تاخت - مگر طبع آنها و خواهشات آنان را حدی معین است - هر قدر در تمیل خواهشات آنان بیشتر می نمائیم دیک طمشان زیاده بجهوش خواهد آمد - اگر ما چشم پستی از حقوق شاهنشاهی خویش بر اسرای (سند) نکرده بودیم - وسخت تقاضای حق خود را می نمودیم - دولت بلوچستان از دست ما نمیرفت - هرگاه در حقوق حاکمیت خود بر مسقط و عمان سخت گیری می کردیم امروز به تضحیح حقوق حاکمیتان بر بحرین در می آمدند و - و - و - و - ازین و بعد نیز هر قدر در تمیل فرمایشات حریشان زیادتر ترضیه خاطر آنها را بخواهیم - بیشتر بر ما مسلط شده دیک طمشان زیاده بجهوش خواهد آمد - مختصر کلام تا یک و جب زمین و یکشای ثروت را مالک باشیم دیک طبع حریشان از جهوش نیوتفاده خواهشات بیجای آنان کم نخواهد گردید - و هر قدر زودتر از جلوه حلاتشان در رویم و پیشتر خواهشات آنها را بسمل آردیم خیالات آنان در انهدام ما مصمم تر خواهد گردید -

از ابتدای عالم چنین رسم بوده است که هرگاه قومی نزد قوم دیگر و یا شخصی پیش شخص دیگر خضوع و خشوع اختیار کرد آن قوم یا شخص زیاده در سدد ادبیت و آزار او برآمده دوستی و رفاقت و بی مقدار شمرده بلکه قابل دوستیش نمی شمارند - و هرگاه شرف نفس و عزت قومی خود را شناخت و زربار زیادتیهای اجانب زلفت خصم هر قدر قوی پنجه باشد از او چشم زده در سدد ادبیت و آزار و اجفافش کمتر بر می آید

برطالیان روشن است که با این همه بیانیکی که از یک قران باینطرف بایران نازل شده هنوز پنج مثل امارت افغان متفق شوند برابری با دولت ایران میتوانند کرد - ولی افغانستان چون خضوع و خشوع اختیار نکرده و بلکه شقی معروف گفته دو همسایه قوی پنجه وی با آن همه اقتدار و قوت از اجفاف او پرهیز می نمایند - علاوه از صمیم قلب هر دو اتحادش را خواهند - برعکس ما ایرانیان که از هر طرف همف تیر اجفاف و زبیدی آنان واقع شده نظهارات دوستانه ما را نیز حمل بر خوف و رعب نموده - بلکه شریک شریکشان خوانندیم بگفته بر ما شریک شده عزت و جلالان نیز از خطریشان معصوم گردیده است

(من چه گویم در همه ده زنده گو)

(سوی آب زندگی بوینده حکو)

بالله - بار ما گفته باز هم میگویم - امروزه سرحدات شمال و جنوب ما کمال اهمیت را دارد و بدان نظریکه پنجه سال قبل بینگریستم نمیتوان نگریست - حریشان ما هوشیار و با استعدادند و سردمان ما سیاست و کیاست را برای مقابله در معاملات سیاسی در سرحد ما میفرستند - مع ذلک دوهر امر بشوره رجال با سیاست دستور العمل بدانها میفرستند - امروز دولت ایران راست که کارگذاری خلیج فارس را باندازه اهمیت دهد که از سفارت لندن بزرگ تر شود - و جنرل قونسلگری هندوستانرا باندازه بزرگ شمارد که نقلی یک سفارت باشد -

باید مدبر ترین رجال را با مواجب منگفت بکارگذاری خلیج مقرر داشت - باندازه باید این صدها و اهمیت بخشید که بزرگترین رجال ما در قبول آن عذر نیارند - امروز یک اندک خطائی که از کارگذار خلیج فارس بشود ضررش بدوات از ملیونها لیرا بیشتر است - حرف دو مقابل ما برای پیشرفت مقاصد خویش رجال با دانش درین سرحد فرستاده و از هیچگونه مصارف ضروری هم ابا و امتناع ندارد - چرا نباید در امور منظمه راجعه بهند و ایران دولت ما از نماینده هندوستان مشوره نماید ؟ چرا نباید در مسافرت (لارد کردن) بخلیج نماینده ایران همراه باشد ؟ چرا نباید دولت به نمایندگی خود در هندوستان آقندر اختیار و اقتدار دهد که بتواند فقط حقوق ملک و دولت خود را به نماید ؟ مصافیکی دولت در جاهای دیگر بی فائده می نماید لازم است درین راهها بشود - ازین ربه کارهای ما در هند و سرحدات جنوبی زیاد می شود - هرگاه بهمان خیالات اولیه باشیم تقصانات عظیم خواهیم برد - چنانچه از بیست سال باین طرف برده ام الحاصل صاحب مکتوب از روی غیرت ملی و وطن خواهی او ما شکایت نموده بلکه اعتراض و ایراد کرده است - سکه تلگراف جناب مشیرالدوله وزیر امور خارجه را چرا درج نمودیم اولاً آنکه نگارنده محترم مکتوب خوب است بدانند سکه اخبارات خارجه قبل از ما با هزاران راست و دروغ این سخنان را افشا کرده در تقاره خواهرهای جیب دنیا که جراند باشد زده بودند

علاوه سکه جنرالین همواره این بوده و خواهد بود که اخبارات موقه را آنچه باید بنگارد - و هرگاه بحال ملک و دولت ضرر داشته رأی خود را هم پیش کند - چنانچه درباره [بحرین] هم آنچه به نظرمان رسید نگاشتم - و هرگاه یاد دهانیهای ما را در این دوازده ساله دو ماده بحرین از مجلدات نامه مقدس جمع نمایند کتابی مبسوط خواهد شد

(کوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من)

(آنکه البته بجائی نرسد فریاد است)

آنگه را نگارنده مکتوب نگاشته این حادثه حق حاکمیت ما را از بحرین بر سر وضع داشته - نپیدام با کجا قرین بصواب است - چرا که از محاورات جناب مشیرالدوله وزیر امور خارجه با سفارت انگلیس اطلاع نداویم - از تصراف همین قدر ظاهر میشود که از سفارت انگلیس رفع این ظالمه را خواسته اند - البته میتوان گفت نماینده انگلیس تصرفات مالکانه کرده و این رسم اروپائیان است که در هر امر مامور شوند بدو قصد تمسک می نمایند - اندر این محبتت خود را کرده پس در این موضوع بحث خواهد نمود - هر چند با آن بیانه یک بگفته تا بیاریم و آن

حریف دیگر با تمام قوت میفروشد ما را در جنگال خویش جلی دهد - در کمال هوشیاری هاست است که اقدامات مجدانه نموده خویش را با جنگال وی بپردازم - مسئله رود (هیرمند) و سرحد بندی (بلوچستان) و ازدیاد نفوذ در خلیج فارس پیش است - حریف سعی مییابد هر قسم ممکن شود حواس ما را پرت کرده غنک مراد بجهانند - خیلی هوشیاری میفروشد - بسیار زرنگی در کار است - که دقای باطل السحر ما بر حریف اثر کند - از طرف شمال پست سال فراغت حاصل کردیم این فرصت خداداد را ضایع نباید گذارد - ژاپون خوشش برای ایران دشوار نیست - محنت میبخواهد قدرت میفروشد - اتحاد ملت و دولت میفروشد - تکمیل تواضع حریفه در کار است - امروز اساس جمیع ترقیات دول براداره جنی مربوط است - و تا این اداره تکمیل نشود دولت مستحکم نتواند شد

یکی از ارباب سیاست می نگارد که ازین و بعد ما ایرانیارا جز این مسلکی نشاید

- (۱) عقد معاهده تجارنی و سیاسی و در صورت امکان سوق صکری با ژاپون
- (۲) فرستادن جرائان هوشمند ایرانی را برای همه قسم تعلیم در دارالفنونهای ژاپون
- (۳) استقراض مستخدمین ژاپونی برای تسلیح و تکمیل ادارات خاصه اداره جنلی
- (۴) تا مدت معینی که خود را مستغنی سازیم اتحاد با روس برای جلوگیری از زیادتی های حریف او - چه روس ازین و بعد اتحاد ما را غلبت خواهد شرد این اتحاد همان قدر باید باشد که رقیب ویرا جلو گیریم نه اینکه زاید اعلی ما سبق او را اختیار و اقتدار بچشم دولت روس اگر ما هوشیار باشیم تا پست سال دیگر قدرت آنکه قصد سوء درباره ما نماید ندارد - درین فرصت باید ازدوستی او فائده برگیریم و نگذاریم نه او و نه رقیبش قدمی پیش آید - مسلم است که حریف دیگر ما سعی است که آن نقشه که روس در حق ما کشیده برای خود اندک اندک اجرا دارد
- (۵) ازین و بعد پاحدی از اجاب هیچگونه امتیاز نباید داد و سعی در ترضیع امتیازاتیکه سابقین داده اند باید شد و هرگاه ممکن نشود تا آخرین نقطه اقتدار خود قانوناً دائره امتیازات اجاب را تنگ باید کرد و نگذارد که بوسیله یت امتیاز محدود هم گونه اختیارات غیر محدود در ملت و ملک ما حاصل نمایند

مکتوب از بوشهر
پست و کموک

ابناء وطن ما نهایت افتخار را دارند با آراء طالبه و افکار سائیه آن جریده مقدسه وطنی که با کمال تدقیق و مرعت ملثفت عنایت و مقاصد جراید مخالفین وطن میشوند - چنانچه در نمره سیزدهم سال دوازده بعد از نگارش ترجمه اخبار محبر (عس) بمبئی که به هیچگونه شایسته تصدیق نیست عقیده صحیح خود را بیان فرمودید جای تأسف است که وقایع نگاران جراتد اینقدر از جابه صواب انحراف جویند و دامان مدیران اخبار را که خبران صادق باید باشند با اخبار با صواب آرایش دهند - رئیس اداره گمرکات خلیج مأمور محترمی است از طرف دولت علیه ایران - ذره در امور راجعه به خود بدون اجازه و اطلاع وزارت جلیه گمرکات و دولت منبوعه خودمان که دولت ایران است اقدام نمیناید - چگونه و اینان تصدیق

این است - یکی از صاحب بلیک امروزه است که نمایندگان خارجه بوسائل مختلفه برای پیشرفت مقاصد خود قبل از وقت تدارک کرده اغتشاش در شهر یا ملکی انداخته آب و گل آلود و در آن میان مای میگیرند - اغتشاشات بحرین را نیز همین قبیل میتوان شمرد - و ازین و بعد همه روزه اینگونه اغتشاشات را جلوما خواهند گذارد - بمجرد استماع آن نباید دست و پا را کم کرده از نمایندگان خود غیر مطمئن و از قوت و قدرت خویش مایوس گشته تصفیه و بصله اش را رجوع با جانب مجامع اغتشاشی را که اجاب برای ما وضع نمایند نظارت خیلی موجود و نتایجش خیلی ظاهر است - هرگاه دولت نمایندگان با سیاست در مقابل حریفان با درایت داشته باشد خار راه مقاصدشان شده دولت علیه را هم از تشریش بیرون آورده نمی گذارند اخبار نمری از اقدامات خود برند (گرم بد و گر نگریم بدر)

حادثه غیر متوقعه خراسان

اگرچه بارها تصریح نموده ایم که من جمله شبک بلیک انتشار اخبارات کاذبه است - چنانچه در هجوم بمبئی دیدیم و شنیدیم - و با نیز اهمیت دادن حادثات و اغراق گویی در واقعات مختصره پیک هیولای سهولی از بلیک بشمار است - اداره شرکت تاگرافات [روتر] و امثال آن برای پیشرفت اینگونه مقاصد بهترین آله اند - چون مشرکین روزنامه مقدسه نظائر اینگونه واقعات را در اخبار بسیار خوانده اند تشریح و بیان تفصیلش چندان ضرورت نیست - بتازگی محبر (روتر) از هشق آباد بدین عنوان خبر داده صحت و سقمش را خود ذمه دار است - و پس از آنیکه وقایع نگاران اداره حقیقت امر را نگاشتند واقعه معلوم و ما نیز تصریح خواهیم نمود (جرائان خراسانی مسلح بر انبارهای تجارنی روسیان پرش برده غارت کرده اند - روسیان در قونسل خانه پناه آورده خوف آن است که شورشیان بر قونسلخانه روس نیز پرش آرند)

دورین تاگراف هیچگونه حاث و سببی ذکر نشده که مطلب بدست آید و نتیجه معلوم گردد - مسلم است که حادثه مختصری پیش آمده و تشاجر و اختلاف مادیه بوقوع رسیده باشد - از سوق کلام هم صاف ظاهر می شود که این واقعه اهمیت ندارد و از حادثات مختصره محلیه است

این نکته را باید دانست که هرچیز اول کوچک است - اندک اندک بزرگ می شود - البته رجال دولت علیه نخواهند نذارد که حریف بلیک دان ما ازین راه ها بمقصود قائل گردد - چه این اغتشاشات هر قدر اهمیت پیدا کند رقیب مقاصد خود را زیاده پیش خواهند برد

ما را در دو رقیب بزرگ است - اولین حریف که ماره حرکاتش هوا خواهان ایران را مشوش داشتی قسمی دچار بیلیات ناگهانی شده که میتوان گفت آن خوف و خشیت تا پست سال ایرانیارا مرتفع گردید - مسلم است که حریف دیگر ما رقیب خود را چون مشغول یافته همه قسم اقدام در پیش رفت مقاصد خویش خواهد نمود - و این موقع اهم است که او را بهترین مواضع بشمار است از دست نداده و نخواهد داد - دانایان نیکو میدانند که سیاست عمده مغربیان در مفرق تفتن است و درین اسرید طولی دارند سالها مصارف هنگفت را متحمل می شوند و برای انقلاب مای از اهل آن مدست پیدا نموده بعد از آنکه سر رشته امور را از کف رجال آن مملکت بیرون کردند پای میان نهاده وضع انقلاب کرده منت عظیم بر آن سلطنت گذارده خویش را دوست حقیقی جلوه داده بدین وسیله مقاصد خویش را بر می آورند - و یا در همان انقلاب کلم خویش را از آب میکشند - ماواست که بی بدین نکات برده حرکات حریفان خود را ملتفت شده خویش را با نباریم و نخلداریم دورین میان رقیب بمقصود قائل گردد دست نمی ما را از جنگال پیک حریف بجهان بدهد -

توانند فرموده مسئله بدین مبنی که مایه راجع به
 محاوره دولت بینه انگلیس میشود بدون تعلیمات وزارت
 گمرکات و دولت علیه ایران اقدام کند - مناسب نیست
 غیر (طمس) نسبت معذرت بمحوله بوزارت مزبوره
 دولت ما بدهد و بریاست گمرکات خلیج فارس تهمت
 زند آتی را روزنامه مقدس در ذیل ترجمه اخبار (تس)
 بیان فرموده با نهایت درستی تصدیق میشود آنچه از
 حقیقت امر مسبق به آن جریده مقدسه تقدیم میباشد
 همینکه وزارت گمرک را ریاست گمرکات پوشهر
 و غیره مسبق نمودند که در ضبط اموات در اداره
 گمرکات احتمال داده میشود بعضی از آنان تا زمان فراوان
 در انبار ماند و در آنها بعضی اشیاء باشد که زود تلف
 شود و مسئول اداره کرک باشد و اسباب ضرر برای
 افراد ناس فراهم آید - مناسب است در محله پستخانه
 پند - آن بود که وزارت گمرکات با سفارت جلیله
 انگلیس قرار ضبط امواتا موقتا در پستخانه دادند

مطلب دیگر که اسباب حیرت و شگفتی است
 اشتهار اسم گمرکات دولت علیه ایران است در السه
 و افواه عوام بلکه بعضی از خواص بگمرک بلژیک و
 بعضیا بگمرک روس - و علت آن انتقار بعضی روزنامهجات
 است که از خارجه وارد ایران میشود همه دول دنیا
 قرض میبایند و منافع يك شعبة مملکت خود را گروگان
 میدهند - آن هفت مرهونه سلب اسم و حقوق از آن
 دولت نخواهد کرد - و نیز همه دول برای اداره خود از
 رطایه خارجه آدم بخدمت میگیرند باز آن اداره باسم دولت
 متبوعه خودشان جاری است - گریم دولت قرض نموده
 و گمرکات خود را گروگان داده نباید گمرک را از
 خارجه گفت دولت چین انگلیسها را در گمرکات
 خود بخدمت دارند آیا گمرک انگلیس باید بگویند
 بلژیکها نوکر دولت ما هستند - مواجب از دولت ما
 میگیرند - هر آن دولت ما آنانرا بخدمت نخواهد فرود
 قصد خود را جاری میباشد - دولت ما به بلژیکها اوامر
 و تعلیمات میدهد چرا گمرکات خود را گمرکات بلژیکی
 باید گفت فلان همسایه خواسته است بدین انتقارات خیالات
 ملت را مشوب ساخته مقاصد خود را پیش برد - آیا ما هم
 باید گامی بآنها کنیم دولت روس چه حق در گمرکات

ما جز از تادیبه اقساط خود دارد آن هم هر ساله اولیا
 دولت می پردازند و شاهزاده صدراعظم شبانه روز کوشش
 دارد مایه دولت طرا اصلاح کند که اقساط آتی قبل
 از موقع داده شود و عقرب بتوفیق الهی خواهد شد
 چرا ما پیروی از جراثمه سایه خود بنامیم و گمرک
 خود را گمرک دیگران بگوئیم - بعضیا را مظلون است
 بلژیکها را دولت ما مواجب زیاد از اندازه میدهد و
 تعرفه تازه را قایده نیست و ایندو مسئله اشتباه است
 مواجب (مسبو نوز) پیش از مواجب يك نفر از
 وزراء ما نیست - مواجب رؤساء کل پیش از مواجب
 يك نفر امیر تومان که نه فوج دارد نه خدمت کرده نیست -
 مواجب رؤساء جزو پیش از مواجب سرعنگان بی تاجین
 نیست - خدمات این همه وزرای سابقه ما در کدام قطعه تیبچه
 جز قلت واردات و کثرت صادرات داده - استاتستیک
 سال بلرس نیل مینمایند که بالنسبه به سال اودیل شصت
 ملیون ونصد و بیست و هشت هزار و دویست و چهل
 و نه قران و قود ما در مملکت مانده و کتر به خارجه رفته
 است - آیا اینها نه نتیجه اداره و این تعرفه است همه دنیا تصدیق
 مینمایند برای خدمات گمرک بهتر از بلژیکها کسی نیست
 در ایران دانایان هم همین گونه احساس کرده و به
 همین ملاحظه بود که مرحوم حاج امین الدوله که وراثت
 شاد باد آنها را انتخاب فرمود و خوب فرمود -
 دوست حقیقی و خادم وطن (م - ع - خ - س)

حبل المتین

ما بتکارنده مکتوب متفقیم چیزی که هست این تعرفه
 گمرک بعضی ترمیمات لازم دارد که الشافیه جناب سعد الدوله
 وزیر تجارت که از اولین رجال با سیاست دانا بشاواست
 به تدبیر رفع آنها خواهد نمود - بلکه سدی جلو
 صادرات مملکت نماید - و نیز یقین داریم که
 وزارت گمرکات در خدمات گمرکی اجانب شریر را بر
 مسلمانان سلیم خودی ترجیح نخواهد داد - چه در
 خدمات گمرکی ایران چندان زبان دانی خارجه در کار
 نیست و بر فرض ضرورت از مسلمانان ایرانی دست یاب
 میتواند شد - هرگاه این دو نکته ملحوظ شود اداره
 گمرکات نافع ترین ادارات است برای ملت و دولت
 ایران - چون در هر يك ازین دو موضوع بارها بحث
 شده این جا با اشاره قنانه نمودیم

تاریخ حرب ژاپون

(از شماره ۷۴)

ذخیره

عدد توب	باطری	
۱۱۴	۱۹	در اسیار ذخیره
۱۱۴	۱۹	ذخیره عساکر دائمی احتیاطی
۲۵۶	۷۶	باطری ردیف
<hr/>	<hr/>	
۶۸۴	۱۱۴	
۶۸۴	۱۱۴	باطری عساکر دائمی که در فوق نگاشته آمده
<hr/>	<hr/>	
۱۳۶۸	۲۲۸	

مترالیوز - امتحانها درباره مترالیوزها اجرا مینماید

مرتبات آنها از سه ضابط و پنج و پنج نفر تاین خواهد بود

و علاوه بر آن در خصوص آنکه بحیث سواران هم يك زوج مترالیوز داده شود در مذاکره میباشد
توچیان همراهی با توپهای هفتاد و پنج مدینه سریع الاطلاق جور عمده آریزاکا که در سال (۱۸۹۹) ایجاد کرده
میشد اما چون اینجور توپ جهت تجهیز جمیع توچیان اردوهای ژاپون کافی نبود تنها توچیان عساکر نظامیه
با این توپها مسلح و توچیان اردوهای احتیاطی و ردیف با توپهای کروپ کولاس هشت سانتیم متره

افراد توچی با (قصاتوره - سر نزه) در ولور مسلح میباشدند

امترالیوزها که استعمال مینمایند دو جور است که یکی (هار ننگ) و دیگری (طاتم) میباشد

(توچی قلعه)

توچیان قلعه ژاپون عبارت از نوزده موج و دو (بلوک) مستقل میباشد

هوجها در مواقع مستحکم تشکیل نموده نظر بمقدار مواقبعه میباشد چنانچه در زمانها و بعضاً (بلوک)
ها را تأسیس مینمایند بعضی در شکل مفرره مستقل موقی میباشد موقع و مقدار توچیان قلعه ژاپونیا
وجه آتی است

اسامی	آلای	نویج	بلوک
یوفوزوکا	۱	۴	۱۲
پورا	۱	۱	۱۷
شیمو نوزوکی	۱	۳	۹
کوره	۱	۲	۶
قه جو	۰	۱	۲
سازه جو	۱	۲	۲
مترالیوز	۰	۱	۲

شماره ۲۰۶ - شماره ۱۳۷۲۱ - ۲۲ مارچ (۲۱۰۵) صفحه ۲۰۷

اسامی	آلای	فوج	بلوک
هاقوداه	.	۹	۴
جوسپا	.	۹	۴
که یوچ (موزمون)	.	.	۴
جمع			
موجودی يك بلوك تویی قلمه در حضر بطور دائمی و وجه آنی است			
	ضابطان	افراد	اسب
سلطان	۱	.	.
نایب اول و دوم	۴	.	.
ضابط کوچک	.	۱۰	.
مستخدمین	.	۱۰	.
افراد تویی	.	۱۰۰	.
اسب سواری	.	۵۰۰	۴
جمع			
تربیب سفزی يك بلوك عبارتست از چهار ضابط و صد و هفتاد (تایین) و ده اسب			
يك فرقه هم تویی محاصر دارند که از تشکیلات آنان هنگام حضر مقدار قلیلی موجود است			
ضابطان تویی عندالحاجه در قلاع و هنگام لزوم در محرا بدون تفاوت کار توان گرفت			
در انهای سفر نواقص بلوکها از قشون احتیاطی تکمیل میشود و علاوه بر آن هر فوج بنام بلوک			
چهارمین يك بلوک هم اضافه میشود			
غیر از آن از برای هر فوج چنانکه يك بلوک ذخیره تشکیل میشود يك فوج که باکی هم از تویی قلمه			
عسکر علیه به او ضم میباشد تأسیس میشود			

بلوک

—

۲۶

۱۹

۳۶

۱۳۳

۱۹ فوج نظامی تویی قلمه

بلوکهای ذخیره

۱۹ فوج نهایکه از توییان عساکر علیه تدارک میشود

جمع

مکتوب

پناه خلداه . که در میان توپخانه جنب ارك دیوانی
آتش بازی مفصلی کردید و روز عید هم که شمال
جیشال وارد میشد حضرت اشرف والا استقبال
رفته پس از آن سلام عام منعقد گشت و شمال را
بروی صندلی در صفاخ دیوانی قرار دادید شخصاً
حضرت اشرف ایستاده نطق بلیغ در تبریک عید و
ورود شمال میفرمودند آنوقت خطیب خطبه خوانده
تاج الشرا علی الرسم قصیده غزلی در تبریک عید

وقایع نگار جبل اللین مینویسد که شیراز از حسن
سیاست و کیاست حضرت اشرف والا شاهنشاهزاده
اعظم آقای شعاع السلطنه دامت شوکه چون دسته
کل آراسته و از عیب و نقص بیرونی و اسباب رفاه
و آسایش کافه رعایا و برایا از هر حیث منظم و فراهم
میباشد - شب میچندم ذی حجه را بمناسبت سعادت
عید سعید غدیر و ورود شمال جیشال شاهنشاه اسلام

قدیم خود برگردد

بمونا الله تعالی و حسن توفیق

مکتوب

چون اعلیحضرت سلطان (مراکو) بعضی از کارهای عمده دولتی را بکار دانهای فرنگستان تفویض فرمودند و ایشان را کمال استقلال و تقویت هم دادند ادارهای محوله بجانب تا یک درجه تحت نظام آمد ولی مملکتی که قانون ندارد و امور عمده و اهم دولتی بر حال اجنبی که بینونت مذهب هم با دولت و ملت دارند بدهند بدیسی است که نقصان آن کار بمراتب پیش تر از فایده میشود باین جهت زبان کثیر در این ازمنه قلیله باید حال حضرت سلطان گردید

لهذا بعد از خرابی بصره حکم محکم بزل همگی ملازمین فرنگی صادر فرمودند هرگاه از ابتدا دولت مراکز مسلمین عالم فاضل تربیت شده در خارجه را طلب فرموده در سلك وزرا و حکام منسلك کرده و فقط در اداره عسکریه و بحریه فرنگیان را مشیر و معاون وزارتها نموده و آنها را هم بعد از حصول نظام و انجام مرام مرخص فرموده بودند اکنون تمامی اداره و وزرای عظام در کمال انتظام و جدایی اولیای دولت حرم و شاد گام بودند و یک نفر ملازم بیگانه هم در خانه نمانده بود که لازم بزل او شود

مرحمتشان امیر عبدالرحمن خان که برمسند حکومت افغانستان ید بیضا و اعجاز مسیحا نمودند با خلاف خودشان چنین وصیت میفرمایند (اشاره از من در این قمره کافی است که پسرها و اخلاف مرا متنبه سازد که ابدا خود را با ملک دیگر در کارهای پرپیچ و خم نیندازند نه همین که باید از مردمان خارجه از دادن امتیازات اجتناب نمایند بلکه مخصوصاً اهل فرنگستان را نگذارند که در مملکت آنها دائماً زیست نمایند همین که مستخدم فرنگی یا معلم یا کارگر آنها کاربرا که بجهت آن او را آورده بودند با تمام رسانید و مجرد بومی کار خود را آموخت چنانچه بدون حضور او بانجام رسانند او را باید مرخص کنند که بوطن خود مراجعت نماید فقط)

مرد باید حاکم گیرد اندر گوش

گر توشه است پند بر دیوار

و قتال هاپوزی انشاء نموده هرکس را بفرما خور حال و مویقی خاص بمنزل فرمودند از آن جهت یک طاقه شال کهمیری بتاج الشعرا و یک طاقه بخطیب عنایت شد اسماله حضرت اشرف والا محض رفاه برآیا خیال دارند که دوکار بزرگ بسلامتی شاهنشاه فرمایند یکی آب ششیر را که شرحش در قلمر نامه مشروح است به شیواز آورند و یکی دیگر مدرسه برای تربیت طفلان دایر فرمایند خداوند این وجود مسعود را موفق دارد که همواره ازین گونه کارها فرماید

(تا جهان باشد مظفر شاه باشد شهریار)

(تا زمان باشد ملک منصور گردد کامگار)

مکتوب خیر خواهانه

مانا تشکیرل اداره و انتظام دایره کمرکات در ممالک ایران طایفه شوق و شمع دانشمندان و هرگونه امیدواری خیر خواهان ایران گردیده اکنون اولیای دولت روز افزون اگر در حرای قانون با کمال عجز و بوجه انکل بذل توجهات فرمایند چنانچه دولت خوش بخت ژاپون فرمود معلوم است که این قانون کمرکات طایفه منافع عموم ناس و یکی از اسباب ترقیات دولت جاوید اساس خواهد شد چنانچه در ممالک فرنگستان و ینگ دنیا شاه است ولی هرگاه فقط وزارت کمرکات در تحت انتظام و سایر ادارات دولتی خارج از دایره نظام و بصورت سابق بماند ایرانیان با این حزن تجارت و زراعت چگونه توانند از عهد ادای سالیانه پنج یا ده سکرور تومان برآیند لایداً متدرجاً ترک تجارت و زراعت کرده جلا وطن خواهند نمود چنانچه هر روزه از چهار طرف میروند تذکره مرحدات شاهد حال و دقار کبابی جهازات گواه مقال است حالا که از مرحمت خداوند متعال بواسطه فتوحات ژاپون برای ما باز فرصت طولانی بدست آمده بر ذمت همت رجال ستوده حاصل دربار دولت فرض و لازم است حاکم در اجرای احکام قران مجید و قانون مفید و اطاعت اوامر هاپوزی سلطنت عظمی و پیش رفت منظورات عادلانه داور بندگان پناه صدارت کبری از جان و دل سامی و جامد آیند تا خداوند بار و معین همه باشد و این ملت و دولت علیه بمقام بزرگی و عظمت و شوکت

مکتوب یکی از اجله موتمنین

(۵ فرجه ۱۳۲۲)

﴿ دقت نظر واحراك معقولات ﴾

ای از لورکاک نو عالم دل شاه

بیوسته دل نازک از غم آزاد

هواره می من از خدا بیطام

کاین جبل متین میان ما محکم باد

مدت سه سال بود که توفیق نشرف بعبه بوسی
حضرت خامس آل عبا علیه آلاف التحية والثناء رفیق
نقدم بود - و همه وقت با کمال أسف قرین بودم - تا
این اوقات که سعادت مساعدت نموده اسباب روانگی
فراهم و باحسن وجسی زیارت عتبات طالبات عرض
درجات مشرف گشته دماهای مخصوص برای بقای ذات
مقدس بندگان اعلی حضرت شاهنشا اسلام پناه خلدانه
ملک و ترقی مملکت و وطن عزیز و بهبودی حال هموطنان
مهم نموده ام

(گان فرمائید که امثال جنابعالی را که در خدمت
وطن تحمل هزار گونه رنج و سخن نموده و بینانید
فراغوش کرده باشم)

پس از آن زیارت علماء اعلام که پیشوایان دین مبین
حضرت ختم النبیین صلوات الله و سلامه علیه هستند
مفتخر و مشرف گردیده لنتها بردم - و میل دارم
بواسطه جریده مقدسه سایر مسلمین را هم از دور و
نزدیک محظوظ و خرسند گردانم

روز دوشنبه ورود نجف اشرف دادگاه شرفیاب
حضور مبارک حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین
آیه الله فی المسالین آقای حاج میرزا حسین طهرانی
من الله علی المسلمین بطول بقائه که در حقیقت یکبارچه
نوراند گردیده - و معنی (عبدی اطمنی حتی اجبک مثلی)
و آئینه سراپا نهای حضرت سلانی را در وجود مبارکشان
مشاهده کرده - بشرف خدمت حضرت مستطاب غیاث الملة
والدین حجة الاسلام والمسلمین آقای آخوند ملا محمد
کاظم خراسانی مطراة المسلمین بنیت عنایه که در واقع
قلب رجاء دایره علم جعفری هستند و نوع طلاب باید
کسب علم از ایشان بنمایند مشرف و مورد مرحمت و
توجه ایشان کشم - از آنجا بحضور درستان رفیق قرب
هفتصد نفر را حاضر دیدم که در مجلس متجمع بودند از

بزرگی و علو مرتبه ایشان همین بس که هبدم کسافی
را صفا بتوسن همت بیابان بیابان علم را طی کرده
و باعلی درجه آن ارتقاء یافته در حوزة درستان با کمال
تادب صحبت میکردند و بام توجه حضرت حجة الاسلام
آقای آخوند بایمان بود من جمله جناب مستطاب سید العلماء
العالین زبدت الفقهاء والمجاهدین آقای حاجی سید محمد امام
طهرانی که در واقع یکبارچه علم و ادب و زهد و
تقوی میباشد - اگرچه این سلسله جلیله (من اهل بیت
قد ذق العلم ذقا) میباشد و مصداق (و من تشابه ابه فاطم)

من در همه قولها نصیحت

الا بدایح وی الحسن

روز دیگر در محضر جناب مستطاب سید العلماء
العالین المروج شریفة جده سید المرسلین آقای آقا سید محمد
کاظم یزدی متع الله بطول بقائه شرف حضور بهرسانیدم
و حوزة درس ایشان را قریب بحوزة درس حضرت
آخوند دیدم و غالب اهل آن مجلس نیز درین
حوزة حاضر بودند - از آنجا شرفیاب خدمت جناب
حجة الاسلام والمسلمین غیاث الملة والهدین آقای آقا شیخ
محمد حسن تامغانی مدظله گردیدم بجهة کسالت مزاج
درس نمیفرمودند و نماز و درس را واگذار بجناب
مستطاب شریفة مدار ملاذالانام مروج الاحکام آقای آقا
شیخ عبدالله پسر دویمشان فرموده بودند حوزة درس
ایشان را که دیدم بآن مقدارها نبود ولی جم غفیری از
فضلا را در حوزة درس ایشان حاضر دیدم و در
مجالس و محافل که مذاکره میشد نوع طلاب و اهل
نجف از علم و زهد و تقوی ایشان بسیار تمجید می نمودند
و اغلب در ضمن صحبت می گفتند که (ما کتب فی صحبت
محبیه ابد)

این بنده بجهة نجف اشرف را باعلی درجه مرتب قوه
طاقه یاقم مردم کان می کنند که پیشوایان دین مبین غیر
از تحصیل علوم دینی واقف به بعض امور ریستند درین
سفر دانستم همه بخطا رفتند - نوع اهل بلد از علماء و
طلاب و غیره - تمدن - شاه دوست - وطن پرست - ترقی
جو - و دولتخواه اند - حتی آنکه در اغلب از مجالس که
صحبت میشد غیر از کیفیت وضع سلوک دولت ما و طایا
و ترقی مملکت و بهبودی حل ملت صحبت در میان نبود
این داعی که خود را جندان پیشوایان انروی

جرت قسم یاد میکنم که مستفترگان که گمان می کنند که مانع ترقی دولت و ملت رؤساء و پیشوایان روحانی ملت اند درست فهمیده پر بحقیقت نبرده با انرژی سست اعتقادی و فرض این نسبت ها را داده اند

من بنده بعد از تشریف نجف اشرف خدمت یگان یگان از رؤسای روحانی مشرف شده و نوباً هم اظهار مرحمت فرموده کلمه مرا بنور قدوم خود منور فرمودند و با نوع اهل علم هم محشور بوده تا ما را بحکمل و بکجهت ترقی خواه دولت باقم

یکی از لذائذ حاصله در این سفر آنکه دیدم اغلب از آقایان نجف اشرف روزنامه مقدس جبل التین را قرائت و مدیر محترمش را که جز خدمت بدولت و ملت قصدی ندارد و تاکنون ترشحات قلمش خفنگترا بخوبی از خواب غفلت بیدار کرده دوستار و دعا گویند

چه قدر لذت ردم روزیکه در خلوت شرفیاب خدمت یکی از مشاهیر علماء اعلام کثر الله اثالهم بودم که غیر از صحبت ایران و حسن سلوک دولت با رعایا و ترقی مملکت در میان نبود و ضمناً همان مطالبی را که سالهای سال سردان کهن متمدن در خیال و اجرای آنها بوده و هستند در طی دو سطر صحبت از ایشان طراوید از جمله میفرمودند چه خوش بود که تمام آحاد رعایای ایران مثل سایر دول مشق عسکری کرده عالم بانظام قوای عسکره باشند و اگر دولت امر فرماید که تمام رعایای دولت ابد مدت مکلف بمشق نظام هستند من اول کسی خواهم بود که پسرهای خود را امر بدخول در نظام کنم چرا که ترقی هر دولت بدو منحصر قوای حربیه است - امید که امنای دولت قوی شوکت هم در این باب اهتمامشان از سایر امور زیاده را بتدلی علی الخصوص درین ایام که امور عامه راجح بشخص بزرگ باهت متمدن دواتخواه وطن پرستی مثل حضرت مستطاب اشرف معظم شاهزاده صدر اعظم عین الدوله مدظله العالی است من بنده در جواب عرض سکرمه اینصکه فرمودند عین واقع است و امروز تمام شاه پرستان و وطن دوستان بوجود مبارک شخص سمدارت عظمی و نتیجه اقدامات واقیه و خیالات عالی آن بزرگوار امیدوار و شب و روز عمر و اقبال حضرت مستطاب اشرف معظم و عزیز توفیقشان را از خدا مسئلت مینمایند

و هرگاه کسیکه چشم بینا دلوند خوبه بدیده وقت بنگرند و در کارها غور و خوض نمایند می بینند که در این مدت قلیل که بسند سمدارت عظمی بوجود محترم و مفتخرم این صدر الصدور مدظله العالی زینت یافته آنچه درجه امور کشوری و لشکری رو باصلاح نهاده و چگونه مملکت محترم دو اسبه رو به ترقی میتازد حضرت حجة الاسلام و حنار مجلس محرمشان که تا ما از علماء و مجتهدین بودند از شنیدن عرایض این بنده چون گل شکفته دستها را بسوی آسمان بلند و بقاء ذات اقدس هابون شاهنشاه اسلامیان پناه و حضرت مستطاب اشرف ارفع والا شاهزاده صدر اعظم را از خداوند متعال مسالت نمودند

این بنده از مشاهده این حال که دلالت دارد بر کمال اتفاق و اتحاد و یکدلی رؤسای روحانی با امضاء دربار سمدارت مدار که عمده اسباب اصلاح کارهای وطن عزیز و قوت و شوکت دولت متبوعه و ممالک هر روسته ایران صانها الله عن الحدیثان منوط بر اوست بسیار خوشنود و حوثوقت گردیده خداپرا شکر گفتم انشاء الله این رشته اتحاد و دولتخواهی بین امنای دولت و رؤسای ملت که موجب هزار گونه امیدواری است روز بروز محکمتر شده دبری نگذرد که در ظل عنایات کامله اعلی حضرت اقدس ملوگاه بجز من بهر این وزیر بی نظیر دواتخواه بار دیگر ایران را گلستان بنیم جا کرد دولت و خادم ملت محمد حسن سیرجان (شیخ الملک)

جغرافیای ایران

(از نمره ۲۴)

هو و عظیم - و باتلاق سامید

باتلاقی که نهر (رخا) را در حدود تشکیل نموده قسم شمالی او (هو و عظیم) و قسم جنوبیش (سامید) و سیمرغ نامیده میشود حکه نهر مزبور از وسط این باتلاق میگردد

طول این باتلاق صد کیلومتر و عرضش از جهل و پنج الی یازده کیلومتر و مساحت سطحش سه هزار کیلومتر مربع است

(باتلاق بی زار)

این باتلاق در سمت شرقی ممالک ایران در خلک

از او جهة اسفای اراضی در اطراف نهرها جدا نموده و اراضی ارض اقدس را بعد الاسقا دو دامنه جنوبی حکوه (قره داغ) بطور محاذی بطرف شرق جریان و پس از آن هریرود را که از دو شعبه تشکیل مییابد یکی رود هرات و دیگر از نهری که از سمت جنوب اراضی شیخ جام جریان مییابد بخود ملحق و بسمت شمال جریان و در سرخس بریکستان فرو رفته و از چشم ناپدید میگردد

دیگری زاینده رود که از دامنه شرق جنوبی زرد کوه که بکوههای بختیاری مشهور است نجان و در جنوب قلعه (شاروخ) رو بشرق برگشته دو نهر کوچک که از جنوب جاری است بخود ملحق نموده و بقصبة نجف آباد رسیده رود (مژک) که از سمت جنوبی شهر کاشان نجان و از قصبة (هزارمنی) میگردد و از طرف بماره او ملحق شده شهر و اطراف اصفهان و مزارع و باغات را سیرب از شمال قصبة جلفا و از وسط قصبة (کیچی) گذشته در جهة شرقی يك باتلاق وسیعی تشکیل و بزمن فرو میرود (بقی دارد)

مکتوب یکی از فضیای جلیل

سر تمدن

(شماره ۶)

بی جهة و بحضرت نگرقتد - خیانت کاران دوباره به پیشکش مأمور عمل نمودند - دفتر کتاب و کتابچه خط و عمره دارند - اوراق گنجینه مثال حقه بازان دراز بویس ترتیب غیر قابل تغییر پیدا نمود بحق خالق عدل و اصف دزدان ایرانی صد هزار مرتبه به ار امینان بیرون میباشند و خراب کارهای داخله مراتب صحیح تر از درست کارهای خارجه عمل مییابند خارجه کجا و غمخواری ایران کجا - طبیعی یا مسیعی کجا و طبرخواهی مسلمانان کجا - فرنگی زبان را چه کار با ملاحظه بلتیک فارسیان عجمی زبان - دشمنان یقینی اسلام را چه مناسبت با اصلاحات ایران و تقویت ایرانیان - این است که در هر اداره که يك غر مأمور خارجی گذاشته شد بانکه زمان همه مسلمانان را باسم خیانت معزول و تبدیل فرنگی و ارمنی کرده و میکنند

سیستان و در شمال دریاچه هلدون و متصل دریاچه مزبور واقع است

این باتلاق شکلش مثلث - طولش هفتاد و پنج کیلومتر و عرضش شصت و پنج کیلومتر و مساحت سطحی اش عبارت از دو هزار و هفتصد و شصت و سه کیلومتر میباشد

این باتلاق از تراکم آبهای رود (هارود) و (کاش) و (هیلند) که از سمت خاك افغانستان می آید بحصول پیوسته و هوای آنجوار را قاعد مییابد (دریاچه هامون)

وسعت حوضه این دریاچه صد و پنجاه کیلومتر مربع است و يك قسم مختصر جنوبی او بولایات ممتازه بلوچستان داخل شده باقی آن در اراضی سیستان که از جهة ولایات ایلک خراسان است (والی که از طرف دولت علیه ایران بحکم رانی خراسان مأمور میشود اداره سیستان هم در عهده اوست)

گودی این دریاچه چون بسیار کم است از دریاچه به باتلاق بیشتر مشابیه است و از آبهاییکه باتلاق هزار را تشکیل نمود بحصول پیوسته طولش دویست کیلومتر و عرضش بیست کیلومتر و مساحت سطحی اش چهار هزار کیلومتر مربع است

وسعت حوضه های کافه دریاچه های داخل و مایه های دریاچه های مزبور از منبع رود تامصب (۸۵۰۰۰۰) متر مربع است غیر از هرهاییکه بدریاچه و باتلاق هاییکه ذکر آنها سبقت نموده میریزد برخی آنها موجودست که منبع آنها معلوم و پس از آنکه مدتی جریان نمود در اراضی ریگستان و شن فرو رفته و ناپدید میگردد و تا امروز مصب آنها از برای همه کس مجهول است اینگونه نهرها بسیارست و معروفترین آنها یکی (کشف رودست) که از دامنه و پایه های کوه (آلاداغ) که در سمت غربی مشهد مقدس واقع است نجان و از وسط طولانی وادی جیبی که مابین کوههای (بنالود) و (غوستان) واقع است جریان و اطراف خود را بعد الاسقا از گذرگاه ده رود مرور و از غرب جنوبی شهر طوس که اینک مغرور است گذشته تا وصول بممال مشهد مقدس و همین پس از گذشتن از مصلی شهر مشهد همه جا

هرکجا بکانه زین پاکیزه نغم از روی ربیع
 گل بخرمن در بخر و راست کونی نیست هست
 اگر خدا نخواست کسی را اعتماد این باشد که
 مسلمان و مسلمان زاده لایق تعمیل و قابل تکمیل نیست
 آنوقت عرض میکنم بر فرض تسلیم فرنگی و اروپائی
 چه خصوصیت دارد اگر هم حکما غیر مسلمان را
 اختیار باید کرد فارسیان تربیت شده در همه بلاد
 فرنگستان بسیارند که پادشاهان ایران را پیر زاده و
 پیغمبر زاده خود میدانند و در خم ایران بالطبع و
 الذات زعمرها دارند و در هرکجا ایرانی را دورها باس
 یفتند شادها و همراهها مینمایند از ایشان طلب
 شوند و مأمور گردند البته قننه آنها در روز خیانت
 و خرابی بجهت فوات کتر است چرا که بته بیک
 سلطانی که هم مذهب ایشان باشد نیستند و اگر وقتی
 دولت هم در مقام اصلاحات به تنیه ایشان کوشید
 صدای توپ و نشر صلیب سرخ از اطراف و اکناف
 عالم بلند نمیشود و حال آنکه مسلمانان خود مان که در
 بلاد خارجه تربیت شده اند در بیدینی سرکره تمام فرنگیان
 و بی ایمان و اعتقاد تر از همه طبعین دنیا میباشدند
 و با همه بی دینها شاید یک بوئی از عصیت ایران و
 ایرانیان در آنها مانده باشد مسلمان است که بشنید
 تر صورتی دست زوجه آراسته و جبهه خود را گرفته
 در کمال تشخص و با اظهار نهایت سر بلندی و سر
 افرازی در مسیره عمومی قدم میزند و میفرماید الحمد
 لله من اول کسی هستم که قدم در میدان تمدن گذاردم
 و گاهی این گونه بی غیرتی را تمدن اسلامی میخوانند
 و خود را با این بشعوری اول متمدن مسلمانان
 میدانند. گفتم سر تمدن در اتحاد افراد جمعیت است. و
 بافاق ملیت کمال منافات را دارد ظاهرا باینکه بیگانگان
 را بر بیچارگان تفریق و تسلط دهند و نامش را رئیس
 فلان جرکه از ملت نهند. دستان مابین احسان و اذمار
 اولادستور العمل خدائی این است که در جاز میفرماید
 [لا یخلف المؤمنون الکافرین اولیاء] و در جایی دیگر
 میفرماید [یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا اطانة من دونکم
 لا یألوونکم خیالا و دوا ما علمتم قد بدت البیضاء من افواهم و
 ما تخفی صدورهم اکبر] یعنی ای جماعت مسلمانان و
 مؤمنان نگزیدید بطانه از غیر خودتان و بطانه در اصل

یعنی استرجه است و در آیه کنایه شده است از هم
 راز - و هم صحبت - و کار کن از نوکر و شریک و
 آیه نبی است از تمام اینها و بیسان علت نبی را هم
 فرموده است [لا یألوونکم خیالا] یعنی کونامی نمیکند
 در خرابی امر شما و دلیل حسی بر این مطلب نشان
 میدهد [قد بدت البیضاء فی افواهم و ما تخفی صدورهم
 اکبر] یعنی ظاهر میشود دشمنی در زبان و سخنتر
 شان و آنچه پنهان دارند در سینه هایشان از عداوت
 بزرگ تراست - و خدای تبارک و تعالی از نادانی و جهل
 و عدم تعقل و خودرانی ماست که در آخر آیه میفرماید
 ما بیسان کردیم برای شما آیات و مطالب بزرگ را
 شاید شما اهل دانش و آندیشه باشید و تعقل کنید -
 کدام ذی شعور است که ملتفت نشود و غافل باشد از
 اینکه کفار مطلقا با اسلامیان منتهای عداوت را دارند
 و کینه قدیمه هر یک از طوائف نسبت با برائیان اظهار
 من الشمس و این من الایمان است

ایرانیان را باید متحد نمود و زنگ تفاق بیگانگی
 ازین آینه باید زدود تا این که یک بیگانه دیگر هم بر اینها
 افزون نماند و راه یک مسلک بیگانه هم باز گشایم -
 بیگانه خواء جنوبی و خواء شمالی خواء شرقی خواء
 غربی بیگانه است بیگانه - شاهنشاه شهید طالب تراه در
 سفر خراسان بمرحومین شاهزاده رکن الدوله حاکم و
 مستشار الملک که وزیر بود در باب منزل قولسولهای
 روسی و انگلیسی تعرض سختی فرمود که یکی در خانه
 وزارت و دیگری متصل ببارک حکومت بود خوب است
 که حال سر از تربت مبارک بردارد و بیگانه را در اراک
 و مشرف برختای دولت نشسته امیر و فرمان گذار بر
 جوی کثیر و بهره بزرگی از ملت و رعیت ملاحظه فرماید
 گفتم که زخون دل کس آ که نفود
 از بسکه فزون بود چکد از قام
 در خانه خویش پای بیگانه گشود
 زودا سکه بخشش پشیمانی سود

فرعون نفس انسان وقتی از داعیه جهالت بگذرد که
 در خرقاب لجه مذات دست و پای چاره کم کرده باشد
 در نیل غم قناد و سروشش بطنه گفت
 الآن قد ندمت و طینع الندم
 باطله اطلاق و انعقاد اول و واجبات تعین است

و او حاصل نمود جز بوسه و دست آوردن سر رشته کلیه از عمده اقطاب نفوس ملت - و امروزه در ایران این رشته اسمش اسلام است و با وجودیکه این مسلمانان با افراد شخصیه یعنی هر یک هر یک را که ملاحظه کنیم با دین اسلام هیچوجه مناسبی نداریم و از این دین حنیف جز نامی در میان نیست و در یسرافت امور دنیوی خود از هیچ قسم مصیبت و بیدینی مضایقه نداریم و اهدا طالب رواج بازار دین نیستیم - و قبیله امری برخلاف میل نفوس و احوای خود یافتیم ناله و ادبنا - و وا اسلماست که طرف خلاف را از پیش بر میدارد و هیچکس در مقابل ولوله و اشریتنا تاب مقاومت نیآورد پس بر طالبان متاع تمدن و مخاطبان عروس ترقی ملت اول شرط اقدام این است که یا خود بنفسه از رؤسای روحانی و علمای ربانی باشند - یا با عمده از آنها ساز اتفاق و اتحاد بسازند تا ساحت روح افزای محسوست و گلزار نصارت آثار ملت را از خاشاک ناپاک مخالف و خار دل آزار منافق پردازد - و کله خبیثه یا طیه بینونت و دویت شرع و حرف - یا ملت و دولت یا شریعت و حکومت را براندازد که این کله بنیاد ما را بر انداخته است - و کسی نمیگوید که حرف بی شرع عقل شخص مست یا دیوانه است یا نانی سباع و بهایم - همچنانکه آدم بی علم و عقل داخل آدم نیست - حرف بی شرع هم گویند مانند بی جوان یا بار کفسان بی جلو دار و ساریبان - ملت بی فرمانرها دکان بی صاحب و نگهبان است و فرمان گذاری بی ملت قصه نقش شیر و آنتف پهلوان است (باقی دارد)

مستر هربرت سنسر

(خدا با زین معا برده بردار)

دانشمند یگانه و حکیم فرزاه (مستر هربرت سنسر) که در قرون فلسفیه و علوم طبیعی و شهرورزین حکمای زمان و مسلم جمیع اروپا بود و میتوان گفت که در فلسفه جدید مقامش چون معلم نانی در فلسفه قدیم شناخته می شود و در اروپا میلیونها نفوس پر و خیالات وی اند - چندی قبل ازین دارفانی رحلت نموده - در فضیلت این حکیم دانشمند همین بس که پس از رحلت وی جرئت اروپا بالاتفاق در حقوقی نوشتند (آفتاب آسمان فلسفه غروب نموده - مذهب لاطینی و خیر خواه عالم انسانیت بود -

اروپاییان متفق الکلمه میگویند که درین قرن اخیر وجودی بدین دانش و حکمت بوجود نیامده در السنه دانشمندان (عموم اخلاقی انسانیت) معروف است حکیم موصوف به (بارن کانیکو) که معاون صدر اعظم ژاپون است خطی بطریق نصیحت نگاشته و چند مسئله را بطریق دستور العمل آئینه ژاپون بیان کرده خواهش نموده که در حیات وی مضامین آن خط افشا نشود

چون حکیم موصوف ترک زندگانی گفته و ابونیان آن خط جهان قیمت را اشاعت داده و لوله در جمیع اروپا خاصه در انگلستان ادا کنند - روزنامه طمس که با هزاران زبان معرف وی بود و حکیم متوفی را سرطاب غر ملت انگلیسه می شمرد - پس از افشای این راز و اشاعت این خط می نویسد (مستر هربرت سنسر) را با وجود آن همه صفات حسنه ذره حب وطن نبوده و اتساعات دیگر نیز بر آن وجود محترم میدهد که ذکرش درین موقع خارج از موضوع بحث ماست آنچه تاکنون از عناوین خط نامه حکیم موصوف ظاهر شده این است و ابونیان راست که علوم و فنون مغربیان را با کمال شوق و هوشیاری اخذ و از آن فائده حاصل نمایند - ولی اهالی مغرب و اقوام فرنگ را نزدیک خود راه ندهند و در جوار خویش ابداً امتیاز نبخشند و آثارا موقع ندهد که با ملت ژاپون چون شیر و شکر در هم آمیزند - و هماره از اثرات آنها طویشتن را حفظ نمایند و حد فاصل خود و آنها را با اندازه قرار دهند که دست اجحاف و تعدی شان بدانان آنها نرسد البته هر قدر ملل اروپا قوی شوند خطرات ژاپون پیش میگردد و هماره باید خود را در معرض خطر بیند - لذا ژاپونیان راست که هوشیار و بیدار طنده هیچیک از ملل اجنبیه را در قریب و جوار خود راه ندهند - خیل مناسب است که ژاپون تاریخ ضدوستانرا بنور و تأمل نگریسته هم از سلوک اروپاییان متنبه شود و هم از حرکات و پیشرفت خیالاتشان عبرت گیرد - تا از چنان آفات خود را بتواند و هانید ملت ژاپون باید از وصلت با اروپاییان بهر هیزند - چه اتساب با فرنگان تولید قومیرا نتیجه می بخشد که جمیع صفات حسنه قومیت طویش را ضایع و کلیه و ذائل افیل فرنگان را جلب نموده باشد

حکیم موصوف درین خط اظهار مصرت بلکه الطیبان
 مینماید بر حسن احوال مستقبل واپرون و ترقیات
 آینده وی و مبارک باد میدهد بر اینکه خوبترن را از
 طوفان خطر اروپائیان نجات بخشیده اند آنچه تاکنون
 از نگارشات حکیم موصوف رسیده ترجمه شد. آینده نیز
 آنچه اشاعت یابد ترجمه اش را فریضة ذمه خود میدام
 مکتوب از طهران

(دشمن آتش پرست باد بیا را بگویی)
 خاک بر سر کن که آب رفته باز آمد بجوی
 (تعمیر سد اهواز با احیای مملکت خوزستان)
 (از آثار باقیه عهد میمون مظفری و افکار مالیه)
 (شاهزاده سلطان عبدالحمید میرزا عین الدوله)
 (صدر اعظم دولت علیه ایران)
 و آیه لهم الارس للینه احینما
 و اخرجنا منها جأفنه یا کلون
 (خانی برو که طالع اگر طالع من است)
 ر جام بدست یابد و زلف نعلکار هم)

اهمیت بستن سد اهوز و عظمت این بنای عالی که مایه
 آبادانی یک مملکت وسیع و علت احیای یک ملت بزرگ
 است به اندازه میباشد درین مختصر گنج - همین
 قدر میتوان گفت که این آثار خیره و باقیات صالحات
 برای آریخ نیک بختی یک مملکت و بلندی نام یک سلطنت
 و حسن سیاست وزارت محکمدار نیکو یادگار و
 بهترین آثار است

آری نگارشات نامه مقدس از روی هوا و موس
 و نملق و چایلوسی و اغراض ذاتی و عداوت شخصی
 نبوده نیست - بیاید روزی که ملت ایران نگارشات
 نامه مقدس را مقدس تر ازین شمارند - و پیشینگوئیهای
 و برا همه از روی دانش و تحقیق دانش - مشکل این است
 که ما ایرانیان کم تجربه بمجرد استماع نام حلوا خود را
 شیرین کام خواهم [الامور سرهونه باوقاتها] را نمی فهمیم
 (توموسی بینی و من بچشم مو)
 (تو ابرو من اشارت های ابرو)
 بابا جلن ترقیات زمان و اقوام همه تدریجی است
 بمجرد آنکه و بر دانشمند خیر خواهی بسند عداوت
 قرار گرفت نمیتوان جمیع ترقیات دولتی و ملتی و
 ملکی را از روی خواستگار شد - عقل و دانش و

سیاست و کیسات امیر اتابک میرزا قلی خان و حقایق
 علیه مسلم جهانیان و تا کنون ضرب لیل ایرانیان است
 در سه مملکت عداوت نمود جز اینکه میزان جمع و طرح
 دولت را تعادل نمود چه اثری از اولیای ماند - مرحوم
 حاج میرزا حسین خان مشیر الدوله که یک ترمیدان سیاست
 و درایت بود جز برخی خیالات در سر ملک گذارد چه
 اثر از خود نهاد - مرحوم حاج میرزا علی خان
 امین الدوله که در قطار بزرگترین رجال با سیاست این عصر
 بشمار بود جز انتشار معارف و ترغیب ملت به تعلیم
 و تربیت و اداره کردن کمرکات و حرکت دادن حس
 ملی چه حاصل بخشود - این رجالیک بر شمریم هر یک
 در مقام خود بهاری بزرگ بودی و نقائص ملک و ملت
 و دولت را جزء و کلاً فهمیدی و در تدارک و توبه علاج
 آن همه درد های بی درمان بودند - برخی را اجل
 مهلت داد و بعضی را زمان موافق نگشت - این بود
 که بواسطه ناسپاسداری ملت از روی جهالت و عدم
 علمشان با آن طیبیان حافظ که هر یک برای احیای
 ملک و ملتی کافی بودند

(ما هنوز اندر خم یک کوه ایم)
 و بصاب الیم سکران و ناسپاسداری دچار
 گردیده - و پس از هر یک از آن رجال بادانش خیر
 خواه گرفتار خاشاک بی دانش شدیم که در چند روز
 نام رشته های گذشته گان را پنبه و ملت و دولت را
 مبتلای هزار گونه آلام و اسقام جدید ساختند

چون تاریخ را جلو نهاده کلاه خویش را حکم و
 بمحاکمه تاریخی برداریم خواهیم دانست که تا چه اندازه
 کارهای ملک و ملت و دولت ما بسر انگشت تدبیر این
 مرد غیور بادانش وطن خواه یعنی شاهزاده عین الدوله
 صدر اعظم در قلیل زمان یسرفت نموده و اصلاح
 پذیرفته است -

بودجه جمع و طرح دولت که روح جمیع ترقیات ملک
 و ملت است به بهترین اسلوبی مرتب شد که عقول از
 درک تدبیرش آجیران است -

عمل وظائف و سناعات دولتی که منشوش ترین
 اعمال و برای بدنامی و بی اعتباری دولت بالاتر از آن
 متصور نبوده تحت نظام و اعتبار آمد

اجتهادات حکامندایک انداخته نمود و مصارف

متحرك گردید که بدین مختصر بمقام عرض اخلاص بر آید
و ضمناً چند قره ترجمه و روزنامه‌جات قفقازیه را که
سابق اشاره نموده بودم افتاد دارم. تا اگر مناسب بنید
در جریده فریده جبل‌المتین درج فرمائید

بنده که یکی از پرورش یافتگان جوان نعمت دولت
علیه هستم حقیقه از مشاهده حال ایرانیان و موازنه
با ملل فرنگستان و استماع مذاکرات و خیالات اجانب
در حق ایران و ایرانیان اشک حسرت و خونین از
چشمه‌ها جاری میشود عجباً چه شده که این دولت
و ملت مقتدر که سابق بر این ملک و حکمران
آسیای غرب و آسی و نامی روم و چین بوده و از
جبهه نظم و تمدن و آئین و تدین بر همه برتری و سبقت
داشته و موطن سلاطین ساسانی و خسروان صفویه
و نادر و غیره بود باین حال ذلت و خواری افتاده است
حالا بمحمدالله حس ملیه ایرانیان بحرکت آمده
و مواظظ و نصاب روزنامه جبل‌المتین کارگر انصاف
و انبساط گرامی وطن عزیز نتیجه این همه غنای و
تنبلی را برای الین فهمیده و جداً بصدق تلافی طاقات
افتاده‌اند. روزنامه‌جات فرنگستان از بیداری حس ملت
ایران فریادها دارند و ترانه‌ها می‌سرایند و جلوگیری
هرک حس ملیه ایرانیان را از دول اروپا میخواهند
در مقابل این همه تکلیف جناب عالی است که
جوابهای شافی و کافی مرقوم و طراز نامه مقدسه
جبل‌المتین فرمائید و بروزنامه‌جات فرنگستان با ساسی
جواب دهند که نیات و خیالاتیکه فرنگیان
در حق ایران و ایرانیان دارند بر همه معلوم گردد
در واقع اگر بتاریخ ایران نظر نمایم از ملاحظه
وقایع تاریخی آن سرزمین حیران می‌آیم این ملت چه
حالت‌ها دیده و بجه تبدلات و تغییرات دچار شده و
بآخرین درجه حشمت و قدرت و عظمت و قوت و
شان و زرق و تمدن و آبادی رسیده گامی صاحب و ملک
معمور ترین ملک دنیا شده گوی در دست دیگران
حوار و پریشان و ضعیف و سرگردان مانده لکن در
هر حال تاریخ این طایفه را امیدوار میدارد که هواره
بمرور ایام بعد از استداد یکنفر ظهور نموده ملک
و ملت را از هر نوع بلا و ذلت خلاص کرده است
بمحمدالله این امید ایرانیان برآورده شده چه

توجهات و نیات مقدسه اعلی حضرت اقدس هابون
شاهنشاه مظفرالدین شاه صوفی‌بدان مطوف است که باز
دولت ایران را بمراتب حشمت و قدرت و شان و عظمت
سالفه خود برساند امیدواریم اولیای دولت علیه و هموم
ایرانیان هم بمصدق الناس علی دین ملوکهم بتوفیقات
سبحانی مؤید بوده و دست اتحاد اتفاق به بر همه دیگر
داده در تجدید و احیای وطن گرامی نام نامی خود
شانرا صفحات در تاریخ دنیا بیادگار بگذارند

ترجمه از روزنامه قلبیسکی لیستوق مطبوعه
(قلبیس) نمره (۷۷۷)

در رساله آخری روزنامه مصور پاریس مقاله
منیدی از طرف (آیل مانسیو) بعنوان (ایران و
مخاربه روس و ژاپون) بدین عنوان نوشته شده -
فلاً در ایران هیجان غریبی ظاهر است ایرانیان
اروپایان بنای معارضه گذاشته و تحصیل اطلاعات لازمه
میبینند جمع کثیری از ایرانیان در دارالعلومهای اروپا
مشغول تحصیل هستند - پادشاه ایران به بهانه ممالجه
بدفعات اروپا سباحت نموده تمام جوانان ایرانی که
برای تحصیل و تربیت با اروپا می‌آیند امیدواری کامل
دارند بر اینکه مملکت شان حیات تازه حاصل کرده و
ترقیاتشان تجدید خواهد شد و در این عقیده و حس
علیه پادشاه ایران مظفرالدین شاه هم شراکت دارد -
ایرانیان بدرجه از آینده وطن خودشان مطمئن و آسوده
هستند که گویا این تصورات فلاً وجود خارجی
پیدا کرده است همه آنها به تجدید و احیای مملکت
ایران که يك وقتی دولت مقتدر و قوی بشمار
میرفته اطمینان کامل دارند جوانان متعصب ایران
همچو میگویند که اگر ابرار باحال خود بگذارند
شانرا خواهند دید که بعد از ده پست سال مملکت ما
چه خواهد شد و قوت اروپائیان که میخواهند در
ایران پایه و پایه حاصل نماید بشیر از ضرر برای ما
نمیری ندارد برای ما چه دولت انگلیس و چه دولت
روس هیچ يك لازم نیست زیرا که این دو دولت با
ما همجوار و خیلی نزدیک هستند از اینجبهه نمیتوانند
دوامور بر طرف باشند - بنا بقول این جوانان متعصب
اهالی ایران خیلی طایل هستند که بنای اتفاق با دولت
فرانسه بگذارند دولت فرانسه از ایران خیلی کنار است

شماره ۲۰۰۰ (۱۳۲۳) - شماره ۲۷ (۱۹۰۵) صفحه ۱۷

لذا برای ایران این قدرها و اهمه ندارد. قنای دولت ایران دارای چهل هزار قشون منظم میباشد که با اصول و قاعده اروپائیان تعلیم و مشق دیده اند و هنر تربیت دولت ایران دارای قشون زیادی خواهد شد به کارخانه های اروپا و گروپ متصل از ایران سفارشات داده میشود ایرانیان میگویند از انگلیس و روس می ترسیم و نمیخواهیم با آنها نزدیک باشیم - این گونه اظهارات نصب آمیز جوانان ایران که میخواهند تربیت و تمدن اروپا را تحصیل نمایند بخوبی لغافان میدهد که تحصیل تمدن خارجه را آنها برای مخالفت شخصی نمیخواهند بلکه میخواهند باین وسیله اسباب دفع و سلب قوت اروپائیان در ایران فراهم بیاورند روزنامه مذکور می نویسد معلوم است ما نمیخواهیم ایرانیانرا از ظهور این حسابات مکرر نایم ولی باید این یکی را همید که اعلیٰ مشرق زمین علماً اظهار مخالفت (باملها) اروپائیان میبایند و ما باید فراموش نکنیم که این مدعی خیلی با هنرمند و حزم و جسور است و لازم است که برای مدافعه و جلوگیری این هیجان ملیه که هرروز در تزايد است حاضر و آماده باشیم

همچنین روزنامه مذکور مینویسد

ترویج حس ملیه در ایران صورت شیوع و امتیاز اهمیت پیدا نموده است باعث ترویج این حس از یکطرف روزنامه جلالالتین است که با آزادی داخل خاک ایران میشود و از طرف دیگر موعظه و تسلیح حاجی شیخ حسن بمقانی رئیس روحانی و مجتهد شیعه هاست که خلق را تحریک و تشویق بخواندن روزنامه جلالالتین نموده است هیچ چیزی برای انتشار و ترویج خیالات سیاسی و روانه جلالالتین در میان جماعت پیشتر از این مفید نمیشد که یک نفر رئیس روحانی که مظهر توجه و دارای خود چه در ایران و چه در قسطنطنیه بیرون خارج از ایران میباشد این مسئله را بمخلوق نوعیظ نماید هرگاه نمایندگان دول اروپا که دارای علائق و منافع خاصی در ایران میباشند قبل از وقت برای اسداد و جلوگیری انتشارات مضره روزنامه مزبوره اقدامات مجده بعمل نیسورند و برای مصادمه و مداخله این جولان گاه حسابات ملیه و بجران عظیمه که در ایران

روز افزون در تزايد است تدابیر صایه بکار نبرد هیچ شبهه نیست که عقرب از اروپائیان با همه توانی و قوت آنها در ایران فقط يك اسمی در آسیر زمین باقی خواهد ماند علیهذا لازم است مجتهداً برای محافظه منافع اروپائیان تدابیری در مقابل این خطرات هائیکه بعمل بیاید در این ضمن باید این یکی را فراموش نکرد که اگر دخول روزنامه جلالالتین بایران قدغن بعهد هرگز اصل مقصد از این اقدامات حاصل نخواهد شد این یکی مسلم است که هرگونه منیفات و تضییقات اصحکثر اوقات نتیجه بعکس میبخشد برای دفع و رفع امر ابتداء باید در صورت ظاهره اقدامات کامله بکار برد بمتنبه ما بهترین وسیله این است که روزنامه معتبر به زبان فارسی انتشار بدهیم که همیشه منافع و قوت روسرا در ایران حفظ نماید و اجرای این نیت چندان اشکالی ندارد و همین قدر لازم است اشخاصیکه طرف دار روس هستند و میخواهند وطن خودشانرا مجدداً احیا و تاره به پند آفتاق نموده و قوت اجتماعیه توسط مطبوعات اراله قوت خصم نمایند شکر خدا را در ایران طرفداران روس بسیار است و اگر بیات و خیالات روزنامه جلالالتین که از طرف رئیس روحانی مورد تحقیر و تصویب شده است مثل موج سریع الجریان قلوب و اذهان جماعت سریت نماید یقیناً همه حیوانات حیر حواها و طرفداران روسیه را منهدم و منهدم خواهند ساخت و آتوق هرگونه اقدامات بیثمر و مدافعه از چیز امکان خارج است و قتیکه در بدن شخص سله و قرحه مذومه پیدا میشود لازم است در موقع خود مسالحه و دفع آن برداشت و اگر مدتی به ناعتان گردد آنوقت این ناخوشی بجمیع بدن مستولی شده و هیچ حراج کاملی مقدر بر جلوگیری جریان آن نخواهد بود

مکتوب بیفرضانه

در شماره شانزدهم نامه مقدس شرحی از بجزئی حال و مأمورین گراک اسلامبول مندرج بود وقایع را وقایع نگار بدون کسر و قصان و مبالغه نگاشته چنانچه در عنوان بیان نموده فی الواقع حیر خواهان دول اسلام را اینگونه وقوفات بادی کسب و سرمایه هزار گونه تاسف است آنچه نمودند گذشت ولی چون ممکن

این عنوان را یکی از وقایع نگارین اداره چند هفته قبل فرستاده بود و در شماره ۲۲ درج نمودیم چون وقایع نگار دیگر علاوه با عربی چند نگاشته اغراض از درخش را روا ندیدیم

است. وقایع نگاران نامه مقدس از نتیجه و انجام عمل آگاهی حاصل نموده و با اداره مقدس اطلاع ندهند در مقام جسارت برآمده و مینگرند قالی مزبور چون مال خیر بود لذا چگونگی و انجام کار را جهت آگاهی اداره مینگرند تا در جریده فریده درج و مشرکین نامه مقدس را از انتظار حتام کار رهان بخشند و هم برخی تصور نیاورند حکه چرا از این توقیحات مهم ناگوار کارگذاران سفارت کبرای دولت متبوعه ام استحضار حاصل فرموده اقدام نمایند و یا آنکه پس از آگاهی محل اعتنا نمایند معلوم است از درج بدین لحاظ مضائقه نخواهند فرمود لذا عرض میشود

نخست این بندخواست سفارت سنیه کبرا تصدیق دهد دو ماه تمام در اینخصوص بوسایل لازمه توسل جنبه با واسطه و بلا واسطه بمستشار رسومات التجا نمود حکه شاید بقالب رسمیت در نیاید ولی سودی بخشید بالاخره خود را ناگزیر از مراجعت بسفارت سنیه کبرا دیده بحضور مبارک مستشار سفارت آقای صفالملك عارض شد جنابش حبه آنحکه در ابتدا اطلاع نداده بودم اظهار دلالتی فرمودند فوراً ترجمان را نزد نظر رسومات جناب حسن فهی پاشا که نازه بنظارت برقرار شده و از جمله وزرای کاردان علم عادل در ستگار میباشد روانه نمودند پاشای مشارالیه پاسخ فرمود که من از اینکار مخالف قانون اهدا مستحضر نیستم خلاصه با وجود آنکه ترجمان مکرر رفت و آمد نمود باز مستشار روزی چند به طفره گذراند و جناب صفالملك از طفره بازی مستشار دلتنگ و شخصاً بیابالی تشریف برده بوزارت خارجه رسماً خبر دادند که تا چهل و هشت ساعت یا غالی و یا جواب صریح میخواهم ازوزارت خارجه هم بمستشار رسومات سخت گیری شد این بود که روز بعد مستشار غالی را بگمرک برگردانده و خبر دادند وقتیم گمرک چهل ایرا رسم گمرک غالی را داده و غالی را نسایم گرفتیم نتیجه و انجام آن چیزی این شد که مستشار رسومات بدون هرگونه حق و صلاحیت مبالغه خطیری ضرر و خسارت بر حقیر وارد آورد و اذیت و آزار را بجان رساند که ناچار از مراجعت جناب مستطاب آقای مصلحت گذار سفارت سنیه کبرا گردیدم و به جنابش تصدیق

دادم حفاظت اخلاق برخی از مأذونین را اصلاح فرمود که نام مقدس دولت متبوعه مزبور را که درین نمایند والسلام

﴿ ایضاً ﴾

﴿ مکتوب از اسلامبول ﴾

مؤید الاملا بر سبیل اختصار عرض میشود علیا محکمه والده محترمه جناب سفیر کبیر برنی ارفع اللوله امیر نوبان در تبریز بر حه ازدی پیوسته و یوم شبه ششم شهر حال خبر فوت آن فرحومه بسفارت کبری رسید از یوم یکشنبه تا سه روز ارکان سفارت و علماء و اعزّه در جامع خان والده مفصلاً بمراسم عزاداری قیام و دو شب هم در سفارت سفیه عموم علماء و تجار و اعزّه مدعو و پس از ختم کلام مجید جناب قیبالاشراف آقا میر علی اشرف ذکری مصیبت خلص آل عبا علیه و علی آباءه و ابناءه آلاف التبعیه والتنا نموده و پس از مرثیه همگی در سر سفره حاضر صرف طعام نمودند روزنامه ترجمان حقیقت قمرات آتیه را یوم سه شنبه ۹ ذیحجه و چهار شبه دهم در نمره ۸۵۶۹ و ۸۵۷۰ نگاشته نیز ترجمه آنرا ارسال نمودیم که در نامه مقدسه درج و درین سوگواری شرکت نمایند

﴿ یوم سه شنبه روزنامه ترجمان حقیقت بعنوان ﴾

(تعزیت نکات)

یوم گذشته حضرت نجات ودولتآب فرید پاشای صدر اعظم جنبه آنکه والده محترمه سفیر کبیر دولت علیه ایران حضرت اشرف ارفع اللوله پرنس میرزا رضا خان هانش ارتحال و انتقال نموده بود بسفارت سنیه دوات علیه ایران تشریف آورده بمراسم تسلیت و تعزیت پرداختند و در هنگام ورود و عزیمت صدر اعظم ارکان سفارت رسم استقبال و تشییع را کما یلیق ایضا و دربار آنحضرت بطور فوق العاده اهزاز و اکرام بجا آوردند حضرات سفیرین کبیرین دولین فرانسه و ایتالیا و سبیه قونستان و ملرکی امپریال و مصلحت گذار سفارت انگلیس جناب موسیو (لوریدی) و برخی ذوات حکرام دیگر نیز دپوز بسفارت خانه آمده بمراسم ادای تعزیت پرداختند

و سفرای گار آسترا و روسیه و آلمان ایالتیاب
بارون دیوکالیسی - موسیو زینودف - و بارون مارشال
جیستاین - و پسرهای یونان - و سرب - و بلجیکا - و
ظلمتک - واسوج - نوروج - و مصلحت گذاران امریکا
وقره طابع - و بعضی از مأمورین سفارات (کارت ویزت)
خطودرا اوهال و بیان تعزیت نمودند

و دو جامع شریف خان والده حضرت اجل اشرف
پرنس ارفع الدوله سفیر حکیم مع ارکان سفارت و
مأمورین جنرال فونلگری و علمای ایران و تجار
معتبر حاضر دیروز و بیشب هم در جامع مراسم
تعزیه داری ایفاء شب گذشته در سفارت سکبری نیز
جبهه مرحومه مشارالها پس از ختم کلام مجید از طرف
حضرت سفارتناهی بموم ضیانت داده شد

و ناظر (اورمان - جنکل) و معادن وزارت
زراعت دولتمآب حضرت سلیم محمد پاشا هم دیروز
بسفارت خانه آمده بمراسم تسلیت و تعزیت پرداختند
عطوفتآب طابع و بانیک که از اعضای دائره ملکیه
شورای دولت میباشد دیشب طرف شام سفارت
خانه رفته بمعرض تسلیت و تعزیت پرداختند

یوم چهارشنبه دهم دججه در نمره ۸۵۶۳
(روز نامه ترجمان حقیقت چنین نگاشت)

حضرت مستطاب اجل اشرف مشیرالدوله وزیر
خارجه دولت علیه ایران تکراناً اطلاع میدهد -
جناب اشرف پرنس ارفع الدوله امیر نویان سفیر کبیر
ذات اقدس اعلی حضرت هایون شهریاری از وقوف
بر ارتحال والده محترمه شاه فوق الصاده متأسف و
متأثر گردیدند و از طرف خودشان هم بیان تعزیت
و تسلیت نمودند

جناب جلالتمآب بر عسکر پاشا و ناظر معارف
دولتمآب هاشم پاشا و مترجم اول باب عالی عطوفتآب
داؤد ایتدی و بعضی از مأمورین و سفرای اجنبیه
کارت ویزت خود را فرستاده مراسم تسلیت و تعزیت
را ایفا نمودند

و بمحکوتوبی سفارت جلیه خارج عطوفتآب
میسطی پنیکی ایتدی و از اعضای دائره ملکیه شوروی
هوایتز عطوفتآب پندر یا قویلی ایتدی و از طرف
ایمن شهر دولتمآب و نویان پاشا فرزند کرباسی شان و

معاون مشیرم مخصوص سفارت جلیه خارج عطوفتآب
نصرت بیگ ایتدی و سفیران اسوج و نوروج و واسینیا
جنابان اساتلابان حکومت بن فریز و موسیو قامیون
سافراده و برخی از مأمورین سفارات اجنبیه روز گذشته
بسفارت سینه آمده و باغای مراسم تعزیت و تسلیت
پرداختند

و جناب صدر اعظم نخصت جبهه ایفای مراسم
تسلیت از طرف خود شان مأمور مخصوصی روانه
نموده بودند و در تالی با اراده حضرت شهریاری
خود شان هم تشریف آوردند و تا حال اینصکونه
احترامات درباره میبجیک از سفرای دول متحابه دیده
نشده بود این نیست مگر بملاحظه جبهه جامعه اسلامیت
و حسن رفتار حضرت اشرف - حضرت احدیت بجزمت
منزله ختمی مرتبت غبار نفاق را از میان مسلمانان
هو و برطرف و با نور اتفاق هموماً نور سازد تا در
سایه اتفاق اساس دین مبین و حوزه مسلمین را حفظ
تواند نمود

حبل المتین

اعضای مامه مقدمه با کمال تسف و تأثر خاطر
جناب اشرف پرنس ارفع الدوله امیر نویان سفیر کبیر
درین مصیبت شریک اند و دام عمر و عزت و اقبال
ایشان را از خداوند خواهانند

مرآت زشت و زیبا

بقلم یکی از علماء طهران

(ار شماره ۲۴)

گفتم ای خردمند عزیز و ای دانشمند با تمیز اگر
غیرتمندان وطن را بیجا تحمل ابریز گشته و بر مسند
خیرخواهی نشسته حق داران تاکی توانند تحمل کرد
(که میخورند حریفان و ما نظاره کنیم)

تورا چه شد که خودرا از انسانی وطن دانی و
مایه حیات و شرف وطن را منشأ خاری و ذلته
خوانی جای آن است که تو نیز چون سایر غیرتمندان
وطن بیبش و شادی کوشی و بر خود لباس سرور و
خرمی پوشی تا تورا هم از افراد ملت دانند و چون
بیگانگان از در ترانند مگر نپیدانی ببودی و قوت
دولت سبدا بقله و حیثیت ملت اسعه و بخت ارکان
دولت خایه هو و تملودی ملت کلام ظالم بدتقین زوا

حیات چه موافقت

پس کنید حفظ و به طه کشید تیغ

قرآن کنید حرز و امام مبین کشید

آه ازین مسلمان داد ازین مسلمان ندانم شمارا بر
دیگران چه عزیز است که خود را عزیز و محترم دانید
و آنان را ذلیل و فرومایه خوانید مگر جهل و
حیانت را مایه شرف و عزت شمارید و تربیت و اطاعت
را علت یستی و دانائی

(بنی آدم اعضای یکدیگرند)

(ان اکرمکم عندالله اتقیکم)

جناب مستوفی ازین گونه سخنانم رنجیده بعبادت
مفرضان کردن شکستیده با حالتی مهیب بر دو زانو
نشسته گوی بتلم کر بست

گفت معلوم شد که تو نیز خود را از حزب وطن
خواتی و خود را از حامیان وطن دانی همانا که شیطان
در تو حلول کرده یا جنونت از دست برده که روا
داوی گروهی ناز پرور تنم را رهین خاری و ذلت
دارند و نامش را اصلاح وطن گذارند انصاف ده
رواست غوس محترمه را که سالیان دراز در سایه نعمت
و ناز بر دیگران فرطان روا بوده محکوم دیگران
سازند؟ رواست حقوق هزاران اشخاص ینوارا که
امر معاش آنان منحصر برآیه دیوان است مقطوع
دارند؟ کدام مصرف نیکوتر از رعایت فقرا محکوم
اصلاح اهم از اصلاح معاش ضعیفان؟ نمیدانم که
(حب الوطن) جز حب اینای وطن چه معنی دیگر و
شما مقصدین فرنگان را از چه ندوی در سر است
گفتم ای شخص گرامی آنچه فرمودی بجهل بود
و من بنده در فهمش عاجز و مطلق پس اگر
مقصودت از ارباب را تبیه و حقوق مجزه و مساکین
است نیکو گفتم و در سنی عکسی را عزم احکام
و قطع حقوق آنان نیست چرا که حقوق نام آنان
کثر از حقوق یک نفر مستولست نه در قلمش چندان
نعمی و نه در بذلتش چندان ضروری متصور و اگر
مرادت قاطبه ارباب حقوق و عموم انواع و شقوق
است مهلاً مهلاً چرا که سخن بمبالغه گفتم و طریق
سلسله وقتی کدام وجدان حکم تواند نمود که براین
التراف و التاشرع منظوری قبل دولتی تدبیر و سنی

دارد که غایب خرابش از رشته ظلم و حیانت آباد و
خانه ملک و ملت از تعدی بی چند اراذل بر باد باشد
رفیقم گفت نورا چه میشود عسکه سخن چون
حامیه کوش و بهبوده طریق عوام و جاهلان پونی
مگر نیدان ازین گونه اقدامات ناتمام دولت بهراتب
تالیه نرسد و ملت باوج کمال و رفعت نایل نگردد
زیرا که یقین دارم از ما کم نایند و بر دیگران افزایند
دست ما کوتاه دارند و خائنان دون سمت دیگر برمسند
عز و جاه آرند مستوفیان که در این زمان ملک رقاب
ایرانیان و مظاهر قدس و ایمان بوده از میان برخیزند
و ممدودی از فریگی ما بان بی نام و نشان جای گیرند
پس بی سبب قومی عزیز ذلیل کردند و قومی پست یاب
و فرومایه برتبه جلیل رسند طاقت فریاد وطن خواهان
و بزرگان بی حاصل و اصول اصلاحات یکجا باطل گردد
گفتم رفیق لطیف آمت تر عسکه مرا نیز جواب
بصواب در نظر است از روی انصاف خوش وردی
بزان آوردی ایک انوس که سوراخ دعا کم کردی
آنچه سرودی در حقیقت حکایت از زمان گذشته نمودی
نه این زمان سعادت تو امان که زمام مملکت ایران و اختیار
ایرانیان در کف کفایت دانشمندی دادگستر و وزیر
خیرخواه و رعیت پرور است همانا آن - بو شکست
و آن یانه ریخت اینک جماعت سارقین و خائنین یکجا
از کار مهجور و بی چند از درستکاران امین مباشر
امور سازند حقوق اهل خدمت بقدر زحمت و لیاقت
جزای ارباب حیانت از روی مسارات و عدالت (فن
یعمل منتقال ذریه خیرآبره و من یعمل منتقال ذریه
شرآبره) جزا و مکافات صالح و طالح منظور خزانه
دولت آباد و خانه ملت معمور گردد اینک سخن از
قدس و ایمان بیان آوردی و این اساسی مبارکه را دام
تروبر خود نمودی همانا کوشش بیفایده کردی چه
ازین پس این گونه دعاوی عسکرها و رزق و شید
خائنان نمری نبخش و در دل دانشمندان آری نکند
(واکه یشهد ان اللاتقین اکاذبون) آه آه خاکت بدمن
اگر باز طود را از اسلامیان شمردی و ازین پیش
پرده اسلام بدوی ندانم اسلام را در تو چه نهانی و
ایمانت را جز دهمی کذب چه بهمانست اسلام را با
تیغه ظلم و بیباده چه مناسبت لبان را با عزمی و

شماره ۲۵ - ۲۰ محرم الحرام (۱۳۲۳) - شماره ۲۷ - ۲۰ مارچ (۱۹۰۵) - شماره ۲۱

جلیل را در وادی هلاک اندازند و گروهها قوس
مظلومه را فدای شی چند طامع بوالهوس سازند ؟
چه اگر رعایت قلیل را نیز خیر دائم مزیتش را بر
رعایت کثیر که مستلزم خیر کثیر است تصدیق نتوانیم
(اذلکثیر الخیر مع شر اقل)

(فی ترک شر کثیر قد حصل)

هانا که مصالح امین را دلی وزین و فکری دورین
است که منساقته در آن ننگجد و وسوسه در او راه
نیابد (لاینبلق عن الهوا ان هو الا وحی یوحی علمه
شدیدالقولی) (باقی دارد)

تکرافات

(۵ محرم ۱۳۲۳ - ۱۲ مارچ ۱۹۰۵)

§ غیر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد - یوم جمعه
ژاپونیان لفقریان روس را به جانب شمال و شرق (مکن)
محسور و دست از قشون آنان (پوهو) را که بین
(مکن) و (فوشان) است متصرف و نیز اراده
دارد که بقیه قشون روس را منتشر کند

§ از وزارت خارجه روس الفواهیکه من باب صالح
انتشار یافته تردید شده (کونت کسان) سفیر دولت
روس در (واشنگتن) اظهار نموده که از خیالات
خاطر خطیر اعلیحضرت امپراطوری کاملاً اطلاع یافته
که بدون ملاحظه موقع و تعیین وقت جنگ را جاری
خواهند داشت تاوقتیکه قشون روس مظفر و منصور
شود - واهیهای بلخ در فرستادن قشون جنگ برای
جنرال کرویاتکن) فرموده

§ جنرال (کرویاتکن) بتاريخ دهم وقت غروب آفتاب
تلگراف نموده که در مراجعت و فرار مخاطرات
عظیبه گرفتار بودیم - ولی شکر که بمساعی جبهه قدون
از آن مخاطرات نجات یافتیم

§ مارشل (اوپاما) اسرای قشون روس را زیاده بر
سی هزار مینویسد - و تلفات ژاپون را چهل و یک هزار
§ دیروز ژاپونیان دست از قشون روس را که
معاودت به (پوهو) میکردند - ایر نمودند

§ بموجب رپورتیکه تازه از مارشل (اوپاما) رسیده
حد اسرای روس چهل هزار بوده و همه روزه در
تزیاید است و مقتولین و مجروحین روس را نود هزار
گفته - و روسیان دست و شش هزار لاشهای مقتولین

خود را در میدان جنگ انداخته فرار کردند
§ غیر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد - که تا
کنون ژاپونیان دنبال فراوان میتازند و آنها را تعاقب
میکند - در نواح (تلینگ) جنگ عظیمی خواهد شد
(۶ محرم - ۱۳ مارچ)

§ وقایع نگار (طمس) از (پترسبرگ) تلگرافاً
اطلاع میدهد که جنرال (کرویاتکن) از اعلیحضرت
امپراطور روس استعفا نموده که خدمتی غیر از
سپهسالاری اردوی منچوریا بلو رجوع شود زیرا که از
سدمات محاربه خسته شده قدوی طالب استراحت است
§ رسا خبر رسیده که زیاده بر پانصد توب و دوست

هزار قشون درین میدان بروس قصاب رسیده است
§ جنرال (کرویاتکن) بتاريخ یازدهم تلگرافاً اطلاع
میدهد که من با اردوی دوم هشتم - خصم بر ساقه لشکر
ما حمله برده اردوی سیم (ساتبریا) و اردوی اول
از (تلینگ) هفت فرسخ دور است اردوی سیم بر
راه (مندارن) که از (تلینگ) پنج فرسخ دور
است - مقیم اند خصم بر عقب این اردو با لشکر
مختصری حمله کرده - در آن هنگامه چهل و هفت
هزار و پانصد و هشتاد و یک نفر از پست و هشتم
ماه گذشته تا یازدهم ماه روان مقتول و مجروح شده اند
و ما آنان را بجانب شمال فرستاده ایم -

§ (مارشل اوپاما) اظهار میدارد که ظهر جمعه قشون
روس که عددشان معلوم نیست بجانب (تلینگ) با کمال
بی نظمی پیاده و سواره مراجعت می کردند - در آن
انسانا ما شلیکی سخت بر آنها حاکم کرده قصاب زیادی
بایشان رسانیدیم

§ بموجب مراسله لایکه یوم شنبه رسیده تمام لشکریان
ژاپون بتاريخ دهم در (من هو) مشغول تعاقب خصم
بوده - و این تعاقب در نواحی (مکن) تا یازدهم
با کمال مردانگی جاری بود - هر طرف لاشهای روسیان
افتاده بنظر میرسد -

§ از اخبار روز یکشنبه ظاهر میشود که شصت
توب - دوست هزار گلوله توب و دو میلیون و نیم
فشنگ و اسباب زیادی از اردوی روس بجنک ژاپون
افتاد من جمله اسرای ژاپون جنرال (تکی موف) است
که از جنرالهای بزرگ میباشد

شماره ۲۵۰ - ۲۰ محرم الحرام (۱۲۷۳) - سال هجری ۱۲۷۳ - تاریخ (۱۹۰۵) - صفحه ۲۲

و خوابگاه سلطنت که در سوچیانت (اورل) و (شروز گونی) بود همه را بر باد و تاراج کردند
(۸ - محرم الحرام - ۱۵ تاریخ)

§ همیجا اهل (پاریس) خیال میکنند - که همیشه قرضه روس مبطور شیده و صرافان فرانس به دادن قرض راضی نیستند زیرا که می بینند اعلیحضرت امپراطور از جنگ دست نکشید و این امر مضر بحال ایشان خواهد بود -

§ کالیپکهای بسیاری از سیورسات و قورخانه و غیره که روسها در پنج فرسخ بجانب شمال (مکدن) وقت گریختن خود گذاشته بودند بدست (مارشل اوپاما) افتاد
§ قطار حکالاسکهای اموال غنیمت واپون از اردوی روس اینقدر است که چهار فرسخ راه را گرفته بود
§ بموجب مراسلاتیکه بتاريخ چهاردهم از جنرال (کرویاتکن) رسیده حمله که ژاپونیان بر قاب لشکر دو رودخانه (هن هو) کرده بودند روسها رد کرده و درین حمله يك هزار ژاپونی کشته شد

(۹ - محرم الحرام - ۱۶ تاریخ)

§ به روزنامه (دیلی کرانکل) تلگرافی از (پترسبرگ) به این مضمون رسیده که دولت انگلیس صد هزار لیرا بابت خساره جهاز (نانت کاندرا) که در ماه جولای جهازات (ولادپوستک) غرق کرده از دولت روس می طلبد - و عدمی است که این امر قابل اعتراض و بسیار عجا بود - به سفیر خود در (پترسبرگ) حکم شده که این دعوی را با الفاظ پر زور و قوت بیان کند
§ وقایع نگار (روتز) از (سنگاپور) تلگرافاً اطلاع میدهد که سه جهاز جنگی واپون با يك جهاز فعال بیرون بندر دیروز صبح لنگر انداخته اند

§ وکیل (لاید) از (سنگاپور) تلگراف می زند که بیست و دو جهاز جنگی واپون جانب مشرق در هفت فرسخی دیده شد

§ به روزنامه (دیلی اکسپرس) خبری رسیده که سه جهاز واپون تحت حکم امیرالبحر (دیوا) دیروز عصر حرکت کرد

§ جهاز بیمارخانه (سکستروما) نام - برای همراهی امیرالبحر (روزبولسکی) لوزوفان تبه طنبه، گفته است -

§ در (پترسبرگ) مشهور شده که جهازات امیرالبحر (روزبولسکی) برای کمک دسته سوم جهازات (پاتیک) می رود -

§ تا یکشنبه واپونیان در تمام روسها بودند - و آنان با نهایت حواس ناخستگی گریخته توپهای خود را گذاشتند - ظاهراً اردوی اول روس ادا قابل مقابله با خصم نیست و همه افواجش منتشر شده قوه جنگیدن ندارند و واپونیان با کمال سرگرمی آنها را تعاقب میکنند
§ بموجب مراسلاتیکه یازدهم از جنرال (کرویاتکن) رسیده عده مجروحین روس پنجاه هزار است و نهایت جتی و جلاکی سائر قشون فرار میکنند -

§ به سبب بسیاری رودخانههای صحرای و خرابی سواحل عبور و مرور و حمل و نقل خیلی دشوار است

§ بر عساکر واپون عده زیادی افزوده و تا کنون با کمال سحق شلیک بر خصم میبایند - از ده (رومان) قشون روس هفتصد و شصت و نه نفر باقی مانده است

§ مارشل (اوپاما) خبر میدهد که در نواح (شوق کنگ) عده تلفات قشون روس بیست هزار بود و هزار و دویست کشته در میدان گذاشته گریختند و هشتاد و هفت توپ ماتیفی و سیورسات زیادی بدست ما افتاد

(۷ - محرم الحرام - ۱۸ تاریخ)

§ روسها با کمال اهتمام و عجله بساحتن قلاع تازه برای حفاظت (تلینک) متفولند مارشل (اوپاما) وپورت میدهد که در اضلاع کوهستان جانب شرق شاهراه (تلینک) افسران و سربازان روس جوق جوق آمده خود را باسبری میدهند و تسلیم میکنند - قشون ما در اخراج بقیه فوج خصم مشغول است

§ ژاپونیهها برای اخراج بقیه قشور روس از چین و بسار و شمال (تلینک) کوشانند

§ بسیاری [اتاشی] ملتیرها در مکدن گرفتار شدند

§ واپونیان در تدارک فرستادن اسرای روس ژاپون میباشند تا دریا قابل عبور و مرور شود چهل هزار از [دالی] و جم غفیری از [بن کو] خواهند فرستاد

§ بغاوت در زارچین روس تاکنون فرو نه گشته و در صوبه [کورسک] سه نفر از ارباب جراید و اخبارات را با نهایت بیرحمی کشته و املاک اعلیحضرت امپراطور

شماره ۲۰۰ - محرم الحرام (۱۳۲۲) - ۷۷ مارچ (۱۹۰۵) - صفحه ۲۳۳

رئیسه جنرال (لینویچ) بعهده وی معین شده
 § (کونت و نبلو) وزیر خارجه در پارلمان آلمان
 بیان فرموده که وجهی برای مخالفت آلمان در باب قرضه
 روس معلوم نمی شود - چرا حکم در باب قرضه
 ژاپون هم مداخلت نمی کند - خبری انتشار یافته است
 که ژاپون قرضه تازه از صرافان آلمان می خواهد بگیرد
 § وکیل صرافان فرانسه بدون فیصله امر قرضه
 روس از (پترسبرگ) مراجعت کرد

(۱۱ محرم الحرام - ۱۸ مارچ)

§ صرافان (نیویارک - آمریکا) به محبت صرافان
 (آلمان برای دادن قرض ژاپون راضی هستند لکن
 با شرایطیکه مورث اطمینان آنها باشد

§ خبر (روتز) از (انتانارو) تلگرافاً خبر میدهد که
 چهارشنبه جهازات (روپونسی) از (ناجی) روانه
 شده - معلوم نیست که به کجا می رود

§ ریاست جنرال (روپ) کیسبون مقرر شده که
 در باره تسلیم بندر (آرتور) و قسور و بی قسوری
 جنرال (استال) تحقیقات کامل بیایند

§ اخبارات (پترسبرگ) از مسلك اویای خود منحرف
 شده و برای تکمیل جنگ اصرار و تمجید از جنرال
 (کروپاتکن) می کنند - و نیز قرضی جنرال (لینویچ)
 را مستحسن می شمارند

§ اهالی (توکسو) که درباره پیغمدهی ژاپون
 به جانب (مارین) عدم رضایت ظاهر کرده بودند
 حالا مینویسند که جنگ را باید تا آخر رسانید - در
 شش فرسخی شمال (تلینگ) جنگ جاری است

§ خبر (روتز) از (پترسبرگ) خبر میدهد که
 شرایط استقراض روس دو بیست میلیون (روبل)
 به سود صد پنج از صرافان داخله امضا رسید

(۱۲ محرم - ۱۹ مارچ)

§ جنرال (کروپاتکن) و جنرال (لینویچ) بتاريخ
 هفتم به امپراطور روس تلگرافی داده یکی استفسار
 دیگری منصب سپهسالاری افواج را قبول نمود
 § ژاپونیا (تکومو) را که به جانب شمال و مغرب
 (تلینگ) است قابض شدند

§ پلیس خفیه (مسکو) خیلی آلات حرب و طبع
 و ماشینها و تانک و ایلیپ چاپ و کاغذات و

§ مارشل (لویانا) اطلاع میدهد - همینکه ژاپونیا
 (تلینگ) را متصرف شدند در هر نقطه روسها را
 عقب نهانند -

§ خیال عموم اهل (پترسبرگ) این است که بتاريخ
 یازدهم بجانب شرق (تلینگ) جنگی عظیم شده
 § بتاريخ سیزدهم ژاپونیا (سگم) را متصرف شدند
 § جهازات ژاپون از (سنگاور) لنگر برداشته معلوم
 نیست به کجا می رود ولی چنین است که از دریای هند
 عبور خواهد کرد

§ در بعضی مضافات (کاف) به سبب شورشهای زیاد
 اهالی در محاصره قرار گرفته اند

§ عهدنامه تجارتی آلمان و وحش بتاريخ هفتم مارچ
 دستخط شد

§ در انگلستان باد تندی و ریده طوفانی سخت آمده
 می وشتن قوتتف شدند سیمهای تلگرافی هم خراب
 شد علیا حضرت ملکه که طایم (پرتگال) بودند تا سه
 روز در (پورتسمت) معطل ماندند

(۱۰ محرم - ۱۷ مارچ)

§ خبر (روتز) از (توکسو) خبر میدهد که
 روسها سیورسات خود را در (تلینگ) سوزانیده
 با آنکه سه ربع از آذوقه شان ضائع شد - غنیمت
 زیادی بدست ژاپونیا افتاد - اخبارات (پترسبرگ)
 عده تلفات روس را در جنگ (تلینگ) نوزده هزار بیان
 می کنند - جنرال (کروپاتکن) هشتاد توب و بسیاری
 از سیورسات و قورخانه خود را گذاشت و گریخت
 § بموجب رپورتیکه رسیده جنرال (کروپاتکن)
 هسپار (پترسبرگ) شده است

§ وقایع نگار (روتز) که در اردوی جنرال (ارکو)
 است مینویسد که بعد از جنگ عظیمی (تلینگ) بدست
 ژاپونیا افتاد - روسها با کمال پریشانی وی سامالی فرار
 کردند

§ مظلون است روسها در جنوب (مارین) هم
 اظهار جرات و مردانگی نکنند

§ ژاپونیا در هرصه دو هفته می فرسخ راه را
 طی کرده و قابض شده اند - و در هر نقطه با کمال
 شجاعت می جنگند

§ موخای ژاپونیا جنرال (کروپاتکن) و (پترسبرگ)

جلد سیم از کتاب وقایع تواریخ و وقایع اقالیم سیم

۵۰۰ و پس محمد عبد الرحمن است از جمله خواجه انشا الله شرح حال مهکت در جای خود مرقوم میشود و این شرح را امینی هم در حق عبد الرحمن محمد بن اشعث گوید

بَابُ الْاَلْبَيْحِ فَرَمِجَ كَيْتَدَه
اِنَّكَ الرَّاشِدُ ابْنُ الرَّاشِدِ
لَا اَبَانَ فَبِنِكَ عَنَّا
وَأَنشَأَ عَلَى النَّاسِ كَتَبًا

وخواهر اشعث را که قتل نام داشت رسول خدا تزویج بست و قبل از آنکه او را که خدمت پیغمبر کند و واقع جهان گفت تا آنجا که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود و گوشت امیر شدی نخستین بست کفار بن علی در حجه التنبؤ ده که قبیله مراد قیس را شیخ پدر اشعث را بگشتند و اشعث بخوخواهی پدر از قبیله کنده لشکری دریم آورد و سه لواپست سپاه را سه بره ساخت یکی را از قنای خود داشت بهره دویم را ملازم یکا کبش بن هانی بن شریس بن بشار بن عدی بن سید بن حویه الاکرین ساخت هانی لقب بطع شد از بر آنکه در میدان مقاتلت میگفت بر بنی فلان مطلع شدم و سه دیگر بقشم بن لارقم سپرد که کشتی با بوجیر بود با بجهاد آنکست قبیله مراد کرد و ندوایش از ابدست بناورد پس بر جماعت بنی حارث بن کعب تاختن برد و قتال او در کبش و قشم همان مقاتلت مقول شده و اشعث امیر شد سه هزار شتر نقد کرد و اشعث را که در کوه بندج عربی را قبل از اشعث بعد از او بدین فردونی فدیة نزقة است عمرو بن معدیکرب سیدی بن شمر بن مثنی که به

فَكَانَ فِدَاؤُهُ أَلْفِي بَعْبِ
وَأَلْفِي مِنْ طَرَفَاتٍ وَنَلْدِ

اما امیری اشعث در اسلام چنان بود که بعد از هجرت رسول خدا با خود کنده هجرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلمانی گرفت و بعد از رسول خدا مرتد گشت ابو بکر لشکر بدو فرستاد و او را امیر کرده بدینه آوردند چون قهقهه اسلام او را در کتابت رسول خدا و قهقهه امیری او را در کتابت ابو بکر شیخ رقم کردیم دیگر تکرار بهره چشم با بجهاد از اینجا است که مسلمانان در المعین کنند و کافران بنوطون تند و زمان قبیله او چون هیچ کردار اشعث مورد تکرار گشتند و او عرفاننا خوانده و این کلمه در نزد ایشان نام مردم خادر و خادع است و مراد امیر المؤمنین علیه السلام از کلمه اول علیم الیقین انقضه است ایچو سید رضی رضی الله عنه میفرماید ما قهقهه اشعث است با خاله و لید در بنامه ابن سیم و ابن ابجدید و جز ایشان گویند و هیچک از کتابت بنامه دیده نشده که اشعث با خالد و لید را در بنامه دیدند و من بنده نیز در تالیف کتابت ابو بکر و مطالبه کتب اخبار و تواریخ انقضه اندیده ام لکن چنانم که سید رضی در کتابت دیدار کرده نگار کرده و الله اعلم بالصواب آنجا که امیر المؤمنین علیه السلام میفرماید انا لقریب فذای تونند مراد آنحضرت است این نجات دست اینی کفایت امر خویش توانست کرد که آنکست امیر شود و اگر نه بعد از امیر رقم کردیم که سه هزار شتر نقد کرد و بجای تافت و اینچو فرمود حاکم بن حاکم مراد حاکم اشعث نیست بلکه مردم بلد او بیشتر جو لاهر بودند و او با جولا هکان مخالفت مخالف و اشعث چنانچه خالد بن صفوان در زعم اهل من گوید ما اقول فی فزیم لبس فیهیم الا حاکمک بورد اؤذ اینچو جلد او سائیس فزید ملکنا هم امرأه و تعرفنا هم فاداة و دل علیه هم هذ هذ یعنی چگونه در حق جماعتی که با قنده جاها بردند و در باخت کنند چه مردم اند و این روزینه اند پادشاه ایشان بعتیس شد که زنی بود و ملکت ایشان را موش خود ساخت اشعث را سه بار بست که در عهد عمرو بن حامر فرقی موش سوراخ کرد و شتر ایشان سیل عرم خراب شد چنانچه در جلد اول از کتابت اول نسخ التواریخ بیان از ابرهستان آنرا که شرح گناشتیم در رسول ایشان در عهد سلیمان علی نبی بنا و آله علیه السلام به بود و اشعث را از خواهر ابو بکر ام فروده که زنی داشت و در قره آمد یکی محمد و آن بکر امجیل اکنون بر سر سخن باز کردیم این شهر آشوب کتابت بنامه نویسد که بعد از قهقهه حکیمین و مراجعت امیر المؤمنین از صفین مردمان در کار حکیمین فراوان همی سخن کردند و بسیار کس طریق منال و خوابت گرفت جماعتی از شیعیان بعضی میبایند که

بسم الله الرحمن الرحیم

جیل اللین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

کلیہ امور ادارہ

مدیر کل مؤید الا سلام است

منتظم ادارہ

آقا محمد جواد شیرازی است

ہمدوشنبہ طبع

و سہ شنبہ توزیع میشود

تاریخ دوشنبہ

(۲۷ محرم الحرام ۱۳۲۳)

مصادف با

(۳ اپریل ۱۹۰۵ میلادی)

از ہر کس و ہر جا بلا استثناء اپونہ اخبار

(مقدم گرتہ بر خود)

روزنامہ مقدس

قیمت اشتراک

سالانہ — شش ماہہ

ہند — و برہمہ

۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ

ایران — افغانستان

۴۰ قران — ۲۵ قران

عثمانی — و مصر

۵ عییدی — ۳ عییدی

اروپا — و چین

۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک

روس — و ترکستان

۱۰ منات — ۶ منات

جیل اللین

سنہ ۱۳۱۱

قبل از دریافت نمودن قبض ادارہ

(خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید)

در این جریدہ از ہرگونہ علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود

مراسلات عام المنفعہ مقبول و در انتشارش ادارہ آزادست

فہرست مندرجات

- سیاسی • شیراز • تاریخ حرب ژاپون • مکتوب
- از طهران • مرآت زشت و زیبا • جغرافیای ایران •
- مکتوب از دزفول • شرشتر • بنادر و حدود
- بلوچستان • مکتوب یکی از فضالی جلیل • اعلان •
- ایضاً • مکتوب از تبریز • جبل اللین • مکتوب از
- طهران • سواد دستخط ہاپون • جبل اللین • مکتوب
- از اسلامبول • جبل اللین • تلگرافات • تخریہ داری
- کلکتہ • روانگی • کلکتہ •

سیاسی

از جہت مسائیکہ در طریق سیاست خالی از اہمیت
نشان گفت ہما مسافرت اعلیحضرت امپراطور آلمان
بہ بندر (ناہیر) کہ از بنادر (مراکو) است میباشد
ار وقتیکہ دولتین انگلیس و فرانس اتحاد نمودہ
انگلیس حقوق مروجہ فرانسہ را بر (مراکو) تصدیق
و فرانسہ حق حاکمیت انگلیس را بر مصر تسلیم کردہ
فرانسہا دواسبہ در تصرفات غیر مشروعہ (مراکو)
تاختن گرفتند — بدوا بہ تدابیریکہ ہمہ اروپائیان را ملکہ
است اقتضائش در داخلہ (مراکو) انداختہ برخی مفتین
را برخلاف سلطان برانگیختند و آن میان بعضی از

اموال فراسویان بشارت و چند قر از کشتیان نیز
صدمہ یافتہ یا عمدتاً برای پیشرفت مقاصد بلیک دولت
خود را بصدہ انداختند — فرانسه کیسیون بہ پای تخت
(مراکو) فرستادہ تا اندک اندک اقتدارات سلطان را
کم و اختیارات خویش را در اندرون ملک پیش نماید —
اہالی (مراکو) کہ ازین نکات نیکو واقف بودند بر
مخالفت سلطان قد علم کردہ سلطان را مجبور نمودند کہ
تمام ملازمین فرانسوی خود را جواب گفتہ کشتیان و
وطایب فرانسہ را از (مراکو) بیرون نماید — طاقت کیسیون
فرانسہ را با آن ہمہ اقتدار و امید و ارمان کاری از
پیش فرقتہ مایوس و محروم ماند

از آن راہیکہ سلطان (مراکو) نیکو میدانست کہ
معاودت کیسیون باین وضع فرانسہ را موقع بہانہ جوی
بدست دادہ بقوہ جبریہ اقدام عودہ سلطان (مراکو)
را نیز ہم خوابہ ملکہ (مدیکاسگر) خواہد ساخت —
بناچار ملتی امپراطور آلمان گردیدہ قبصر نیز سیاحت
(ناہیر) را مصمم و سلطان از پای تخت بہ (ناہیر)
برای پدیرائی می آید —

اگرچہ اخبارات آلمان بطریق رسمی و نیم رسمی
می نویسند حکمہ مسافرت اعلیحضرت امپراطوری بہ
(ناہیر) مبنی بر بلیک نیست ولی دانایان رموز سیاحت

را مصمم شود و یا از جمیع حقوق موهومه تلخوش که در (مراکو) تصور بود در گذرد هر گاه دولت آلمان سررسق از (مراکو) باید انگلیس را نیز نقصانات آن و آن سیاسی بسیار است چه انگلیسان هم در (مراکو) تا اندازه برای خود حقوق قرار داده فرانسه هم تسلیم نموده است. هر گاه آلمان در (مراکو) علناً دست اندازی بمقوق فرانس و انگلیس نماید چون انگلیسان رقیب بزرگ خود را در اروپا آلمان تصور میکنند باید نیست فرانسه را به تأییدات خود امیدوار ساخته بر مخالفت آلمان بر انگیزاند. درین صورت ایتالیا و استریا نیز بمناسبات سیاسی که شرحش درین مقام مورت اطناب است در همراهی با آلمان مجبوراند. و همان مقاصد و مسامی اولیه سیاسیون روس که شور جنگ را در مغرب مشعل دارند بر آورده خواهد شد

در این که روس در اجرای این مقصود و ازدیاد این مخالفت منتهای سعی را داشته و دارد جای شبه نیست و ازینکه انگلیسان هم کوشش خواهند نمود که درین موقع که رقیبشان مضمحل شده قوای خود را حفظ کنند وظایف برگیرند محل تردد نبیاشد باید دید که تیر تدبیر کدام يك ازین دورقیب به هدف تصادف نماید دولت انگلیس سوداگر است حتی در معاملات سیاسی صرفه تجارت را از دست نمیدهد چنانچه در جنگ ترسوال از صرف هزاران ملیون ایرا اغراض نه نمود چرا که معادن و زرخیزی آن سرزمین جاغالی آن نقصانات را بر می نمود. ولی در جنگ سوطالی چند ملیون که نقصان دید ودانست حکه زاده بر این خساره ازین بیابان تق و لقی باید نتواند شد بازگشته دولت ایتالیا را در مصالحت با ملای مقتون محرك آمد با این صرفه جوتی مشکل است بگذارد که این موقع در اروپا جنگی پیش آید چه ممکن نیست بین فرانس و آلمان جنگ بشود و شراره اش دامن انگلیس را نگیرد. آنچه مشهود است قوای آلمان بر فرانسه اگر (دول) جنگ نمایند غلبه دارد و ازین و بعد ازدیاد قوای آلمان در اروپا مورت خطر عظیم بر انگلستان است بدین مناسبات هر قدر دولت روس سعی در افروختن نیران جنگ نماید انگلیس در خودگی آن کوشش خواهد کرد. و میتواند شد که فرانسه را هم بسکوت وا دارد

نیگو میدانند که این اعلانات خود مبنی بر بتیک است و مسافرت امپراطور اعظم آلمان به (تانیجیر) آنهم در چنین موقعیکه کیسیون فرانسه تا کام معاودت میباشد خالی از ملاحظات سیاسی نتواند بود

این مسئله متفق علیه سیاسیون است که هر گاه دولت فرانسه اتحاد روس را وسیله آسایش خویش قرار نداده بود دولت آلمان دشمن دیرینه خود را تا ایندرجه فرصت خود سازی نمی داد. قائده اتحاد روس برای فرانسه همین نکته اهم بود و این همه منافیکه روس باسم استراض از فرانسه حاصل کرده در سایه همین مسئله بتیکی بوده است. فرانسه از یکطرف دید خواهشات روس باسم استراض زر کم نمی شود و از جانب دیگر ملاحظه نمود که با رقیب وی نیز در پرده ساز دوستی میورزد. از خوف آنکه مبادا در حقیقه آلمان و روس بهم ساخته کار او را بسازند. درین گیرودار روس بجهتک اقصای شرقی با دولت انگلیس که دشمن دیرینه اوشناخته شده بود ساز اتفاق زد. دولت انگلیس قائده که از تصدیق حقوق حاکمیت وی بر مصر میخواست حاصل نمود و نفوذ موهومه او را بر (مراکو) تسلیم کرد. بهجریکه فرانسه در ادای قرضه اخیره روس که سی و دو ملیون لیرا بود ابا و امتناع نموده روس عنان خیالات دیرینه آلمانرا بست نموده امپراطور نیز مصمم حرکت به (تانیجیر) شد. نه تنها این خبر در پاریس ولوله افکنده بلکه سیاست جمیع اروپا را متزهزع ساخته است که (هزاران نقش اندر پرده باشد)

اگرچه دولت فرانسه فوراً جلوبندی ازین حاده اهم سیاسی نموده یعنی مجدداً بادی قرضه که روس خواستگار بود رضا داده آغاز بگفتگو و شرایط آن شده است. ولی باز هم نمیتوان گفت که مسافرت امپراطور آلمان در (مراکو) اثرات سیاسی خود را در اروپا نچشد این امر از مسلمات اولیه است که دولت روس برای آنکه قوای خویش را در اقصای شرقی باخته و در تساوی و اعتدال قوای دول فرق کلی حاصل آمده مانده و سامی است که در اروپا نیز جنگی پیش آمده شاید این معنی پرده بر روی قوای مضمحل او افکند. مسلم است که اگر امپراطور آلمان (مراکو) را تحت حایه خود آورد با فرانسه باید برای حقوق خود جنگ آلمان

نخواهند آرید .

جنگ (مکن) اندازه اهمیت پیدا کرد که احدی را در تصور نبود دولت روس از دهنه دریاچه بیگال تا برسد پدرا (شاهو) دارای هفتصد هزار لشکر بود احدی تصور نمیکرد که دولت روس با این مسافت پیده بتواند این قدر لشکر با جمیع لوازم مهیا دارد اگرچه جزل (کروپاتکن) خود را از محاصره خلاص کرد و نیکو فرار نمود ولی این اردوی بزرگ را تار و مار ساخت

یکی از اخبارات انگلیسی از قول (مارشل اوپاما) می نویسد که ما میتوانستیم جمیع اردوی روس را محصور داریم ولی چون قشون ما کمتر از او بود محاصره آنها را صلاح ندیده بانتقارشان مصمم گردیدیم و همان نتیجه که از محاصره برای ما حاصل می شد ازین انتشار با نقصان کم طرا حاصل تواند شد و ازین اردوی بزرگ تا برسد به (هاربن) خیلی حکم باقی خواهد ماند - چنانچه از حرکات روسیان و نقشه ژاپونیان این نکته بخوبی ظاهر می شود تا کنون تخمینه نقصانات روس رسماً اشاعت نیافته ژاپونیان نقصانات خود را بالغ بر پنجاه هزار نوشته اند نقصانات روس را اضافه بردویست هزار از جنگ (مکن) تا امروز يك سدو بیست و پنجهزار لشکر روس اسیر ژاپون شده یکی از اخبارات انگلیسی می نویسد از ابتدای جنگ تا کنون صد و هفتاد و شش هزار لشکر اسیر ژاپون شده و هنوز معلوم نیست که تا برسند به (هاربن) چه قدر اسیر شوند جمیع ارباب حل و عقد متفق علیه میگویند هر قدر دولت روس درباره صلح تکامل ورزد شرایط ژاپون سخت و نقصانات او پیش خواهد بود این امر از تصور خارج است که دولت روس بتواند در اقصای شرق غلبه بر ژاپون جوید تا کنون قوای ژاپون در برده استتار است و معلوم نیست چه قدر لشکر و مهمات جنگی بتواند در میدان آرد - دولت ژاپون مهمات جنگی که از روس غنیمت گرفته اندازه است که کفایت جنگ بسیار بزرگی را تواند کرد از ابتدای جنگ تا کنون دو هزار و سیصد و سی و يك هزاره توب بزرگ و کوچک غنیمت ژاپون شده که امروزه در میدان جنگ بکار می رود ازین میزان میتوان سائر

چه فرانسها بسیار جلف و زود از جای خود در میروند و همین که زمین را سخت دیدند زود هم پس می اندازند چنانچه در مسئله (فشارو) و اختلاف مسقط با انگلیس مشهود طلبان گردید - ولی چون آلمان مستعد و مترسد چنین حرصت است هرگاه فرانسه در ماده (مراکو) اندک جانی نماید آلمان رها نخواهد کرد - هر صورت (مراکو) از احتیاجات آبی فرانسه نیست خواهد یافت ولی ثابت برای او آلمان و فرانس يك حکم داوند (چه دیدم ثابت گرگم تو بودی)

فتح (مکن) و انتشار اردوی روس بدین وضع غیر منظم جنگ اقصای شرق را خفته نمود - سرداران ژاپون قسماً اردوی روس را منتشر نمودند که در (نیتنگ) که دارای استحکامات طبیعی و مصنوعی بسیار و نالی لیاقوانگ بود استقامت نتوانستند نمود و بيك حمله مختصر (نیتنگ) را نیز از دست داده در بیابانهای منچوریا حیران و پریشان و پراگنده ماند و لشکریان ژاپون از هر طرف آنها را تعاقب نموده بجانب (هاربن) رهسپارند و تا (هاربن) مانی برای قشون ژاپون نیست و گمان نمیرود روسها با اینکه از دیر باز استمداد آنها دیده اند بتوانند خود داری نمود - چه لشکریان روس همه مرعوب شده چهارده ماه است همه روزه يك گونه شکست خورده و در يك میدان شاهد فتح را در آغوش نکشیدمانند جمع اخبارات متفق الکلمه مینویسند که نگاهداری (هاربن) برای دولت روس در (هاربن) در جلوگیری ژاپون منحصراً آن است که دویست هزار قشون کک از روسیه با آنها برسد و همین نیز امریست بسیار دشوار که فوراً دولت روس میتواند دویست هزار قشون یا مهمات کافیه آن در برابر چنین خصم مستعدی برساند - لذا عقیده ارباب بصیرت این است حکه (هاربن) را در کمال سرعت ژاپونیان متصرف خواهند شد و تا کنون لشکریان ژاپون نیمه طریق هاربن را طی و از چهار طرف دعوات و قری را از خصم يك نموده و با نظام تمام و مهمات کافی دشمن را تعاقب مینمایند و اینک قریب يك ماه است که متوالیاً جنگ برپاست و تا (هاربن) مسخر نشود اردوی ژاپون از حرکت نخواهد افتاد و لشکریان ژاپون

شماره ۲۶ (۲۷ عرم الحرام، ۱۳۲۳) - فصل اول در مورد جنگ - ۳ اپریل (۱۹۰۵) - شماره ۲۶

غنايم ژاپون را تصور کرد

درب و هيت ژاپون بر قلوب حرج دول اروپا نقشه گرفت از يکطرف آلمان زبان به تعلق گشوده از طرف ديگر فرانسه طوش آمدگو شده انگليسيا که از آغاز جنگ ميدان داراو بودند حالا خواستگار اتحاد ناوي با ژاپون شده که انگليس ايران و افغانستان را به بلندو ژاپون چين را ژاپونيا سکوت نموده جواب هيچيک را نميدهند ولي سياسيون ميدانند که ژاپون را مقاصد کليه مخالف است با انگليس که اول رقيب انگليس در آسيا اوست هرگز از اين و بعد سازمواخت نخواهد زد و عقد اتحاد نخواهد بست آن اتحاد را هم که برای مدت معين با انگليس عود محض آن بود که در قواي دول اروپا تجزيه اندازد و نتواند مانند کاه گرگ توام بر او حمله نمايند گذشته بر اين دولت انگليس را از آن اتحاد چه فائده حاصل شده از آن اتحاد هم ژاپون فائده گرفت

و اگر تصور شود که رقيب انگليس روس مضمحل شده از کار عقب ماند رقيب ديگر قوی تر از روس برآ و بجز برای انگليس يفا شد - خيالات بلند ژاپون فقط محدود در شرق الشرق نيست اين دولت جوان آسيای ملك الملوك خود را بر جميع آسيا مسلم خواست است و جز انگليس رقيب ديگر در آسيا ندارد - جاعق از سياسيون و اعتيده اين است که سومين جنگ ژاپون با انگليس خواهد بود اين مسئله کی بوقوع رسد تعيينش دشوار است ولي بعينايکه ژاپونيان دوايه بيدان ترقی ناخته تخمين ميتوان نمود که داخل ده سال منتظر چنين حادثه عظمی بايد بود - کسايکه مذاق بلتيک دارند و از وضع زمان واقف نيستند ميدانند که هيچگونه مهادنه و اتحاد بين دول مانع از مقاصد سياسيه نافه بحال خودشان نتواند بود - انگليس ها نیز اين نکات را بخوبی ملتفت شده ولي چاره تير از شصت رها شده را نتواند کرد و از ابتدا تا اين درجه قدرت و قوت را در ژاپون تصور نميکردند - يقينه خودشان دو سه سال جنگ طول کشيده هر دو از قوت می افتند هرگز تصور اين نمی نمودند که تا اين درجه ژاپون بتواند بروز قوت داده بسرعت تمام اين جنگ بزرگ را خاتمه نمايد و در جنگ همه قسم بر قواي خویش بيفزايد و آخر جنگ قوی تر و نامتلاز از اول جنگ باشد

عك نيست که جنگ اقصای شرق ها قريب منجر

بصلح می شود اگر چه اين خبر تا کنون رسمی نشده ولی ظاهر است که روسها قوت اينکه اين جنگ را تا دير باز با ميده فتح برقرار داشته ندارند - و هر قدر دير تر اقدام بصلح شود شرايط ژاپون سختتر خواهد گرديد - واضح است که اگر شرايط ژاپون قبول شود دولت مشارالها هم عذري در صلح نخواهد داشت هنوز در شرايط صلح بحث نشده ولی همین قدر معلوم است که شرايط ژاپون خیلی سخت و شديد است و کليه اقدار روس را از اقصای شرق معدوم خواهد ساخت

هرگاه صلح سمت رسميت حاصل نکند آ وقتي که ژاپون (هاريو) را نیز متصرف شود برآ و بجز (ولاديوستک) را نیز ژاپونيان محاصره خواهند نمود استحکامات (ولاديوستک) مثل (آرتر) نيست تخمين نوده اند چند هفته پيشتر محاصره او طول نخواهد کشيد در آن صورت شرايط ژاپون خیلی سخت خواهد شد - معلوم می شود حدسي را که ما در آغاز حرکت جهازات بالتيک زده بوديم مقرون بصواب بود که حرکت اين جهازات فقط برای مرعوب داشتن خصم است نه آمدن به اقصای شرق اينک چهار ماه است جهازات بالتيک حرکت کرده طی نصف مسافت را نه نموده اند هرگاه (ولاديوستک) را هم ژاپونيان بگيرند ديگر بندي که در اقصای شرق اين جهازات بتوانند خود را حفظ نمايند بدست روس باقی نخواهد ماند - یکی از اخبارات انگليسی می نويسد که ژاپونيان قوت جهازات بالتيک را فائده که تاب يك حمله آنها را ندارد از بين رو در تسخير (ولاديوستک) سبر نموده که قطع اميد روس نشده شايد جهازات (بالتيک) را در اقصای شرق گسيل دارد چه دخول آنها بدریای چين برای ژاپون مفيد است زیرا که نصفش برباد می شود و نصف ديگر آن بقبضه ژاپون می آيد مانند جهازات بندو (آرتر) - مانايان روس چون اين نکته را نيکو دانسته نهمجيج در حرکت جهازات می نمايند چه اگر جهازات بالتيک نیز تباه شود از قوت روس در اروپا خيلي خواهد کاست و نقصان اين نیز از شکست اقصای شرق برای او کم نيست - با اين همه جهازات جنگي ژاپون باستقبال آنها شتافته پست وسه جهاز با نايب انيرالبحر از سنگاپور گذشته و معلوم نيست بکجا ميروند هرگاه جهازات بالتيک قصد دريای اقصای شرق نمايند جنگ در بيرون دريای چين خواهد شد و برافت حاصل خواهند نمود

شیراز

چندی قبل از جانب دولت علیه ایران منع حمل کالیچه جوهری و تریاک کهنجیده دار رشا به تجار اعلان شد - حضرات تجار جمع شده بتوسط معین هایون که رئیس تجارت فارس است از حضرت ولا استدعای سه ماه مهلت نمودند شاهنشاهزاده محض مرحمت و مهربانی که به عموم اهالی دارد خصوصاً به تجار از اعلی حضرت هایونی سه ماه مهلت تلکرافاً استدعا نموده از جانب دولت نیز اجابت شد مگر به طایفه دیگر اجمال قبیح خانمان سوز بر باد میکنند تجارت و نام ملت قدیم ایران بر قرار باشد تا اینکه زیاده از صد کالیچه جوهری و تریاک کهنجیده دار ندارد دیده پیش از مدت حل نمایند و بقول خودشان از اینستون به آن ستون فرج است - خبردارند که الحداقه نه دولت آن دولت است و نه صدارت عظمی آهدارت که در یکفته چهار و پنج نسخ و منسوخ تلگرافی فرستاده شود خوب است جنابالی که امروز خیرخواه دولت و ملت ایران هستید در نامه مقدس از ضرر امتنا قلب و منفعت امتنا خوب و توسط تجارت ایران درج فرمائید که بلکه این آقایان قدری متنبه شده پیش ازین اسباب ضرر خود و بدنامی دولت و ملت را فراهم نیاورند اگر چه بارها در نامه مقدس اینمطالب درج شده یازم تکرار فرمائید عیب ندارد و فریاد جنابالی ملت را از خواب غفلت بیدار میکند - تعجب درین است که کهنجیده داخل کرن تریاک ایران را حضرات تجار چینی و ژاپنی درست فهمیده بودند تا چند سال قبل تریاک ایران کم و بیش فروش میرفت تا اینکه چندی قبل یکنفر تاجر ژاپنی وارد شیراز شد آقایان در حال اقتضار و خود بانی تاجر مذکور را بردند بر سر دستگاه تریاک ملی کهنجیده را حضوراً داخل تریاک نغان دادند و از آنوقتیکه تاجر ژاپنی داخل کردن کهنجیده را به تریاک دید و رفت تریاک ایرانم و مانع

آخرین گفت

(ایضاً)

چند روز قبل در کاروانسرای کرک ماورد مخصوص گذاشته شد که از هر بار قاطریکه از پوشهر وارد شود سی شاهی و اولاخ بکفران راه داری بگیرد و بگیرند و در راه پوشهر ارتفکچیهای سیر راه خلی بر اعتدالی میشود

الحداقه بارانهای بر منفعت بار بداینکه از تدابیر محکرمین در قیمت اجناس تفاوتی پیدا نشده است

(ایضاً)

خروج پوست بره از جانب دولت علیه غدغن سخت شده گویا کرک سختی و سنگین بر آن گذارده اند و پوست بره های پارسال در بازار مکاره بجهت جنگ شرق اقصی فروش نرفته از هر جهت احوال پوست بره خلی تزلزل دارد از این رو گوشت امسال در شیراز ارزان است یکمن تبریز چهار قران لیکن فراوان است و روغن یکمن تبریز چهارده قران دو شاهی . . .

یکنفر از اصالی بادکوبه سید مرتضی نام بزم مکه وارد شیراز شد با سپورت مرور از قولل بغداد روسیه در دست دارد و در با سپورت اسمش مرتضی نوشته شده و دو پسر ده دوازده ساله همراه دارد یکی اسمش جهیشیل و دیگری اسرافیل امبدواریم که انشاء الله مسلمان باشند و از چند نفر از اهل اصفهان و مابین پول نقد و نخواست گرفته و وعده مکه با آنها داده و از کسبه بازار خلی خواه گرفته است بعد معلوم شد کلامش مکه پول دارم و مکه مردم بود - باری بجهت تارص شدند بعد از گفتگوی زیاد نصف و ثلث گیر طلبکاران آمد اینهمه ضرر های دولت و ملت از بر قانونی است زیاده چه عرض کنم

تاریخ حرب ژاپون

(از شماره ۲۵)

تعلیقات

تویمان کله ژاپون بانوهای ۱۲ - ۱۵ - ۲۱ - ۲۸ - تا نیم مزی جدید الاخراج و ثوب های قدیمی غیر معروف مطلع میباشند

شماره ۳۶۳ خرم الملام (۱۳۶۳) **تاریخ نظامی و اداری ایران (۱۳۰۰)**

(سنگ استحكام)

عساکر کلک دار و آتون که صنف استحكام نامیده میشوند سیزده فوج است که یکی گمانه و سایرین تفویض و هر فوج دارای سه بلوک است

تشکیلات افواج استحكام در وقت حشر بر وجه آتی است

(يك بلوك عساکر استحكام)

اسب	تایین	ضباط	
۰	۰	۱	سلطان - یوزباشی
۰	۰	۱	باب اول و دوم
۰	۱۱		ضباط کوچک
۰	۶۲		ساحبان معاش
۰	۱۴۹		تایین
۰	۰		اسب
۰	۵۱۶۰		جمع

(يك فوج استحكام)

اسب	تایین	ضباط	
۴	}	۱	کرماندان فوج
۴		۲	پاور (قول آغاسی)
۴		۱	طیب
۴		۱	کاتب
۱۰	۳۹		تایین
۱۰	۱۶۰	۱۰	۳ بلوک
۱۹	۵۲۶	۲۰	

در هنگام سفر بلوک عساکر است از پنج ضابط و دو هیئت و بیست توپچی و پانزده اسب در آنتهای سفر بر می در هنگام صلح تمامی آنان از عساکر احتیاطیه انکال میشود و بقیه ازین هر وقت فوج استحكام يك بلوک ذخیره و يك بلوک احتیاطی علاوه میشود و سیزده فوج دو بلوک بنام عساکر استحكامیه محله تشکیل میشود که هموم تشکیلات استحكامیه من حیث المجموع بر وجه آتی است

بلوک	فوج	
۲۹	۱۲	۱ فوج استحكام نظامی
۱۳		بلوک های ذخیره
۱۳		بلوک های احتیاطی که از افراد جدید احتیاطیه تشکیل میگردد

بلوک های احتیاطی
فوج
استحكام عساکر نظامی
۱۹

تاریخ نظامی ایران در عهد قاجار

در فرجه‌های استقامتی دارا و قریب ساری هم میباشند که مرفقه از آنان میتوانستند بی جایی که مدوچیل و چهار مغز طوایف باشند بنا کنند و آلات بی هنگام لزوم از یکدیگر باز میبود و هر وقت که اقتضا نماید هم وصل میبود.

بیت بی ساند ما در وقت سفر عبارت از شش ضابط و سیمه و سینه و پنج قروس و چهار اسب سواری و صد و هفتاد و نه اسب اراجه و صد و هفتاد اراجه میباشد.

(عساکر مخصوصه)

اردوی عساکر واپوزا که خاصه مینایند مرکب از صنوف مختلفه آتیه است

بلوک	یک فوج راه آهن که عبارتست
۴	دسته تلگرافچی
۱	حیث بالوچی
۱	حیث عساکر جبهه اخبارات با کپوتوان یکگانه
	تشکیلات دائمه حصه عساکر سابق الذکر بوجه آتی است

(ترتیب يك بلوك راه آهن در حصر)

ضابط	مهر	
۱	۰	سلطان
۴	۰	نایب اول و دوم
۱۲	۱۲	ضابط کوچک
۱۴	۱۴	باطمیان
۹۶	۹۶	تیمدار
۰	۰	اسب سواری
۰	۰	
۰	۱۲۲	جمع

(ترتیب حصه يك بلوك تلگرافی)

ضابط	مهر	
۱	۰	سلطان
۶	۱۵	نایب اول و دوم
۰	۱۴	ضابط کوچک
۰	۹۶	باطمیان
۰	۰	کلیک دار
۰	۰	اسب
۰	۰	
۰	۱۲۵	جمع

این عساکر فنی در حضر تحت نظارت و اداره رکن حرب عمومی میباشد جبهه تطبیق و تربیت در نوکیر کرد آمده و افواج خود را تشکیل و اجرای وظایف ببردازند و جبهه افواج راه آهن ساز قریب نوکیر راه بطول چهار کیلومتره خصوصاً بنا شده که در روی همان راه لوازم مختلفاً متحرکه و ثقلیه و دیگر چیزها در استعمال و تطبیق میباشد.

شماره ۲۳۶ - ۷۷ - مجله علمی - سال هفتم (۱۳۷۳) - زمستان - شماره ۱۰۰ - ضمیمه

همه ساله در وقت معین جبهه ده ماه متقی و تعلیم نمودن هر فوج استقامتی بلافاصله از عناصر خود را که عبارت از ارباب کوچک و دو نفر باستانی و عشق الی ده نفر کتک دلو بوده باشد میفرستند به توکیو جهت فوج راه آهن

و همه ساله تدریسات تلگرافی هم اجرا میشود و بدین نوع توپچی - سواره و توپچی قلعه و ضابط استحکامی هم مداومت و تحصیل مینمایند و مدت تحصیل فن تلگرافی ده ماه است علاوه برین ضابط و صاحب منصب کوچک توپچیان قلعه و استحکامی هم مدت یکسال و نیم در فنون تلگرافی تربیت و تعلیم میشوند شاگردانیکه مشغول تحصیل فن تلگرافی میباشد استعمال ماکینه تلگرافی را و زدن و گرفتن تلگرافی و با استعمال تلفون و اشارات بصریه و رسدیه مخابره نمودن را و جبهه مخابره تأسیس نمودن و سائط مختلفه و عندالاجاب تخریب آنها یا تخریب و سائط مخابره دشمن را تماماً تحصیل مینمایند

و از ایشان هر آنکو بطور مطلوب تکمیل تحصیل نمود معلم بلوک یعنی دسته های مخابره مینمایند در ۱۹۰۰ میلادی در مخابره چین و ژاپون همراه اردو یک دسته (بالونچی) آورده بودند و در هنگام حربه تجربه نمودند و چون از نتیجه آن بطور قطعی قانده برده (بالون چی) را قبول و داخل اردوهای خود نمودند

در اثنای سفر بری فوجهای راه آهن ساز و بالونچی و ممالان کبوتر های عسکری و کلنگ دارها عناصر لازمه عساکر ساوه را تأسیس مینمایند

هر باوک تلگرافی قطعات مفرزه عساکر یک دسته کوچک تلگرافی علاوه هم میدهد (باقی دارد)

مکتوب از طهران سروش یکی از اثنای وطن

برادران عزیزم - این وطن گرامی را گذشتگان ما سبهای خون خود حریفه برای ما بارش گذاشتند - هرگاه بدقت در خاک وطن شکریم عشق از آرا پیدا سوانیم کرد که آغشته بخون نیاکان ارجح ما نباشد - در مدافعه و محافضات این خاک پاک چه جایای عزیز تلف شده است وقتی چهار طرف ما دشمنان قوی بجه بود احداث مالی نژاد ما با آنچه دشمنان ما و روز دست در گریبان داشتند تا ساحت وطن را پس از هزارگونه جفا شایمها از خارهای تسلط بیگانگان که دشمن همه چیز ما بودند پاک کردند و همواره بدین ترانه مترنم بود

(در نغمه است ایران که ویران شود)

همچنانکه ما امروز در تاریخ اہم پیشین نگریسته می بینیم که ز خون نری های آل جنگیز و طرابهای آن قوم وحشی بی تمیز که در حق وطن و نیاکان محترم ما روا داشتند تا جاییه متاثر میشویم البته اخلاف ما نیز آریخ زمان حیات طرا خواهند دید - اسکنون

ناید روزی سداها بوضع زندگانی خود شکر کنیم و بسمر و دوات پادشاه دادگر ایران زمین که دولتش پاینده باد دعا گوئیم و وقت را غنیمت شمرده وضعی حرکت نایم که از خودمان مسیبت نماند برای ایشان بپیرایه نگذاریم - تفاوت آن زمان تا امروز خیلی است حالا وضع زمان پیش از آنچه تصور آید تغییر یافته اوقه نامی روی زمین نسبت با امروز وحشت آباد بود لهذا نیاکان ما معذور بودند که نتوانستند سدی در مقابل سیل های بیابان کن بسازند - ولی امروز آفتاب هدایت هم جارا فرا گرفته هر طایفه میتواند از تابش آن فیض برد لهذا در ماوا اخلاف بیچوجه نخواهند پذیرفت

بدیده اصناف نظر کنید و بنید که امروز در همه عالم حق و حساب است و تظیفه و تکلیف حکم و محکوم معین است مگر ایران - در هر مملکتی مالیات دولت مساوات تقسیم شده الا ایران - رعیت مردواقی مالیات معین خود را بوقت و هنگام برده در دستگاه حکومت مالیات تحویل میدهند بگرمایه در هر مملکتی دولت و ملت در حفظ وطن مشترک حرکت مینمایند الا ایران - پس چاره رفع اینهمه ناامنیات را پیش از آنکه فرست

شماره ۳۶۶ - ۲۷۰ محرم الحرام (۱۳۲۴) - سال دوازدهم - ۳۰ آوریل (۱۹۰۵) صفحه ۶۹

فوت شود باید کرد - اینها که گفته شد افسانه و خواب و خیال نیست مطالبی است که همه روزه همه ضحک می بیند دوستان از دیدن این اوضاع ناموار اند و هناك و دشمنان شاد میشوند و نام بلند ملت قدیم نجیب را تسمخر یاد نموده در تیاتر ها و تئاتر ها شبیه این اوضاع را می نمایند آیا رواست که این همه مذلت را بر خود روا داریم و قدیمی بسوی ترقی و تمدن برداریم و باصلاح این تاملات نپردازیم

مصائبش نتوان گفت از هزار یکی از آنچه ذکر شده صد هزار چندانست بدیهی است که اگر از چندی قبل هر ظلم دیده از دست ظالم داد میزد و فریاد مینمود و ظلم را بر خود و دیگران نمی پسندید و ظلم نبدگان هم در باره مظلومان بی پروائی نمیکردند و روزنامه نویس مشهورات خود را از نیک و بد بی غرض و مرض نوشته انتشار میداد هر آینه امروز نای این امراض مزمنه وطن روی بهبودی گذاشته مزاج ملک و ملت از اسقام و علل شنا یافته بود

افسوس که امراض نفسانی سابقین از رجال سه تمام طرق ترقی را کرده و بجز خودی همی برای ملت ابرامیه و دولت اسلام نمیخواستند - ولی چندی نخواهد گذشت که خود برای العین خواهند دید که هر چه کرده بخود کرده اند و وبال همه کارها بخود شان راجع خواهد گردید بی نوع انسان را تکلیف آید که همیشه طالب ترقی و تمدن شود اسباب آزادی خیال و فکر و قلم خود شان را بشرط عدم تجاوز از دایره ادب و انسانیت بهر نحوی که دست دهد فراهم بیاورند تا بتوانند در میان اقوام سایر بر بلندی زیست کنند هرگاه برخلاف این حرکت کنند در نظر ملل دیگر خوار و پستندار خواهند شد این مطلب محتاج به ثبوت نیست و چون آفتاب روشن است و ترقی اقوام مغرب زمین را می بینم که از میان آن آچه بیه باقتضای زندگانی میکنند اگر از روی تجسس دو بی تحقیق اسباب آن ترقیات باشیم خواهیم دید که بجز از آزادی افکار و قلم چیزی نیست

توانع است ملتی که بطور لایق تحصیل و تربیت بیند و بهره کامل لذت علم و هنر و تمدن اوله ملت

باشد و آزادی افکار و قلم نیز بر آن بیفزاید هر آینه از هر جهت نیکبختی دواسبه بسوی آن ملت شتاب خواهد کرد - واقعا آنانکه اندکی محبت درد وطن در دل دارند اگر بنظر دقت ملاحظه فرمایند خواهند دانست که این وزیر بسپارک تدبیر یعنی شاهزاده صدر اعظم چه زحمات فوق العاده متحمل میشود تا آن حدی را که خاتین دولت و ملت باین وطن رسانیده رفع فرماید در حقیقت روح تازه با بدان هموطنان هنرزد دوید

بهین جهت است که عقلا فرموده اند از وزیران بد برو بگریز • که بدزدند رای سلطانرا نعمت شاه میخورند و زکب • میفزایند کفر و طغیانرا همه دیوانه و زندهو برای • تیره دارند روی دیوانرا گر امینان حضرتند چرا • همه بر باد داده ایان را نکند شه برای ایشان کار • زانکه رای کجاست ایشانرا شهسپان عصر و از دودیدر • بی نیازی بود سلیمان را آصف برخپای شاه کجاست • تا به بندد بیند دیوانرا اصلاحات مملکت بزرگی البته محتاج بزمان مدراست این امر حلوا نیست که در یکساعت بخت و بخورند چنانکه دولت ژاپون مدت سی سال تمام مشغول اصلاحات بود و کسی خبر نداشت برویش برده کشیده بود پس از آنکه کارش را بنکونی ساخت بیکبار آن برده را برانداخت آنوقت اطرافیان دیدند که جای آن ظلمت آباد را انوار ترقی و تمدن فرا گرفته جهل و نادانی از آنجا بار بسته دانش و پیش بجای او نشسته است - این را هم باید دانست که سبب ترقی همی المقول ژاپون از جهة اینست که فرد فرد ملت حسن و قبح اعمال خودشان را فهمیده و دانستند که دو چیز در حکمرانی مصر و علاجش بسی مشکل است یکی تسلط و حکم از روی بیعدالتی و دیگر اسباب تحمل و زینت که دورث تخریب اساس دولت و سستی ملت است بی هنگامیکه سران را عادت بر این جاری شد که هیچ قانون نگروند و بی هوای خود دوند پس هر کاری را بمیل خود اقدام و خود و دیگران را تمام میکنند از آنجا که قاعده در میان نیست و مبدجس نداند تکلیفش و چاره اش جز آنکه نطق گوید و تقرب جوید چیست کسی از یم حرف حتی بر زبان نیارد و منع آن بی نظمی نتواند پس چنین حاکمی را رعیت

در میان هیئت رجال محکم و بزرگان ملت است که به يك جنبش مرده افراض قضایه را از ساحت دل خود شان کنار گذاشته بدستبازی هم دیگر باصلاح نواقص وطن پردازند

حسنت باتفاق ملاحظت جهان گرفت

آری باتفاق جهان میتوان گرفت

(ع - ح)

حرف مرآت وشت و ذریا

(بقلم یکی از علمای طهران)

(از شماره ۲۵)

گفت . هیئات هیئات که از ناله زارم اثری و از آتش کانون دردل چون سنگت خیزی نیایم - زنگ از خاطر بر ملامت زردودی و همی غم بر غم افزودی من از سوز جگر در عذاب تو بخود پسندی مشغول من از آتش دل در پیچ و تاب تو بلاف فضل و حکمت مجبول سخنانت یکجا چغز لختی از در انصاف درای تاورا خود حکم قرار دهم و هرچه وجدانت حکم کرد محکم دارم با اینکه خود میدانی فلان سررشته دار در اوائل کار معروف بفقرو مسکنت و مالک چیزی جز قلم امانت بوده امروز مالک بسی مکنت و نادره یارک و عمارتی شده که میتوان گفت قصر شاد را منقل ساخته چه در بیت النخبله اش آینه به اندازه قامت خویش انداخته تا در آنجا نیز عمر عزیز به بطالت نگذارد و در بوستان و گلستان نظر اندازد من که در حسب و نسب ازو برتر و شریف ترم چه گونه توانم دید که بدو زبانی نرسیده در بستر عزت غنوده و حقوق چون منی قلیل نموده مگر آنکه لباس خیرت از خود دور کنم یا خود را زنده درگور

گفتم . مولانا مارا سخن در اصلاح ملک و ملت

بود نه در هم چشمی و خصومت مگر نشاید یکی از ارباب جرائد انسانی وطن را بند همی داد که ارباب ظلم و خیانت را به لمن و ملامت یاد نکند چه اگر راست گفتید غیبت کردید و اگر دروغ گفته باشید نهمت بستید پس سخن در پرده دار و نام شخصی ولو به کنایت بمیان مبار اگر قرآن شریف نام ابراهیم برده و زوجه اش را بجهالة الحطب یاد کند مارا در آن مجیب نباشد زیرا که کلام بحدیث است و بحث در آن خطا - ما

نباشد بلکه بنده گانند بپیر اطاعت جسته و بظلم کر خدمت بسته همه روزه از عدد ایشان کم و نام نیکان کم شویم بدان بجای برقرار و خوبان روی برار نهند . این سخنان را کسی نیکو میفهمد که چون من بنده بدبخت آب و گلش بهر وطن سرشته شده باشد موسیا آداب دانات دیگر اند سوخته جان و روانان دیگرند

امپوارم که بزرگان ملت این خواری و مذلک را بر خود و انانی ملت نه پسندیده از گذشته ما عبرت گرفته برای آینده وطن تدبیری که موجب رفع ناملایات و مستلزم آسایش عمومی باشد بکار برند تا وطن عزیز نیز از اشعه تمدن حقیقی که در خور آیین پاک اسلامیت و انسانیت است روشنائی گیرد و سحاب مظلم جهالت و کسالت بوزیدن نسیم علم و دانش متفرق گشته افق مملکت ما نیز که بهترین نقاط روی زمین است از دود غبار بیداد و ستم صافی گردد و آوار جور و قتل تباهی پذیرد برای رفع معایب وطن همت فرمایند که از میامن اتفاق و همت بلند ایشان بتدریج مفساد اصلاح پذیرد زیرا که هیچ سختی را در مقابل سی و مجاهده ملتی پایداری نتواند بود باید برای اصلاح کارها متفقانه جنبش کرد تا بر شادمان غلبه نمود

در ممالک مغرب زمین از ملت هر کسی که قلمی دارد از هر طبقه که هست ولو دیوانه باشد هرگاه مقاله بلحاظ منافع ملی نوشته برون نامها بدهد فردای آن خواهند دید که نامی عقلای قوم مقاله آن دیوانه را میخوانند اگر حرف سودمندی دیدند بدان عمل میکنند و گرنه روی ترش نکرده چیزی با برو نیاورده میگذرند - بالعکس هرگاه در مملکت ما مطلق از این مقوله چیزی بگوید و یا بنویسد و برا استهزاء کرده و نام بیچاره را بجهالت و دیوانگی یاد کنند و دور نیست که برخی دیگر بدین یکی هم اکتفا نوزیده او را به بیدینی و لامذهبی بر شهانند

(بین تفاوت ره از کجاست تا کجا)

از یگانه ایزد دانای توانا بکمال تضرع خواهیم که ما را بسعادت ابدی که منظور نظر دوستان و منصور وطن خواهان است برساند که نخستین اسباب حصول آن سعادت ما با بته بوقوع اتفاق و انحصار

سخن در حال خود گویم و علاج درد خود جویم
من گویم بحکم اسلام و ایان عدالت و قناعت پیشه کنید
که طایفه دستگیری و سعادت است از ظلم و طمع اندیشه
کنید که اسباب خاریند و ذلت تا تواید از در توبه
واناه در آید از ظلم هموطنان مظلوم خود پرهیز نماید
که زمان انتقام فرا رسد و قدرت قادر منتقم آشکارا
گردید - پس اگر در اقبای سیره طایبانت ابرام کنید و
در نادرستی خویش اهتمام مکافاتی پدید که در داستانها
بازگویند (اتقوا قنّة لانیصین الذین ظلموا منکم خاصه)
تورا جزا ندهند و دیگران را بحال خود نگذارند
(انکم و ما تعبدون من دون الله حسب جهنم) تو را
در اطاعت اندوزم چه زبانی و در الزام چه بیانیست
اگر برهانی توانی بیار و گرنه دیگر راه قض و جدل
مبار که مرا دیگر طاقت گفتن و شنیدن نباشد

گفت - ما را سخنی بطریق قصه و حکایت بود
نه همچونی و خصوصیت ندامت برهانرا چه علامت و
دلیل را خود چه آبی است که در سخنانم نیست اندکی
گوش فراده و رسم جدل یکسونه تاحق بر تو برهن
و صدق مقام چون آفتاب روشن کرده عزیز من اسماک
و قناعت سیره مردم بازاری نواند بود مؤظیفه مستوفیان
و رجال درباری مستوفیان که در ایامان در اعلی
درجه عز و شان در مقام بزرگی و شوکت طایفه افتخار
ملك و ملت اغلب صاحب یارک و مهارت دارای مکنت
و ثروت در شکر و کالسه اسطبل و کالسه خانه ضیاع و
عقار ناظر و پیشکار چندین نوکر و کارگذار هزاران
اجزا و اتباع بکوری چشم فرنگی مآبان که نگویند آنان
از علم و تمدن بی بهره اند ادک و بیان و یلین و نار کالجه
و سه نار ساززن و خوراکیز کارد و چنگال هزارگونه
مخارج دیگر و درد بیدرمان بزرگتر از قبیل چشم و
همچونی و سر و همسر که اگر همه را شرح دهم چندین
روز نتوانم چگونه نواند به اسماک و قناعت بگذرانند
گفتم - جناب مستوفی اگر تفصیل این است و حال
چنین پس (گفتن بیاورد و تابوت و جامه نیلی کن) در
حقیقت اگر آنچه گفتم صدق فرمودی و چندان مبالغه
نمودی پس باید فکری دیگر کرد و تحصیل مدخلی
اضاف مدخول این کشور چه اگر تمام طلبیات حالیه
ایران برای مدد معاش و اکنار مستوفیان کرده امور

آنان بخوبی دادر نگردد . مذاک تا کنون چه گونه در
نمانده و امر خویش را با اینهمه مخارج گزافی گذرانده
فرمودند - علی بن ابی طالب - اطاست که حل اتملک بدین منوال
است مگر خود نماند که چند سال است هر ساله . بلنی
برسم استاده از اجاب و بیگانه دویافته و باها پرداخته
اند - گذشت روزیک مرحوم میرزا اسمعیل کرکالی و
میرزا احمد طاندرای و میرزا حسن آشتیانی هر یک
به دو بست تومان امر خود را گذرانده نوکری دیوان
میکردند امروز نواده های آنان با چند هزار تومان
باید کلاه از این و آن بردارند تا امر خویش بگذرانند
مگر خود نمی بینی که پسر زن فلان که بست بیکی از
مستوفیان است با داشتن چند هزار تومان مواجب در
گذران خود راحت نباشد و همواره از اوصاف ناگوار
روزگار شکایت کند حال بر گو که من و سایر بزرگ
زادگان چگونه بسر بریم صکه مورد ملامت امثال او
نگردیم برو دعاکن مستوفی لغدی و گرنه دق میکردی
و چون من خون جگر میخوردم تا رخت ازین عالم
قش میبردی بلاشبکه با اینهمه دردهای بیدرمان میگویند
خوب است دست مستوفیانرا کوتاه بنارند و در اصلاح
اداره نظامی همت کارند که سری چند نام خویش را
صاحب منصب گذاشته تی چند سرباز بدور خود جمع کرده
با زمین فودن و (یک) (دو) گفتن را کمال انکارند غیلام
کیست که راست از چپ نداند و عدد را شمار نتواند آه
آه از قدر ناشناسی ایرانیان وای وای از قنّه آخر الزمان
امان امان از بدعت فرنگی مآبان هان ای سفر کرده
دور از وطن وای یوسف گل به من ای پدر مهربان
مستوفیان ای (مازارن) ایرانیان کجایی که به بینی کار
قدویانت بکجا کشیده و کارد ناگجا به استخوان رسیده
من بنده را این - سخنان دور و دراز و این ناله
های پرسوز و گداز جناب میرزا در وحشت و اضطراب
انداخته مضطربانه پرسیدم جناب اکنون شما و در این
امر خطیر و قصای تبدل ناپذیر چه فکری در سر و
چه خیالی در نظر است

فرمود اولاً ملوا اطمینان کامل است که ایرانیان
را اقبال تا این پایه یار نباشد و مدین آسانی دست ما
از دامن شان کوتاه نکرده مگر اینگونه مذاکرات
شنیده علی از اقبال بیزوال خویش نتیجه و از آن

ندیده ثانیاً بدر روحانی ما را علاوه بر آثار بزرگ تاریخی
 دوستان و نمک پروردگان در اینمکت بسیار است از
 قبیل (شیخ بوق) (شیخ کرنا) سید تاریخی سید صوفی سید
 وکیل کرکلی و رکلی جراح دودمان مرحوم حاجی
 کربلائی شیخ طهماس رمالباشی مخصوص که خانه برخانه‌ای
 رمل باسم... افزوده سید حامد جفا که مشغول است
 يك پیراهن با زعفران مینویسد سید مدد حنی که
 تمام جنها از سیاه و سفید در اطاعت اوست سید طاؤس
 که مئث بدوح و مربع با هفت را بر میکند و مشغول
 است یکبارچه از جلد آموی نابالغ را باسم ملک هزار
 سر بر میکند بتنگ علیشاه هزار علیشاه ببر علیشاه که
 تسخیر ارواح و تسخیر... میتواند میرزا بلور که دو علم
 پلنیک امروز عدیل ندارد و میتواند طلیرا زیر و زیر
 کند و و که اگر همه را بشارم (مثنوی هفتاد من
 کاغذ شود) تمام ایشان مشغول کار (همه در ذکر و
 مناجات و قیامت و قعود) پس دیری نگذرد که
 اینهمه نفوس اثر بخشد و کار بکام ما گردد چگونه
 میشود اینهمه افاض شریفه بی اثر ماند مگر آنکه العیاذ
 بالله این چیزها همه دروغ باشد

گفتم - برای خاطر خدا سخن کوتاه دار و زیاده
 رایح میازار از این پیش-بنهام مخراش و نمک بر جراحیتم
 مباش یا لاجب بت برستی تا چند موافقتی تاکی اینگونه
 دعا و پرا در بلاد ترا کمه و هنوز دیده مایه تعجب
 گردیده اکنون از ایشای وطن عزیزم میشنوم - مولانا
 آنچه بر شمردی اگر یکی صدق بودی مدار از روزگار
 بی آدم بر آوردی - چگونه تواند بود که خداوند عادل
 رؤف اختیار کائنات بنا کسان دهد و آلت جور در
 کف ظالمان نهد اینگونه حرقات ناشی از سستی ایمن
 باشد پس دور از طریقه اسلامیان (اف لکم و لما
 تسبدون) پس تو را فکری دیگر باید که عقده بکشاید
 و گرنه اینگونه باطلیه زنک از چهره زوداید و عم از
 خاطر بر ملال نبرد

گفت - حال اگر چنین باشد و قضای بد در کین
 ما را نیز خیالی دیگر در سر است که حتماً براه نجات
 رهبر است چون از تو چیزی پنهان ندارم آرا نیز
 بر تو عیان سازم اگر ایرانیان قدر ما ندانند دیگران
 ما را بر سر موهو بشانند شنیدم در ممالک اروپا هم

کس را قدر استحقاق و لیاقت در خور احسان و
 نعمت دارند ما نیز اندوخته خویش بر داریم و رو
 بدالضوب آرم باقی عمر عزیز در آنجا راحت گذرانیم
 و با محبوب خود در عیش و عشرت بسر بریم کجاست
 که قلم استیفا در کار نیابد و بار چون ما نوگرانی بود
 نکرده (تمام شد ملخص مقاله دفتر) رب اشرح لی
 صدری و بسری امری و احال عقده من اسانی یفتوها
 قولی (خادم وطن)

(س - ی - خ)

جغرافیای ایران

(از شماره ۲۵)

(جغرافیای پرتیکی دولت علیه ایران)

(طرز حکومت و اصول اداره مملکت)

(۱) طرز حکومت دولت علیه ایران مستقلم است
 و جمیع امورات با دارة اعلیحضرت اقدس شهرباری
 جریان می یابد

(۲) عنوان - شاهنشاهی یعنی امپراطوری است
 اینک شاهنشاه ایران السلطان ابن السلطان اعلیحضرت
 مظفرالدین شاه میباشد که بجمین پادشاه از سلسله
 جليلة قاجاریه است و پس از شهادت پدر تاجدار خود
 شاه شهید ناصرالدین شاه تاج و تخت ایران را بوجود
 مسعود آرایش و زینت بخشیده اند خداوند متعال
 و شیدارگان سلطنته

(اسامی و عنوان ارکان خاندان شاهنشاهی و تاریخ
 ولادت بموجب نگارش ذیل است
 (ابتداء سلطنت)

- شاهنشاه زادگان عظام (۶) تاریخ تولد سنه - یلادی
- ۱ - ولیعهد دولت شاهزاده محمد علی میرزا ۲۱
 حزیران سنه ۱۸۷۲
 - ۲ - ملک منصور میرزا شجاع السلطنه ۳۰ طربت سنه
 ۱۸۸۰
 - ۳ - ابوالفتح میرزا سالار الدوله اکون اول سنه
 ۱۸۸۱
 - ۴ - ابوالفضل میرزا عند السلطنه ۴ تشرین ثانی
 سنه ۱۸۸۲
 - ۵ - حسین قلی میرزا ۲ طایس سنه ۱۸۹۵
 - ۶ - ناصرالدین میرزا ۴ طایس سنه ۱۸۹۶

(اخوان اعلی حضرت شهریار)

- ۱ - نواب اشرف والا مسعود میرزا ظل السلطان
۵ کابون تا ۱۸۵۰
 - ۲ - نواب والا شاهزاده کامران میرزا نایب السلطنه
۲۷ فور ۱۸۵۶
 - ۳ - نصرت الدین میرزا سالار السلطنه ۱۸۸۲
 - ۴ - محمد میرزای پیمان الدوله
 - ۶ - سلطان احمد میرزا عبدالسلطنه ۱۸۹۱
- (اخوان اعلی حضرت شهریار)

-۱۱-

م آرم اعلی حضرت شهریار نواب اشرف والا
عبدالصمد میرزا

(اداره ممالک محروسه ایران)

ایران از حیث اداره بولایات چند تقسیم شده که هر يك از آنها از جانب يك والی و فرمانفرما اداره میشود حکام و ولات ایران در دایره حکومت خود بر نوع امور مالکیه و عسکریه و رسمیه و حقوق تا یکدیگرچه نافذالحکم و مطلق الضمانند هر يك از ولایات نیز مشتمل بر بلاد کوچک تر از والی نشین بوده اداره ملکیه آنها بسمه حاکمان کوچک محول و امور ضبطیه آنها بدست داروغه و مصالح دیوانی بدست کلانتر و کدخدایان محول است

(هیئت دربار بوجه آن است)

- ۱ - صدارت عظمی
- ۲ - وزارت امور خارجه
- ۳ - وزارت امور داخله
- ۴ - وزارت مالیه
- ۵ - وزارت تجارت
- ۶ - وزارت عدلیه
- ۷ - وزارت معارف
- ۸ - وزارت فواید عامه
- ۹ - وزارت کمرکات
- ۱۰ - وزارت پوست و تلیگراف
- ۱۱ - وزارت جنگ

(باقی دارد)

مکتوب از دزفول

بخدمت از بن توجهات کامله جناب اعظم السلطنه

امیر تومان حکمران مملکت عربستان و بختیاری امورات این صفحه از خارج و داخل در نهایت انتظام است هموم مردم آسوده خاطر مشغول کار خود میشوند و تا کنون بخدمت اعلی چند بارانهای نافع بموقع خود باریده زراعات امساله از هرجهت کاف و کیفاً هیچ ربط بنسوان گذشت ندارد بهاری که امساله شده تا کنون دیده نشده بود نظر باحدیث میتوان گفت اینها همه از حسن نیت شخص جلیل حکومت است همه ساله در این وقت از سال بواسطه شرارت الوار سکونت ممکن نبوده که شخص از بل دزفول عبور کند ولی امساله بخدمت اعلی جنان شخص حکومت حضرت خدائین سکونت را زیر اطاعت آورده که خود نشان بنفسه مشغول خدمتگذاری و مواظبت هستند چنانکه چند بوم پیش چند رأس گاو از یکی از دهستان اطراف آب برده بودند خود خوانین سکونت آنها را گرفته و مسترد داشت و یکپول از صاحبان آنها نگرقتند بهر حال اهالی مملکت هرستان نهایت تشکر را از حسن سلوک و رفتار حاکم جلیل القدر خود دارند خداوند انشاداً وجود این گونه اشخاص که اسباب نیکنامی دوات و رفا مات هستند برقرار و مستدام دارد

از مکاتبات عمل قابل مشو

گندم از گندم بروید جو زجو

شوشتر

یا ضیاء المستقیمین

خواهش امالی شوشتر به حضور مبارک جناب مؤیدالاسلام است که تقریباً بیست سال می باشد بل شوشتر خراب و منهدم شده و از آنوقت تا کنون بسا نفوس محترم اسلامیسان بسبب عبور باکلاک از رودخانه غرق و هلاک شده و چه قدر مال التجاره تلف گردیده و چه قدر اجناس و اوزانق تفاوت نموده چون عمده آبادانی شوشتر از میاناب که فاریاب است بود و اکنون بسبب خرابی آنها قیمه اجناس پنج مقابل شده رفته رفته شوشتر رو بانهدام و رعیت فرار را برقرار اختیار نموده جلای وطن مینمایند تا بحال بملاحظه اغراض نفسانی بعضی رؤساء و ملاک بی دین مانع بودند حاکم این سد بسته شود

و مراض رعیت بسبب اغتدائی دربار بمصوب مبارک اولیای دولت نجیبید اسکنون الحمد لله از این وضع جدید سکه نوب و بعضی ادارہ جات منظم شده و خریدہ مبارک جبل الملتین باعث بسیاری امور خیر شده این مریضه را افتاد نموده مستعدی جنابیم که درج خریدہ مبارک جبل الملتین فرمایند تا انشاء الله بنظر اوابسای دولت علیه برسد و بخاکبای مبارک هایونی عرض نمایند - شاید از طریق رحمت حضرت مستطاب صفارت عظمی نومی فرمایند که رعیت زیادہ از دست نروند یا آنکه بعنوان ادارہ مثل سایر امتیازات که بخارجہ داده میشود بکمبانی از داخلہ داده شود یا آنکه دولت مخارج و مصارف آنرا مہین فرماید در صورت منافع کلی برای دولت و رعیت دارد از حضور مبارک اولیای دولت استدعا داریم جنابیم خیال و چارہ فرمایند جواب فتویان با ادارہ جبل الملتین اصدا فرمایند کہ دوج خریدہ مبارک شود و اسباب امیدواری گردد

جناب مستطاب شریعتیآب آقای آقا شیخ مرتضی سلمه الله بعضی وصول خبر و رحمت از فوت مرحوم حجة الاسلام والد شان طاب تراه چنان آثار حزن و ملال در ایشان پیدا شد کہ حالت تشرف بمکہ معظمہ زادہ الله شرفاً و تعظیفاً بداشت و از هندوستان محلاً معاودت فرمودند یازدهم ذیحجه [۱۳۲۲] وارد شوشتر شده اهالی بملاحظہ ارادت و عقیدہ کہ نسبت با این خانواده مقدس دارند تمام سواره و پیاده تا بندر شلیل کہ دو فرسخی است استقبال شایان نمودند و دو مرتبہ عزاداری نمجید شد خداوند انشاء الله این آقایان محترم را حفظ فرماید (و - ز - ی - و)

حجرت بنا در و حدود بلوچستان

و اعیاد منصوبہ اسلامیان

بشمار چہ ہار کہ از بنادر بلوچستان است از اجمالیکہ نہ مرکز حکومت و نہ محل اقامت کثقی دولت است اجرای مراسم رسبہ اعیاد معمول و معاد نیست فقط در ہنمالسنہ میمونہ جون در این موقع جناب آقای اعتلامالقولہ کار گزار عربستان بمأموریت فوق العادہ با کثقی برس بلیس در این نقطہ

تشریف داشته و دارند تکلیفات و تشریفات عیدهای بزرگ اضحی و غدیر در کال تجلیل و توقیر بعمل آمد بہ این نحو کہ روز اضحی از طرف کارگذار معزی الیہ ذبح چندین قربانی و بعضی دعاگوئی ذات اقدسی لخروانی تقسیم بقرا شد و در ہر دو یوم مسعود مزبور کثقی مذکور علی لرسم بیوفہسای گوناگون جشن و شگون افزاشتہ در ضمن اضحی رسم تبریک نوای موزیک و صدای شلیک گوشزد دور و نزدیک گردید و در حقیقت این دو عید اولین عیدی است کہ رسماً در این حدود گرفته شده و معلوم است بچہ قدر در نزد خارجہ باعث شمار دین و دولت و اسباب سربندی و اقتضار رعیت است و بہ قرار مسموع راپورت آن از وزارت جلیلہ امور خارجہ بعرض رسیدہ و موجب حکمال خورسندی گردیدہ است

در خصوص مہام سرحدی و تسویہ امور کارگذار باوزارت خارجہ و ایالت کرمان و حکومت بلوچستان و مأمورین انگلیس درمناکرہ و قرار ومدار هستند و امید است بطور مأمول انجام داده بہ یاری پروردگار بزودی بہام رسانند

حکایتی کہ این روزما شہرت وشبوع پیدا کردہ این است کہ جون کارگذار معزی الیہ در ہر واقع شوقی بخدمتگذاری دولت دارد روزی برای باز دید و سر کشی بہ قلعہ دولتی بندر طیس کہ آہم یکی از بنادر بلوچستان و قلعہ مزبورہ واقع در روی کوه بلندی است رفتہ - ماری کہ بہ رنگ سنگ و خاک و ہر شکاف سنگ پنهان بودہ و ایشان و مہراہانشان ندیدہ قضا معزی الیہ پای را بر بالای آن موزی گذاشت و فوراً بسای پیچید و ہمین حککہ قدم از روی آن بر داشت رہا کرد و از آنجا حککہ ہمہ مقصود از رفتن قلعہ خالصی و بعضی خدمت بدوات بود و ہم گزاردن پای بر بالای مار از روی عمد و برای اذیت نبودہ بقدرت الله آمیبی معزی الیہ نرسید ولی سزای سوب قصد موزی مزبور را دادند و یکبارہ دفع شر او را از خلق جہانی کردند ۲۶ ذی حجه ۱۳۲۲